

پی محبوب

پرسش و پاسخ در باره آخرین مصلح آسمانی، امام عصر علیه السلام

سید حسین حسینی

ياد محبوب

یاد محبوب

پرسش و پاسخ درباره‌ی آخرین مصلح آسمانی، امام عصر علیه السلام

۳

نویسنده

سید حسین حسینی

حسینی، سید حسین، ۱۳۲۵ -

یاد محبوب: پرسش و پاسخ درباره‌ی آخرین مصلح آسمانی، امام عصر علیه السلام /
نویسنده سید حسین حسینی. - تهران: نشر آفاق، ۱۳۷۹.

ج ۲. - (شناخت‌های اعتقادی؛ ۲۲، ۲۳، ۲۴)

ISBN 964 - 6058 - 75 - 2 (ج ۱) ISBN 964 - 6058 - 78 - 7 (دوره) ISBN 964 - 6058 - 76 - 0 (ج ۲)

ISBN 964 - 6058 - 77 - 9 (ج ۳)

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).

کتاب‌نامه: به صورت زیرنویس.

ج ۳ (چاپ اول: ۱۳۸۰)، ۷۰۰ تومان.

۱. محمّد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - - . ۲. مهدویت.

الف. عنوان. ب. عنوان: پرسش و پاسخ درباره‌ی آخرین مصلح آسمانی، امام

علیه السلام.

۲ ی ۵ ح ۵۱/ BP

۱۳۳۸۵ - ۷۹ م



۲۹۷/۹۵۹

کتابخانه ملی ایران



نشر آفاق

یاد محبوب (پرسش و پاسخ درباره‌ی آخرین مصلح آسمانی، امام عصر علیه السلام) جلد ۳

مؤلف: سید حسین حسینی

ویراستار: سید علی رضوی

طرح روی جلد: علی اکبر یزدی

چاپ دوم: ۱۳۸۰ ش - تعداد: ۵۰۰۰

چاپ و صحافی: فرنو

مرکز پخش: دفتر نشر آفاق

تهران: خیابان پاسداران، دشتستان چهارم، نبش زمرد، شماره ۴۳

کدپستی ۱۹۴۷۹ - تلفن و فاکس: ۲۸۴۷۰۳۵

پست الکترونیک: E-mail : afagh@apadana.com

۷۰۰ تومان

حقوق شرعی و قانونی هر نوع چاپ و تکثیر فقط برای ناشر محفوظ است.

ISBN 964 - 6058 - 77 - 9

شابک ۹۶۴ - ۶۰۵۸ - ۷۷ - ۹

ISBN 964 - 6058 - 78 - 7

شابک دوره ۷ - ۷۸ - ۶۰۵۸ - ۹۶۴

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیش گفتار

پیامبر اکرم ﷺ در طول بعثت و ابلاغ خود، مردم را از ره گذر الهام
الاهی، به دو یادگار گران بها توصیه فرموده است:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي»^۱

این در حالی بود که خود آن حضرت - درود خدا بر او - تبیین و تفسیر
و بیان احکام و عقاید را بر عهده داشت و مسلمانان را از زوایای مختلف
دین در هر سطحی آگاه می فرمود؛ لیکن پس از خود، رسالت تفسیر و
تبیین و توضیح مسایل گوناگون دین را به دوش جانشینان خویش گذاشت
که خود، آنان را ثقل دیگر و همتای قرآن نام نهاده بود.

امامان پاک و بزرگوار نیز پایه پای قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ،
انجام این مأموریت الهی را به عهده گرفتند و از انحرافات اعتقادی و نیز
تفسیرها و برداشت های نابه جا و انحرافی از آیات قرآن و عقاید اسلامی
جلوگیری کردند.^۲ از این روست که در کنار متن استوار کتاب خدا، محتوای
اسلام و سنت پیامبر گرامی ﷺ را باید در بیانات ائمه اطهار سلام الله علیهم
أجمعین بجوییم. نام عمومی این بیانات «حدیث، روایت، خبر» است.

۱. برای نمونه، رک. اصول کافی ۱: ۲۹۴ - مسند احمد حنبل ۵: ۱۸۱ -

۱۸۹ - سیره ابن کثیر ۲: ۴۴۵.

۲. در این مورد، به «نقش ائمه در احیاء دین» نوشته‌ی علامه سید مرتضی

عسکری (در ۱۶ جزء) مراجعه شود.

در یک نگاه اجمالی، بیانات پیامبر و امامان درودخدابرایشان را در قالب‌های زیر می‌بینیم:

۱- حدیث و گفتار ابتدایی: آنان درودخدابرایشان خود در برابر یک یا چند نفر، مطالبی اعتقادی یا اخلاقی یا تفسیری یا فقهی یا تاریخی و یا... بیان می‌فرمودند. این احادیث گاهی به صورت حدیث قدسی بود که از خداوند متعال نقل می‌شد (به جز قرآن) و یا به گونه‌ی حدیث معمولی بود. از گروه اول می‌توان نمونه آورد: حضرت رضاعلی^{علیه السلام} فرمود: موسی بن جعفر، از جعفر بن محمد، از محمد بن علی، از علی بن الحسین، از حسین بن علی، از علی بن ابی طالب، از پیامبر درودخدابرایشان، از جبرئیل، از میکائیل، از اسرافیل، از لوح، از قلم نقل کرد که: خدا می‌فرماید:

«وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي

أَمِنَ مِنْ عَذَابِي.»^۱

از گروه دوم، این گفته‌ی پیامبر^{صلی الله علیه و آله} که:

«ای علی، تو بهترین مردمان‌ای؛ هر کس در تو شک کند کافر است.»^۲

۲- در قالب سخنرانی و خطابه: از نمونه‌های فراوان آن خطبه‌های ارزشمند امیرالمؤمنین^{علیه السلام} است؛ چنان‌که در ضمن خطبه‌ای^۳ فرمود:

«امامان از قریش‌اند؛ از بطن^۴ هاشم و جز ایشان، والیان دیگر صلاحیت امامت ندارند.»

دیگر امامان نیز خطبه‌هایی در مسایل گوناگون ایراد فرموده‌اند که

۱. مسند الامام الرضا^{علیه السلام} ۱: ۱۱۴.

۲. همان: ۱۱۳، ح ۷۲. ۳. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۴۴.

۴. بطن: هریک از شاخه‌های اصلی یک قبیله.

برخی از آن‌ها را در مجموعه‌های روایی می‌بینیم.

۳- مناظره و گفت‌وگو با یک یا چند نفر (در مسایل اعتقادی و

تفسیری و...)

نمونه‌ی این نوع مناظره‌ی امام صادق علیه السلام با زناده؛ به‌طور مثال، مخالفان گفتند: چگونه خداوند برای خشنودی و خشم فاطمه علیها السلام خشنود و خشمگین می‌گردد؟ آن حضرت فرمود: «شما حدیث نقل می‌کنید که خداوند به‌خاطر رضای بنده‌ی مؤمن خود، خشنود می‌شود و برای خشم او، خشم می‌کند. آیا دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله اهل ایمان نیست؟» گفتند: راست گفتی! ۴- در قالب دعا: گفتنی است که بیشترین مطالب بلند و ژرف را امامان بزرگوار در قالب دعا و مناجات آورده‌اند.

امام سجاده علیه السلام در دل شب صورت بر خاک می‌نهاد و می‌گفت:
«خداوندا! تو آن بزرگواری که درخواست‌کننده‌ای را
ناامید بر نمی‌گرداند و هر آن‌که را آهنگ تو کند می‌دانی و
تنها تو نیازشان را برمی‌آوری.»^۱
هم‌چنین می‌خواند:

«أَسْأَلُكَ الرَّوْحَ وَالرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عَنِّي

حِينَ الْقَاكَ.»^۲

۵- در شکل زیارت: پیشوایان ما بسیاری از مسایل اعتقادی، مانند

توحید و امام‌شناسی و... را در قالب زیارات بیان می‌فرموده‌اند:

۱. احتجاج ۲: ۳۵۴.

۲. دعای ۸۲، صحیفه‌ی جامعه‌ی سجادیّه: ۱۵۸.

۳. همان.

در زیارت امین‌الله - که در مورد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وارد است و برای تمامی امامان خوانده می‌شود و آغاز آن چنین است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَجَّتَهُ عَلَيَّ
عِبَادِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»

- می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مَطْمِئِنَّةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً

بِقَضَائِكَ.»^۱

«خداوندا، روح مرا نسبت به تقدیرات خود مطمئن و جان مرا نسبت به قضا و حکم خود خشنود گردان.»

۶- در قالب کتابت و نامه و رساله: پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان بزرگوار بسیاری از اوقات، نکات اعتقادی، اخلاقی، فقهی و... خود را در نامه‌ها درج و برای دیار دور و نزدیک ارسال می‌فرمودند؛ از باب نمونه: امام امیرالمؤمنین علیه السلام برای عامل خود برای صدقات نوشتند:

«به راه تقوای خداوند یکتا - که انباز ندارد - حرکت کن. مسلمانی را نترسان و با زور از او صدقه مگیر و بیشتر از حقّ خدا در اموال از کسی مطالبه مکن...»^۲

۷- در چهره‌ی پرسش و پاسخ: پرسش و پاسخ یکی از بهترین و فطری‌ترین راه‌های تفهیم و تفهّم است و در قرآن کریم بسیار مورد اهمّیت است. از طرفی، خداوند به مردم خطاب می‌کند که:

﴿اگر نمی‌دانید، از اهل ذکر پرسید.﴾^۳

۱. زیارت امین‌الله، مفاتیح الجنان.

۲. نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۸۰/۵۲. ۳. نحل (۱۶): ۴۳.

و از سوی دیگر، در پانزده مورد به پیامبر ﷺ گوشزد می‌کند که: ﴿يسألونك﴾: از تو می‌پرسند و تو چنین و چنان پاسخ آنان را بده.

در احادیث شریفه نیز بسیاری مسایل اعتقادی، نکات اخلاقی، مطالب فقهی را از امامان سؤال کرده‌اند و حضرات امامان پاسخ فرموده‌اند. اکنون دو مورد از پرسش و پاسخ‌های امامان را برای تبرک می‌آوریم:

۱- مأمون از امام رضا علیه السلام پرسید: ای ابوالحسن، به من توضیح دهید که چگونه جدتان علی بن ابی طالب علیه السلام تقسیم‌کننده‌ی بهشت و دوزخ است؟ امام علیه السلام پاسخ فرمود: «ای پیشوای مؤمنان، آیا پدرت از پدران خود از عبدالله بن عباس روایت نکرده‌اند که گفت: شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که می‌فرمود: محبت علی علیه السلام ایمان و دشمنی او کفر است؟» مأمون گفت: آری. فرمود: «پس او تقسیم‌کننده‌ی بهشت و دوزخ است.»^۱

مأمون گفت: یا ابوالحسن، خدا مرا بعد از شما باقی نگذارد (بعد از شما زنده نباشم). شهادت می‌دهم که شما وارث علم پیامبر صلی الله علیه و آله هستید. اباصلت هروی گفت: در هنگام مراجعت امام رضا علیه السلام به منزل عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، چه پاسخ زیبایی به خلیفه (مأمون) دادید! فرمود: «ای اباصلت، من از همان جهت و نظر که او پرسید، پاسخ گفتم. به تحقیق از پدرم شنیدم به نقل از پدرانشان از امیرالمؤمنین علیه السلام که آن حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند: یا علی، تو تقسیم‌کننده‌ی بهشت و دوزخ در روز قیامت هستی. به آتش می‌گویی: این از من و آن یک از تو.»^۲

۱. زیرا محب علی علیه السلام اهل بهشت و دشمن او اهل جهنم است.

۲. ائمتنا ۲: ۱۲۴، ح ۱۱.

۲- عبدالعظیم حسنی گفت: من از حضرت جواد علیه السلام پرسیدم: مولای من، من امیدوارم که شما آن قائم از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله باشید که زمین را از داد و عدل پُر می‌کند؛ چنانچه از ظلم و جور آکنده شده باشد. آن حضرت پاسخ فرمود: «همه‌ی ما قیام‌کننده به امر خداوند و هدایت‌کننده‌ی به سوی دین اوییم و لکن قائمی که خداوند به واسطه‌ی او زمین را از کفر و انکار پاک و از داد و عدل پُر می‌کند کسی است که ولادتش از مردم پنهان و از مردم غایب است و بردن نام او بر ایشان حرام است. او هم‌نام و هم‌کنیه‌ی رسول خداوند صلی الله علیه و آله است. او کسی است که زمین برای او درمی‌نوردد و هر سختی برای او رام می‌شود و برای او یارانی به تعداد اهل بدر، ۳۱۳ مرد، از دورترین نقاط گرد می‌آیند و این است قول خداوند که: ﴿هر جا باشید خداوند شما را گرد می‌آورد همانا که خداوند بر هر کاری تواناست﴾.

هنگامی که این تعداد از افراد با اخلاص اجتماع کردند، خداوند امر ایشان را ظاهر می‌نماید. در این هنگام، سربازان او به ده هزار تن می‌رسد و او به اذن الاهی خروج می‌کند. پیوسته با دشمنان خدا به جنگ می‌پردازد تا خداوند - عزوجل - خشنود گردد.»^۱

گفتنی است که القا و تفهیم مطالب در قالب سؤال و جواب فوایدی چند داراست:

الف: برای پرسشگر مفید است؛ زیرا پاسخ در سطح فهم و دانش او طرح می‌شود.

ب: به خاطر مخاطبه و رویارویی و اختصار پاسخ، مطالب در ذهن سؤال‌کننده می‌نشیند.

۱. احتجاج ۲: ۴۴۹.

ج: از فزونی در گفتار که مورد نظر سایل نیست پرهیز می‌شود؛ مگر آن‌گاه که خود او طالب فزونی گردد.

د: بدین وسیله طالب دانش، نحوه‌ی پرسش را بهتر می‌آموزد و به پاسخ خود سریع‌تر دست می‌یابد.

ه: معمولاً در پرسش و پاسخ، «به‌زمان‌بودن» مسایل رعایت می‌شود. در برخی مسایل علمی، ریشه و محتوا قدیمی است؛ لیکن قالب و شکل سؤال با مرور زمان تفاوت می‌کند؛ مثلاً پاسخ و پرسش، دانش‌جو را در مطالب، به مقتضای مسایل زمانه آشنا می‌سازد.

و: بسیاری از اوقات، ده‌ها مشکل یک سائل در یک مجلس پرسش و پاسخ از زوایای مختلف حل می‌گردد.

ز: در مجالس سؤال و جواب، سؤال‌کننده جرأت طرح مسایل و مشکلات خود را پیدا می‌کند و در راه حل آن‌ها گام می‌نهد.

ح: با پرسش و پاسخ‌ها، به‌ویژه به‌صورت شفاهی و حضوری، روابط عاطفی ایجاد می‌شود؛ معلّم و متعلّم با رابطه‌ی محبت میان خود بهتر می‌توانند توافق فکری یابند. متعلّم در حریم معلّم گام می‌نهد و خود را کمال می‌دهد.

خواننده‌ی گرامی، این نکات و نکات پنهان دیگر، عالمان دین را در طول تاریخ بر آن داشته است تا کتبی مفصّل در پاسخ به پرسش‌های مردم زمان خود داشته باشند؛ به‌عنوان نمونه: مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در مجلد ۵ کتاب الدرّیعه، ۴۲۴ کتاب با نام جواب و ۲۵۰ کتاب با نام جوابات ثبت کرده است.^۱

۱. از ص ۱۷۱ تا ص ۱۹۵ (شماره‌های ۴۷۴ تا ۸۹۸) و از ص ۱۹۵ تا ص

۲۴۱ (شماره‌های ۸۹۹ تا ۱۱۴۹).

یکی از نمونه‌های این نوع کتب از پیشینیان نوشته‌ی شیخ مفید است به نام المسائل العُکبریّة که در جلد ۶ مجموعه‌ی مصنّفات او در صفحه‌ی ۲۵ تا صفحه‌ی ۱۳۵ شامل ۵۱ سؤال و جواب در مسایل گوناگون اعتقادی، تفسیری، حدیثی و فقهی تنظیم شده است. از متأخران کتاب المراجعات سیّد عبدالحسین شرف‌الدین موسوی را می‌توان نام برد که در ضمن ۱۱۲ نامه پیرامون تشیع و تسنن و امامت و خلافت بین ایشان و شیخ سلیم بُشری رئیس وقت دانشگاه الأزهر مصر پرسش و پاسخ و بحث و مناظره شده است.

این کتاب ترجمه‌های مختلف دارد که یکی از آن‌ها - که ضمن ترجمه، تلخیص هم شده است - به نام حق‌جو و حق‌شناس عرضه گردیده است. مؤلف بر آن شده است تا به پیروی از سیره‌ی قرآن و امامان و دانشمندان سلف، مسایلی را در قالب پرسش و پاسخ با جوانان امروز مطرح سازد و به خوبی آگاه است که اینک در آغاز راه قرار دارد. از این رو، از دانشوران امید راه‌نمایی و از صاحب‌زمان و پیشوایمان عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فرجه‌الشریف آرزوی دست‌گیری دارد و هر چند که خود را سزاوار چنین مسندی نمی‌بیند؛ به قصد خدمت و ابراز ارادت بر آستان مقدّس مولایش گام نهاده است و امید عفو و کرامت دارد.

ما را به جز تو در همه عالم عزیز نیست

گر رد کنی بضاعت مزجاة و ر قبول

تهران

سیّد حسین حسینی

پرسش‌ها و پاسخ‌ها



سؤال : برای آگاهی از مسایل اعتقادی، به‌ویژه امامت و مهدویت، به چه منابعی می‌توان مراجعه کرد؟ منابع نقلی، اعم از قرآن و حدیث، مخصوصاً حدیث و روایت، تا چه اندازه قابل اعتماد و راه‌گشایند؟

جواب : در پاسخ این پرسش، توجه به چند نکته ضروری می‌نماید:

۱- عقل سلیم هر انسانی، گواهی می‌دهد که در زندگی او اطلاع از گذشته و حال و بهره‌گیری از آن‌ها لازم است و او به‌طور طبیعی و فطری به یک سری از اخبار و اطلاعات در مورد قوانین و اخلاقیات اعتماد می‌کند. یک توجه کوتاه نشان می‌دهد که زندگی فردی و جمعی انسان‌ها مرهون جمع‌آوری آگاهی‌هایی است در زمینه‌های گوناگون که تمامی آن‌ها را خود او تحقیق و تجربه نکرده است و اساساً امکان چنین تحقیق و تجربه‌ی همه‌جانبه‌ای هم برای یک فرد وجود ندارد؛ بلکه با اعتماد به اخبار گذشتگان و موجودین، زندگی معمولی و علمی خود را تنظیم و آثاری را بر آن اخبار مترتب می‌کند و مسایل و نیازهای زندگی خود را فراهم می‌سازد. چه کسی می‌تواند بدون اعتماد به اخبار، علوم گذشته،

حوادث تاریخی، روی داده‌ها، به وجود شخصیت‌ها و شهرها و مکان‌ها اطمینان یابد؟ چه کسی می‌تواند از کوچکترین و جزئی‌ترین اخبار تا مهم‌ترین آن‌ها را در گذشته‌های دور خود شهود کند؟ آیا فرمول‌های علوم مختلف برای همه‌ی مردم تجربه شده و می‌شود؟ بشر چگونه توانسته از حاصل علوم گذشتگان بهره‌برد؟ از راه تجربه‌ی فردی؟ چه کسی مادر و پدر فرزندان خود را از روی دلیل تجربی و علمی می‌شناسد؟ در تمامی دنیای بشریت چند نفر شاهد زادن و زاییده‌شدن بوده‌اند و آن‌ها را شهود کرده‌اند که فرزندان آنان از همسرانشان متولد شده‌اند؟!

آیا تمام این‌ها جز از راه نقل و روایت از افراد مطمئن امکان دارد؟ هرگز. بیشترین پدیده‌های زندگی بشر و قوانین دینی و مدنی حاصل آگاهی‌های تجربی است که تمامی از راه نقل و خبر به دست می‌آید و حکم عقل فطری در اطمینان به این اخبار روشن است.

۲- اسلام دین فطری است. هم زمینه‌ی دریافت اصول آن فطرت آدمی است و هم مردم را به سوی بیدار نگاه‌داشتن فطرت و فطریّات و برانگیختن آن‌ها می‌خواند. از اصول روشن و احکام بی‌تردید آن، اعتماد بر گفته‌ی پیامبران و اولیای خداست که در سراسر زندگانی خود به امانت و وثوق معروف بوده‌اند.

در طول تاریخ، مؤمنان و غیر معاندان به نوح و ابراهیم و موسی و عیسی اعتماد کرده‌اند و شخصیتی را که از ابتدای جوانی به «محمد امین» صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معروف بوده به پیامبری باور کرده و سخن او را وحی و از ملکوت دانسته‌اند و انذار او را نسبت به قیامت و عذاب

پذیرفته و به مفهوم و لوازم آن عمل کرده‌اند.

۳- در دست‌یابی به مجموعه‌ی اسلام و آن‌چه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آورده است نیز همین راه فطری وجود دارد. برای تحقیق و مطالعه‌ی اسلام، راهی به‌جز قرآن کریم و نقل^۱ و روایت و حدیث نیست؛ گرچه آن شنیده‌ها با عقل سنجیده و درک می‌شود.

پایه و اساس ساختمان بلند دین را معقولات عقل فطری تشکیل می‌دهد و قرآن کریم- که اصل اولیّه‌ی مأخذ مسلمانان جهان برای دریافت تمامی مفاهیم دین است- خود این راه فطری را امضا و مخاطبان خود را به آن سوق می‌دهد و در آیاتی گفتار و فعل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را حجّیت داده به مسلمانان توصیه‌ی اکید می‌کند؛ آیاتی چون:

۱- ﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُم عَنْهُ

فَاتَّهُوا﴾^۲

﴿آن‌چه پیامبر- درود خدا بر او- می‌آورد بگیرید و

بدان عمل کنید و آن‌چه را از آن باز می‌دارد ترک کنید﴾

پیدا است که آیه‌ی کریمه موضوعاتی به‌جز اوامر و نواهی آمده در قرآن را بیان می‌کند و در صدد است تا جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نیز در میان یک سلسله دستورات و بیانات تحکیم بخشد و شکی نیست که این مجموعه نیز مع‌الواسطه حکم و فرمان خداست و در کنار قرآن

۱. در این جا فعلاً منظور ما از نقل اعمّ از تاریخ، حدیث و... است.

۲. حشر (۵۹): ۷.

مجموعه‌ی تعالیم و حقایق دینی را تشکیل می‌دهند.

۲- ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ

مِنْكُمْ﴾^۱

﴿خدا را اطاعت کنید و پیامبر و صاحبان امر را

فرمان برید﴾

روشن است که اطاعت و فرمان‌برداری از رسول و صاحبان امر- که با تکرار کلمه‌ی «أَطِيعُوا»^۱ی دیگری آمده- غیر از اطاعت از اوامر خداست. هر چند پیامبر و امامان جز از طریق وحی سخن نمی‌گویند و بنا به آنچه در توضیح آیه در قسمت قبل گفته شد، مراد از این اطاعت تحکیم جایگاه پیامبر و اولوالامر است؛ لیکن سخن و تعبیر آیه به گونه‌ای است که باب عمل به حدیث و گفتار پیامبر ﷺ و امامان عليهم السلام را باز و روشن می‌کند.

لازم به یادآوری است که قرآن کریم- در عین حال که نور و هدایت است- به حکمت خداوندی بیان بسیاری از احکام و قصص و موضوعات عقاید را به عهده‌ی پیامبر او و او نیز به عهده‌ی جانشینان خود گذاشته و رسول خدا ﷺ مجموعه‌ی اسلام را در ضمن دو یادگار گران‌بها: ثقلین^۲، معرفی فرموده است.

می‌بینیم که حدیث، رکن اساسی فهم اسلام و عدل (= همتا و

۱. نساء (۴): ۵۹.

۲. به استناد کتب سنی و شیعه، پیامبر- درود خدا بر او- فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ

فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي.» رک. مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنَ حَنْبَلٍ ۳: ۲۶.

هم وزن) قرآن معرّفی شده است.

۴- فاصله‌ی ما تا زمان ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پانزده قرن است و مردمان کنونی هیچ‌یک در آن روزگار نمی‌زیسته و شاهد آن پدیده‌ها نبوده‌اند و بنا به آنچه در مقدمه‌ی این بحث به تفصیل گفته شد، تنها مأخذ معقول قابل دست‌رسی و اعتماد ما در شناخت دین، مدارک نقلی است که در صدر آن‌ها قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دارد. مسلمانان، صرف‌نظر از متن قرآن کریم، برای آگاهی و راه‌یابی به آن روزگار و مسایل آن، دو راه در پیش دارند:

اول: راهی که سنّیان در پیروی از نظام خلافت پیش گرفته‌اند.

دوم: راهی که شیعه در پیروی اهل بیت و امامان علیهم السلام طی کرده است.

می‌دانیم که هر دو گروه دارای کتب حدیث، تفسیر و تاریخ‌اند. کتاب‌های صحیح بخاری و مسلم و ترمذی و نسایی و مسند احمد و... مربوط به سنّیان و کتب کافی، بصائر الدرجات، تهذیب و استبصار و من لایحضره الفقیه و... جمع‌آوری شیعیان است. برخی از راویانی که دو گروه از آنان نقل حدیث می‌کنند مورد اتفاق و اعتماد طرف مقابل نیز هست که ما آنان را راویان مورد اتفاق می‌نامیم و راویانی را که مورد پذیرش طرف مقابل نیست راویان مورد اختلاف نام می‌گذاریم.

۵- ما برای امامان شیعه و حضرت فاطمه علیها السلام - ضمن این که در

زمره‌ی راویان مورد اتفاق قرار دارند و سنّیان آنان را راویانی موثق و راست‌گو می‌شناسند- علاوه بر مقام صداقت، مقام عصمت و ولایت و امامت از جانب پروردگار قائل‌ایم. از این‌روی نقل آنان از زمان

پیامبر ﷺ مورد وثوق و اطمینان هر دو گروه است. پس اگر هر یک از افراد دو گروه در زمان هر کدام از آنان می زیسته‌اند (که تا سال ۲۶۰ هجری، سال شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، بوده‌اند) و مستقیماً با آنان تماس داشتند می توانستند روزگار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را دقیقاً و بدون تحریف ترسیم و به آن اعتماد کنند و احکام و مسایل خود را از آنان دریافت دارند.

۶- در نتیجه، دوره‌ی بررسی راویان حدیث در فرهنگ شیعه تا دوره‌ی بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدود ۲۵۰ سال می‌شود (از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا شهادت امام حسن عسکری علیه السلام). اکنون ما سند احادیث نقل شده از آن زمان را از امروز به قبل (تا سال ۲۶۰) یعنی در ۱۱۵۰ سال باید مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم و سنّیان در درازای ۱۴۱۰ سال (از امروز تا رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)؛ زیرا دوران راویان تضمین شده (دوره‌ی زندگی امامان شیعه علیهم السلام) تا زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۱۱۵۰ سال است و دوران بررسی راویان سنّی ۱۴۱۰ سال، در نتیجه اطمینان به رشته و سلسله سند راویان شیعه (به شرط آن‌که ملاک‌های صحت حدیث یکی باشد) بیشتر است.

اگر به این نکته موقعیت الاهی امامان را بیفزاییم، مسأله خیلی تفاوت می‌کند؛ چرا که اتصال دانش آنان به دانش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن کریم بر کسی پوشیده نیست و مقام عصمت‌شان هم از نظر قرآن مسلم است. به علاوه که دانشمندان و محدّثان شیعه، به خاطر درس‌آموزی از مکتب معصومان علیهم السلام، دارای دقّت و ملاک‌های خاصی در مورد راویان‌اند؛ ملاک‌هایی چون: موافقت حدیث با عقل و عدم مخالفت

آن با قرآن و احادیث متواتر.

۷- می‌پذیریم که در میان روایات، احادیث ضعیف نیز وجود دارد؛ امّا وجود روایات ضعیف، نمی‌تواند اعتبار هزاران روایت صحیح و مستند را سُست کند. مگر روایات سنّیان دارای روایات ضعیف نیست؟ سیری در دو صحیح مسلم و بخاری این نکته را روشن می‌کند که تا چه اندازه روایات مخالف قرآن و عقل و احادیث متواتر در کتب غیرشیعیه فراوان است. در این زمینه، به علم الحدیث (زین العابدین قربانی، صص ۳۴۹ - ۳۷۵) و سیری در صحیحین (نجمی، قسمت سوم، صص ۶۶ - ۷۳) و أضواء علی السنّة المحمّدیّة (محمود ابوریّة) مراجعه کنید.

۸- اکنون نوبت آن است که در شناخت امامت و مهدویّت برخی کتب معتبر شیعه را معرفی کنیم تا اهل تحقیق بهتر بتوانند به آن‌ها مراجعه کنند:

۱- اصول کافی ۱: کتاب الحجّة.

۲- بصائر الدرجات، صفّار.

۳- کمال الدّین، شیخ صدوق.

۴- غیبت، نعمانی.

۵- غیبت، شیخ طوسی.

۶- کفایة الأثر، ابن خزّاز قمی.

۷- إثبات الهداة، حرّ عاملی.

۸- بحار الأنوار، علامه‌ی مجلسی، ج ۲۳ - ۵۳.

۹- وافی، فیض کاشانی.

- ۱۰- تفسیر فرات کوفی.
- ۱۱- تفسیر علی بن ابراهیم قمی.
- ۱۲- تفسیر عیاشی.
- ۱۳- التبیان، شیخ طوسی.
- ۱۴- مجمع البیان، امین الاسلام حسن بن فضل طبرسی.
- ۱۵- احتجاج، ابو منصور احمد بن ابوطالب طبرسی.
- خواننده‌ی عزیز می‌تواند در مورد امامت امیرالمؤمنین علیه السلام به کتب ذیل نیز مراجعه کند:

- الغدیر (عربی)
- عبقات الأنوار (فارسی)
- تذکرة الخواص (عربی)
- احقاق الحق (عربی)
- شب‌های پیشاور (فارسی)
- بخش حدیث ثقلین عبقات
- المراجعات.

در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور نیز به کتب زیر مراجعه فرماید:

- ۱- منتخب الأثر (عربی).
- ۲- عقد الدرر فی المهدی المنتظر (عربی).
- ۳- المهدی عند أهل السنة (عربی).
- ۴- إحقاق الحق (عربی).
- ۵- تذکرة الخواص (عربی).

۶- الفصول المهمة (عربی).

در مورد تاریخ حدیث و حدیث شناسی و سیر آن نیز می توان به کتب زیر مراجعه کرد:

۱- أضواء على السنة المحمّديّة (عربی).

۲- علم الحدیث (فارسی).

۳- معرفة علوم الحدیث (عربی).

۴- مقدّمه‌ی مرآة العقول (عربی).

۵- فرهنگ معارف اسلامی (فارسی)، ج ۲، ذیل واژه‌ی

حدیث.

۶- دایرة المعارف فارسی (فارسی)، ج ۲، ذیل واژه‌ی حدیث،

صص ۸۳۵ - ۸۳۶.

۷- تأسیس الشیعه (عربی): ۲۷۸ - ۲۹۴.

۸- علامه‌ی مجلسی (فارسی): ۱۳۵ - ۱۷۸.

۹- حضرت عبدالعظیم الحسنی (فارسی)، مقدّمه.

اکنون برای تبرّک، حدیثی در امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و

روایتی درباره‌ی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می آوریم:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«هر که را من مولا یم علی مولا یم اوست.» (احتجاج

طبرسی: ۵۸ - ۶۷)^۱

۱. صحیح ترمذی ۲: ۲۹۸؛ به نقل فضائل الخمسة فی الصحاح الستة ۱: ۳۴۹

و نیز مستدرک صحیح حاکم ۳: ۱۰۹؛ صحیح ابن ماجه: ۱۲؛ مسند احمد ۴: ۳۷۲.

نیز ابوذر گوید: رسول خدا ﷺ فرمود:

«آن که از من فرمان برد از خداوند فرمان برده و آن که مرا نافرمانی کند خدا را نافرمانی کرده و هر آن کس که از علی فرمان برد از من فرمان برده و هر کس با او نافرمانی کند از من فرمان نبرده است.»^۱

درباره‌ی حضرت مهدی علیه السلام نیز آمده است:

پیامبر ﷺ فرمود:

«علی از من است. روح او از روح من و گیل او از گیل من است. او برادر من است و من برادر او. او همسر دختر من است؛ همو که بانوی تمامی بانوان است از اولین تا آخرین. دو پیشوای امت من و دو آقای جوانان اهل بهشت، حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین از علی اند. نهمین آنان قائم امت من است؛ همو که زمین را از داد و عدل آکنده می‌سازد؛ همان‌گونه که از ستم و بیداد پُر شده باشد.»^۲

هم‌چنین، رسول خدا ﷺ فرمود:

«زمین از بیداد و ستم آکنده شود. آن‌گاه مردی از عترت من به پا خیزد و آن را از داد و عدالت پُر کند.»^۳

می‌بینیم که احادیث شیعه و نیز سنی بر امامت و ولایت مولا علی علیه السلام و مهدویت و قائمیت امام عصر ارواحنفاه دلالت می‌کنند.

خلاصه‌ی آنچه به تفصیل آورده‌ایم عبارت است از:

۱- راه فطری و عقلانی بشر در ارتباط با گذشته و گذشتگان

۲. کمال‌الدین: ۲۵۷، ح ۱.

۱. مستدرک حاکم ۳: ۱۲۱.

۳. عقد الدرر: ۱۶، ح ۳.

نقل و حدیث و خبر است و بس.

۲- تنها این راه در تمامی ابعاد چه تاریخ و چه علوم و عقاید و احکام راه گشاست.

۳- در نقل حقایق دینی و اسلامی تنها مأخذ مطمئن، قرآن است و حدیث.

۴- بافت و ساختمان قرآن کریم نشان می‌دهد که نیازمند تبیین و تفسیر و تفهیم از سوی معلّمان قرآن (پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام) است.

۵- شیعه با بهره‌وری از مفسران الهی راه سنت و حدیث را طی می‌کند.

۶- امروز هم برای دست‌یابی به حقایق دین و تفسیر حقایق قرآن تنها باید به اهل‌البیت و حدیث آنان پناه بریم.

۷- امامت و ولایت و نیز مهدویت و قائمیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را باید پس از قرآن در احادیث اهل‌البیت جست‌وجو کنیم.



سؤال : چرا امامان علیهم السلام دوازده تن اند و بیشتر تر نیستند؟ اگر شمار آنان بیشتر بود و همیشه در میان جوامع حضور فعال داشتند، پدیده‌ی غیبت منتفی می‌شد و این همه مشکلات ناشی از غیبت به وجود نمی‌آمد و سستی در عقاید مردم راه نمی‌یافت.

جواب : الف - خداوند اصل نبوت را به لطف و فضل خود برای هدایت و راهنمایی مردم قرار داد و هرگز بشر را در آن راه و تأثیری نیست. هم‌چنین در تعداد آنان نیز خداوند به علم و حکمت خویش آن چه اراده فرماید، انجام می‌دهد. در قرآن آمده است:

﴿يَا بَنِي آدَمَ إِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ
عَلَيْكُمْ آيَاتِي...﴾^۱

﴿ای فرزندان آدم! آن‌گاه که رسولانی از خودتان به سوی شما آیند و آیات مرا بر شما خوانند...﴾
به یقین، تعیین امام برای امامت نیز از شؤون پروردگاری خدا و در تداوم خط رسالت است تا جایی که حتی پیامبران را در آن حق

۱. أعراف (۷): ۳۵.

انتخاب و گزینش نیست. شمار آنان نیز چون تعداد انبیا به اراده و حکمت و فضل خداوندی است.

ب - شمار انبیا و اوصیا و امامان هر چه باشد، باز این پرسش مطرح است که: حکمت این تعداد چیست؟ چرا این تعداد و نه بیش تر و نه کم تر معین شده است؟

نتیجه این که در اموری که اصل آنها از جانب خداوند حکیم است، در ابعاد و شؤون دیگر آنها نیز تسلیم اراده‌ی خداوندی باشیم.

درباره‌ی دوازده نفر بودن امامان، می‌توان به کتاب‌های ذیل نگاه کرد:

- اصول کافی ۱: ۵۲۵.

- منتخب‌الأثر (عربی)، فصل ۱، باب ۱.

- امامت و مهدویت (فارسی)، ج ۱، بخش پیرامون معرفت

امام، صص ۸۷-۹۴ و ج ۳، بخش نوید امن و امان، صص ۵۱-۶۲.



سؤال : آیا آیه‌ی ۵ از سوره‌ی قصص که می‌فرماید:
﴿ وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ
وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. ﴾

در داستان بنی‌اسرائیل و فرعون نیامده؟ پس چرا
می‌گویند درباره‌ی حضرت ولی عصر علیه السلام است؟

جواب : نکته‌ای در احادیث می‌بینیم که عقل و نقل آن را تأیید
می‌کند و آن این‌که با محدود بودن آیات کریمه‌ی قرآن و
نامحدود بودن دوره‌ی حکومت آن- که تا روز رستاخیز جاری و
ساری است- چگونه می‌توان گفت که معانی و مصادیق قرآن در شأن
نزول خلاصه می‌شود؟

پیغمبر و امامان درودبرآنان می‌فرمایند: اگر آیاتی از قرآن- که
در مورد قومی است- با سپری شدن عمر آن قوم آیه هم باطل شود،
چیزی از قرآن باقی نمی‌ماند؛ زیرا شأن نزول آیات، شأن نزول‌های
محدود است. ممکن است یک آیه درباره‌ی ماجرای خاصی نازل
شده باشد؛ اما پس از اتمام دوره‌ی آن، قرآن باطل نمی‌شود. آیات
کریمه‌ی قرآن، در شأن نزول خود، هر یک به داستانی مربوط
می‌شود؛ لیکن جریان احکام و قوانین آن همیشگی است. بنابراین،

اگر چه شأن نزول آن درباره‌ی فرعون و مستضعفان زمان فرعون است؛ لیکن معنی و مصداق آن یک قانون عمومی است و تأویل آن درباره‌ی امام زمان علیه السلام.

آن کسی که ادامه‌ی قرآن را - که تأویل و تفسیر است - بیان می‌کند کسی جز پیغمبر صلی الله علیه و آله و کسانی که پیغمبر صلی الله علیه و آله آنان را تعیین کرده است، نیست. آنان امامان پاک و معصومانند. آن مفسران و مبینان قرآن تأویل آیه را به حکومت حضرت مهدی علیه السلام دانسته‌اند. در این باره، مراجعه کنید به:

تفسیر نورالثقلین ۴: ۱۰۷، ح ۶ و ۹ - ۱۵.

تفسیر نمونه ۱۶: ۱۵ - ۲۱.

نکته‌ی دیگر این‌که: آیا قرآن غیر از تفسیر و معنای ظاهری مقصود دیگری به نام تأویل دارد یا نه؟ در آیات کریمه‌ی قرآن مسأله‌ی تأویل مطرح است. در آیه‌ی ۷ سوره‌ی آل عمران آمده است:

﴿ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ

مُتَشَابِهَاتٌ. فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ... ﴾

﴿ بخشی از آیات قرآن محکم و بخش دیگر آن

دوچهره‌نما است؛ آنان که در دل‌هایشان میل به باطل

هست... ﴾

پس آیات متشابه قرآن تأویل دارد. در ادامه‌ی آیه می‌فرماید:

﴿ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ ﴾

﴿ و تأویل قرآن را جز خداوند و راسخان در علم

نمی‌دانند. ﴾

معلوم می‌شود بدون تردید، کسانی به نام راسخان در علم وجود دارند که تأویل قرآن را می‌دانند. تأویل - هر معنی‌ای داشته باشد - و راسخان - هر که باشند - این آیه اصل وجود آنها را اثبات می‌کند و این که آنان تأویل را می‌دانند. اکنون باید جستجو کرده آنان را بیابیم. وقتی جستجو می‌کنیم، می‌بینیم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله - که آورنده و مسبب قرآن است - تأویل آن را جز به بیان امامان - که از امیرالمؤمنین علیه السلام تا امام زمان علیه السلام اند - واگذار نکرده است. این‌ها دلیل نقلی و تاریخی است^۱ و اینان آیات قرآن را چنین تأویل فرموده‌اند که تفسیر و شأن نزول آیه درباره‌ی همان قوم فرعون است ولی تأویل آن پیرامون حکومت و ظهور امام زمان علیه السلام است. برای آگاهی از احادیث، مراجعه کنید به:

- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، ص ۱۸۶ ذیل آیه‌ی

۵ سوره‌ی قصص.

- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور: ۶۳ - ۶۸.

۱. درباره‌ی این که راسخان در علم امامان اند، رک. اصول کافی ۱: ۲۱۳.



سؤال : آیا در احادیث اسلامی و کتب غیر شیعه سخنی از مهدی موعود وجود دارد و آیا او شخص معین و فرد خاصی است یا مهدی نام نوع قیام‌کننده و مصلح جهانی است؟

جواب : مسأله‌ی مصلح جهانی و مهدویت مسأله‌ای اسلامی بلکه دینی و حتی جهانی است. در تمامی ادیان و اندیشه‌ها بحث مصلح و منجی و قیام‌کننده، با نام‌ها و تعبیرات مختلف و گوناگون، مطرح شده و نوشته‌های فراوان وجود دارد. در قرآن کریم نیز آیات فراوان به آن گواهی می‌دهد که در پاسخ پرسش‌های پیشین بخشی از آن را آوردیم. در کتب عالمان سنی، مهدویت و شخص مهدی موعود مورد تحقیق قرار گرفته و احادیث فراوان در کتب حدیث و صحاح نقل شده است؛ تا آن‌جا که به خاطر اهمیت این مسأله، کتب مستقل در آن تألیف شده است. تتبع و دقت یک محقق در آن احادیث، او را به فردی معین و با علایم و مشخصات خاص می‌رساند. از مجموعه‌ی احادیث منقول از پیامبر ﷺ - که در صحاح و کتب علمای عامه آمده است - مطالب ذیل به دست می‌آید:

پیامبر گرامی ﷺ فرمود:

- ۱- «دنیا به پایان نمی‌رود مگر این‌که مردی از اهل بیت من- که هم‌نام من است- بر عرب حاکم و پادشاه شود.»^۱
- ۲- «مهدی در میان امت من زندگی می‌کند... در دامن هر کسی که به او بگوید: به من بخشش کن، آن قدر مال می‌ریزد که نمی‌تواند آن را ببرد...»^۲
- ۳- «خداوند از اهل بیت من کسی را برمی‌انگیزد که زمین را پُر از عدل و داد می‌کند؛ همان‌گونه که پُر از ظلم و جور شده باشد.»^۳
- ۴- «مهدی از فرزندان فاطمه است.»^۴
- ۵- «مهدی پیشانی‌باز و بینی‌کشیده دارد.»^۵
- ۶- «فرزند مریم با امامی از خود شما فرود می‌آید.»^۶
- ۷- «مهدی از ما اهل بیت است. خداوند کار او را در یک شب اصلاح می‌کند.»^۷
- ۸- «... از مهدی علیه السلام ساکنان زمین و آسمان خوشنود می‌شوند و در حکومت او، نه زمین چیزی از ذخایر خود را نگه می‌دارد و نه آسمان باران خود را.»^۸
- ۹- «مال را به گونه‌ی درست تقسیم می‌کند... و

۱. صحیح ترمذی ۴: ۵۰۵، کتاب الفتن، ح ۲۲۳۰.
۲. صحیح ترمذی ۴: ۵۰۶، ح ۲۲۳۲.
۳ و ۴ و ۵. سنن ابوداود ۴: ۱۰۷، ح ۴۲۸۳، ح ۴۲۸۴، ح ۴۲۸۵.
۶. جامع‌الاصول، ابن‌اثیر، ج ۱۱، ح ۷۸۰۸.
۷. سنن ابن‌ماجه ۲: ۱۳۶۷، ح ۴۰۸۵.
۸. المصنّف ۱۱: ح ۲۰۷۷۰؛ مستدرک حاکم ۴: ۵۵۸.

دل‌های امت محمد را خداوند از بی‌نیازی پُر می‌سازد و او
عدالت را می‌گسترده و در پی نیازمند خواهد بود.^۱

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

۱۰- «مهدی از فرزندان من است که چهره‌ی او چون
ستاره‌ی درخشان است.»^۲

۱۱- «مهدی خاتم امامان و رهایی بخش امت و
بالا‌ترین نور و پیچیده‌ترین راز است.»^۳

درباره‌ی عقاید و احادیث سنّیان در موضوع مهدی علیه السلام و
مهدویت رجوع کنید به:

- الإمام المهدي عند أهل السنّة، چاپ سال (۱۴۱۸ /

۱۹۹۸) در پایان این کتاب، فهرست ۶۷ کتاب از کتب عالمان
سنّی را درباره‌ی حضرت مهدی علیه السلام آورده است. هم‌چنین (در
صص ۶۵۳-۶۵۶) به نقل کتاب المهدی حقیقة لا خرافة، نوشته‌ی
محمد بن احمد بن اسماعیل، ۳۱ کتاب اختصاصی را درباره‌ی
حضرت مهدی علیه السلام فهرست می‌دهد.

- منتخب الأثر.

- المهديُّ الموعود المنتظر عند أهل السنّة و الإمامیة.

- عقد الدرر في أخبار المنتظر.

- البيان في أخبار صاحب الزّمان.

۱. مسند احمد به نقل منتخب الأثر: ۱۴۷، ح ۱۴.

۲. فردوس الأخبار ۴: ۴۹۶، ح ۶۹۴۰.

۳. تذكرة الخواص: ۱۴۷، ح ۱۵.



سؤال : در احادیث شیعه، مهدی موعود به عنوان
شخص معین است. درباره‌ی او چه ویژگی‌ها و علاماتی
گفته شده است؟

جواب : به برکت اتصال و پیوند شیعه از طریق اهل البیت علیهم‌السلام به
رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، چهره‌ی مهدویت و حضرت مهدی علیه‌السلام بسیار روشن
و مشخصات حضرت او دقیقاً در ضمن احادیث فراوان آمده است.
دانشمندان از دیرباز در پی نقل احادیث گوناگون در
موضوعات مربوط به مهدویت و قائمیت و شخص حضرت حجّت بن
الحسن علیه‌السلام بوده و موقّعیّت‌های چشم‌گیر داشته‌اند.

در کتاب‌ها و نوشته‌های شیعه، ابعاد گوناگون این مسأله به
روشنی بسیار، مورد تحقیق قرار گرفته است؛ چرا که مهدویت یکی از
ارکان اصلی اعتقادی و شخص حضرت مهدی علیه‌السلام دوازدهمین امام و
خلیفه و جانشین معصوم حضرت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. برخی
احادیث شیعه که چهره‌ی مهدی موعود علیه‌السلام را دقیقاً مشخص می‌کند از
این قرار است (ما در این بخش تنها از یک کتاب معتبر به نام
کمال‌الدین نوشته‌ی محدّث معروف شیخ صدوق فهرست می‌دهیم):
۱- پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

«مهدی از فرزندان من است؛ هم نام و هم کنیه‌ی من.
در آفرینش و خوی همانندترین مردم به من...»^۱

۲- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«یازدهمین فرزند من مهدی است که زمین را از عدل
آکنده می‌سازد؛ همان‌گونه که از ستم و بی‌عدالتی پُر شده
باشد...»^۲

در صحیفه‌ای در دست حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام چنین آمده

است:

«... ابوالقاسم محمد بن الحسن، حجّت خداوند بر
آفریدگان او و به‌پاخیزنده است. مادرش کنیزی است
«نرجس» نام.»^۳

امام حسن علیه السلام فرمود:

«... آیا نمی‌دانید هر یک از ما محکوم بیعت طاغوت
زمان خویش است؛ جز قائم ما؟ که روح‌الله عیسی بن مریم با
او نماز می‌خواند. همانا خداوند ولادت او را پنهان می‌کند
و پیکر او را غایب می‌گرداند تا در هنگامه‌ی خروج، بیعت
کسی در گردن او نباشد. او نهمین نسل برادرم حسین است.
او فرزند بانوی کنیزان است. عمر دراز و چهره‌ی جوان
دارد...»^۴

۵- امام حسین علیه السلام فرمود:

«در نهمین نسل از فرزندان من علامتی از یوسف و

۲. ص ۲۸۹، ح ۱.

۱. ص ۲۸۶، ح ۱.

۴. ص ۳۱۶، ح ۲.

۳. ص ۳۰۷، ح ۱.

علامتی از موسی بن عمران است و او قائم ما اهل بیت است
که خداوند کار او را در یک شب اصلاح می‌کند.»^۱
خواننده‌ی گرامی! بیان مشخصات دیگر را به بیان پیامبر و
امامان علیهم‌السلام به کتب زیر ارجاع می‌دهیم:
- کمال الدین و تمام النعمة (عربی) باب ۲۲ تا باب ۳۳
(صص ۲۱۱-۳۸۴).

- غیبت شیخ طوسی (عربی): ۱۱۵-۲۸۰.
- غیبت نعمانی (عربی)، باب سیزدهم، صص ۳۰۴-۳۴۳.
- بحار الأنوار (عربی) ۵۱: ۲۸-۳۱ و ۳۱-۴۴ و ۵۲: ۳۰۹
- ۳۹۲.

- اصول کافی (عربی) ۱: ۳۲۸ و ۵۱۴.
- منتخب الأثر: ۱۴۱-۱۷۹، ۱۸۲-۱۸۵، ۱۸۸-۲۴۳،
۲۸۴-۲۸۶، ۳۰۵-۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۲، ۴۷۰-۴۸۳.
- خورشید مغرب (فارسی)، فصل ۱۴: ۳۳۵.
- مهر محبوب (فارسی): صفات محبوب، صص ۲۸۵-
۳۰۵.

- فراتر از اشتیاق (فارسی).
- موعود جهانی (فارسی).
- عصر ظهور (فارسی): ۳۷۵.

۱. ص ۳۱۷، ح ۱.



سؤال : با مشخص بودن کامل شخص مهدی موعود، چگونه است که برخی منسوبان و بعضی مدعیان مهدویت پدیدار شده‌اند؟

جواب : مشخص بودن صفات فردی مانع از آن نیست که به علل و انگیزه‌های نفسانی، باطل در جایگاه حق قرار گیرد و مدعیان دروغین ادعای حقانیت نمایند. چه بسیار در تاریخ پُرماجرای بشر که افراد ادعای امامت یا نبوت و حتی الوهیت و خدایی کرده‌اند و حتی هنوز هم در گستره‌ی زمین پیروانی فراوان دارند!

در سطح جهان کسانی هستند که پیرو پیامبران دروغین و عابد خدایان ساختگی‌اند. تمامی پیامبران بر سر بت پرستی به جای خداپرستی با بت پرستان ستیزه داشتند و همواره حق و باطل رویاروی یک‌دیگر بوده‌اند. نکته‌ی مهم و اصلی در این جاست که خداوند حکیم، حجت رَسای خود را بر انسان‌ها تمام فرموده است تا همگان از روی بی‌بینه و دلیل روشن، هدایت یا گمراه شوند.

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ؛ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾^۱

۱. انسان (۷۶): ۳: ﴿مَا أَنسَانَ رَا بَه رَاة رَاسَت هَدَايَت نَمُودِيم؛ خَوَاة

سپَاس گُویَد و خَوَاة کُفْرَان کُنَد.﴾

﴿لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيِّنَةٍ وَ يُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَن

بَيِّنَةٍ﴾^۱

انگیزه‌های ادّعای مهدویّت و انتساب به آن را در نکته‌های ذیل می‌توان خلاصه کرد:

۱- ریاست‌خواهی و جاه‌طلبی: انسان در درون خود دارای حسّ خودمحوری و ریاست‌خواهی است و از آن‌جا که مقام امام دوازدهم و مصلح غیبی جهان مقام بی‌بدیل و ریاست بی‌نظیر الاهی در سطح تمامی جهانیان است، مدّعیان به خیال نیل به آن مقام، چنین مسندی را ادّعا کرده‌اند تا در چندروزه‌ی دنیا، حسّ ریاست‌خواهی خود را ارضا کنند.

۲- هم‌کاری با دربار خلفا و پادشاهان: خلفای اموی و عبّاسی- که غاصب مقام خلافت امامان بزرگوار و مدّعی امامت ایشان بوده‌اند- خود را به دروغ خلیفهٔ رسولِ الله و خلیفهٔ الله می‌خواندند. آنان برای دوام و بقای حکومت خود مدّعیان مهدویّت را تقویت می‌کردند تا از این راه جای پای خود را در آن مسند دروغین محکم‌تر سازند؛ مانند منصور دوانیقی خلیفه‌ی عبّاسی که از محمّد بن عبدالله فرزند خود در ادّعای مهدویّت طرف‌داری می‌کرد و یا کسانی خود ادّعای مقام قائمیّت و مهدویّت داشتند مانند الناصر لدین الله عبّاسی (متولّد ۵۵۳ هـ).

۱. انفال (۸): ۴۲: ﴿تا هر که تباه می‌شود، با دانستن راه تباه شده باشد و

هر که زنده می‌گردد با شناخت زنده شده باشد﴾.

۳- دنیا طلبی و حرص جمع مال: مردمان از روی اطاعت از امام خود در هر زمان، مراجعات دینی و مالی خود را تنها به امام خود دارند و مرجع اصلی و اختیاردار مصرف حقوق شرعی واجب و مستحب مقام شامخ امامت است. بنابراین، گروهی به طمع جمع مال و رسیدن به مطامع چندروزه‌ی دنیا مدعی چنین مقامی شده‌اند.

۴- نشر عقاید فاسد و انحرافی: از آن‌جا که اسلام راستین اهل‌البیت شکننده‌ی هرگونه شرک و انحراف در توحید، دارای تصلب در نبوت و معاد و طرف‌دار اخلاق قرآنی است، گروهی با ادعای مهدویت خواسته‌اند با چنین ادعایی، عقاید فاسد و انحرافی را چون ادعای نبوت، الوهیت و... در میان مردم نشر دهند تا عقاید ناروا را جای‌گزین عقاید حقه‌ی اسلام قرآنی و اهل‌بیتی کنند.

از آن‌رو که عموم مردم به مصلح غیبی جهانی اعتقاد خاصی دارند و او را تنها اصلاح‌کننده‌ی عقاید و افکار و آخرین کشتی نجات ساحل دریای نامتناهی طوفان می‌دانند، عده‌ای از این ره‌گذر سوءاستفاده کرده با عقایدی فاسد و انحرافی، نظیر پیامبری و حتی خدایی را برای خود ادعا کرده‌اند؛ مانند سید علی محمد باب شیرازی در قرن سیزدهم در ایران و...

۵- انحراف مردم از اندیشه‌ی انتظار مصلح حقیقی جهان: سیاست‌های شوم استعماری از وحدت و تصلب و ایمان و یک‌پارچگی مردم شیعه و مسلمان در نگرانی و اضطراب است. بنابراین، به هر طرح و نقشه‌ای در صدد ایجاد تفرقه و اختلاف در میان مردم شیعه بوده و هستند. آن‌ها با تقویت و ایجاد زمینه برای

مدعیان، خواسته (و تا حدودی توانسته) مردم شیعه و مسلمان را به چنددستگی و اختلاف برانند تا خود حکومت کنند و سود جویند؛ مانند استعمارگران انگلیس و روس در تقویت و هدایت سید علی محمد نام برده.

۶- حسادت به امامان بزرگوار: ایمان و عشق پاک و خالص مردمان هر زمان به امامان معصوم علیهم السلام خود زمینه و انگیزه‌ی دیگری است برای رونق بازار مدعیانی که از روی حسادت، خواسته‌اند این مسند الاهی را اشغال کنند.

۷- خستگی و ستوه مردم از ستم و بیداد حاکمان: مردمان خوب- هر زمان از ستم به ستوه می‌آیند- با اندیشه و یاد مهدی موعود و اختلاط روحی با او، آلام خود را تسکین می‌دهند. بنابراین، سودجویان در تاریخ از این زمینه استفاده کرده و مدعی مقام مهدویت و قائمیت شده‌اند.

خواننده‌ی عزیز! در مواردی، نسبت‌دهندگان افراد برجسته به مهدویت خود کم و بیش دارای چنین انگیزه‌هایی بوده‌اند و نه خود آن برجستگان که گاه از صالحان و امامان پاک بوده‌اند؛ مانند حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که گروهی مدعی مهدویت ایشان شده‌اند.

گاه افرادی به انگیزه‌ی مبارزه با ظلم کسانی را به این مقام نسبت داده‌اند. از جمله مهدی خوانده‌شدگانی که خود ادعا نکرده‌اند، محمدبن حنفیه فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام است. مختاربن ابی عبیده‌ی ثقفی به نام او قیام کرد و او را مهدی معرفی کرد و از قاتلان امام حسین علیه السلام انتقام گرفت. پس از قتل مختار و وفات محمدبن حنفیه،

پیروانش مرگ محمد بن حنفیه را باور نکردند و به رجعت او معتقد شدند و او را ساکن کوه رضوی دانستند.

دیگری زید بن علی بن حسین علیه السلام بود که در برابر امویان قیام کرد. پیروان او نیز وی را مهدی موعود خواندند. دیگری محمد بن عبدالله نفس زکیه است که در آغاز دولت عباسیان خروج کرد؛ پیروانش او را نیز مهدی دانستند.

گروهی نیز خود مدعی مقام مهدویت شدند. از جمله آنان محمد احمد «مهدی سودانی» در آفریقا و سید علی محمد باب در ایران- که پیروانش به بایبه معروف اند- و غلام احمد قادیانی در هند و پاکستان.

درباره‌ی مدعیان و منسوبان مهدویت به کتب زیر مراجعه فرمایید:

- معارف و معاریف (فارسی)، ج ۱۰، ذیل واژه‌ی مهدویت.

- لغت‌نامه‌ی فارسی، ذیل لغت مهدویت.

- دائرةالمعارف فارسی، ذیل واژه‌ی سوشیانت و مهدویت.

- دانش‌نامه‌ی جهان اسلام (فارسی)، ج ۱، ذیل واژه‌ی

باب، سید علی محمد شیرازی.

- همان، ج ۴، ذیل واژه‌ی بهائیت.

- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور (فارسی): ۴۷۳ - ۴۸۹.

- اصالت مهدویت در اسلام (فارسی): ۱۴۴ - ۱۵۷.

- تاریخ عصر غیبت (فارسی): ۴۰۵ - ۴۱۳.



سؤال : آیا امام زمان علیه السلام هم مانند سایر مردم دارای نام و فامیلی است؟ نام و فامیل آن حضرت چیست؟ آیا چهره و مشخصات ظاهری او در جایی ترسیم شده است؟

جواب : در مورد نام و شهرت چند نکته گفتنی است:

۱- نام یعنی اسم عَلم که بدون ملاحظه‌ی معنی و صفتی، در هنگام ولادت یا ساخت شیء بر اشخاص و اشیا نهاده می‌شود. دهخدا ذیل لغت لقب آورده است: نامی که در آن معنای مدح یا ذم منظور باشد؛ به خلاف عَلم که در آن هیچ معنی منظور نباشد.

۲- فامیلی و یا شهرت یکی از رسوم جدید اروپایی است و اصل واژه‌ی فامیل و فامیلی فرانسوی است.

دهخدا ذیل لغت فامیل چنین می‌نویسد: (از فرانس. اسم) (در پاورقی: در فرانسه Fumille و در انگلیسی Family) خانواده، بستگان، نزدیکان و خویشاوندان، خاندان. ترکیبات: فامیل دار، بی‌فامیل. فامیلی: (ص نسب) منسوب به فامیل. خانوادگی.

نام فامیلی در ایران تقریباً در نیم قرن اخیر رسم شده است. ۳- در میان اقوام دیگر گاهی اسم را نیز به ملاحظه‌ی معنی آن

وضع می‌کرده‌اند:

قاموس کتاب مقدس مستر هاكس، ص ۵۹: عادت قوم يهود
 بر این قرار گرفته بود که اسم‌ها را به ملاحظه [ی] معنی (پید ۲: ۱۹) و
 یا به ملاحظه [ی] رفتار شخص یا خانواده یا به ملاحظه [ی] اتفاقات
 وقایع و ایام تولد می‌گذارند و پدر یا مادر یا هر دوی ایشان در وقت
 تولد و یا هنگام ختنه‌ی طفل به مشورت و صواب‌دید دوستان، اسم را
 انتخاب کرده و طفل را می‌نامیدند... و گاهی از اوقات بعضی اسم‌ها به
 تحریک الهام و ملاحظه‌ی معنای نبوتی گذارده می‌شد... و گاهی از
 اوقات، در اواسط عمر کسی به واسطه [ی] ملاحظات فوق، اسم وی
 را تغییر می‌دادند؛ مثل ابرام و سارای و یعقوب و غیره و گاهی اسم
 شخص از واقعه [ی] مهمی که در حیات وی رو داده بود مأخوذ بود؛
 مثل اسماعیل و عیسی و یعقوب و موسی و غیره... و بسیار اوقات
 اسم اشخاص را به اسم جلاله مرکب می‌نمودند؛ مثل لفظ ایل و یاه و یا
 هو و غیره را در اول اسامی افزوده... و سموئیل و یهوشع و ادویناه
 می‌نامیدند و بعضی از اوقات، کلیتاً یک جمله را اسم قرار می‌دادند.

۴- طبق عقاید دینی، نام افراد برجسته مانند پیامبران با الهام یا
 وحی تعیین شده است.

۵- در میان اقوام عرب سه گونه نام رسم بود:

الف - اسم

ب - لقب: حاوی معنایی که از کمالی حکایت می‌کند.

ج - کنیه: که در اصل با واژه‌ی اب و ام و به تبع آن، اخ، اخت،

ابن، بنت و... مانند ابوالقاسم و امّسلمه... به کار می‌رود.

۶- در مورد امامان بزرگوار نام، لقب، کنیه با وحی و الهام و

دستور خدا انجام می گرفته است که هر کدام به جهات یا جهاتی
گوناگون بوده است. احادیث پیش‌گویی شده از جانب پیامبر ﷺ
دلیل بر این نکته است.^۱

۷- در مورد امام زمان ارواحنفاذ روایاتی را که دارای چند لقب
و کنیه و نام ایشان است می آوریم:

نام: * امام حسن عسکری علیه السلام به جاریه‌ی خود (حضرت نرجس
خاتون علیها السلام) فرمود:

«به زودی حامل پسری خواهی بود که نام او
«محمد» است و او قائم پس از من است.»^۲

* در سال ۲۵۶ متولد شد برای امام حسن عسکری فرزندی
که او را «م ح م د» نام نهاد.^۳
* ابوغانم خادم گوید:

برای حضرت ابو محمد حسن عسکری علیه السلام فرزندی
به دنیا آمد که او را «محمد» نامید. روز سوم او را به اصحاب
نشان داد و فرمود: «این است صاحب شما پس از من و
جانشین من بر شما و...»^۴

لقب: * ابوهارون گوید:

دیدم صاحب الزمان علیه السلام را که در روز جمعه سال
۲۵۶ متولد شد.^۵

* مهدی صلوات الله علیه در روز جمعه متولد شد... مادر او

۱. به اصول کافی ۱: ۵۲۵ - ۵۳۵ مراجعه کنید.

۲. همان، ۲، ح ۲. ۳. همان، ۴، ح ۴.

۴. همان، ۵، ح ۱۱. ۵. همان، ۱۵، ح ۱۶.

ریحانه است که به او نرجس و صیقل و سوسن هم گفته می‌شد...^۱

* «الخَلْف الصَّالِح» متولد شد.^۲

حسن بن حسین علوی گوید:

در سامرا بر حضرت ابو محمد حسن بن علی علیه السلام وارد

شدم و او را به ولادت فرزندش «القائم علیه السلام» تبریک گفتم.^۳

* و لقب او را «الحجّة»، «الخلف الصالح» و برخی «المنتظر»

نامیده‌اند.^۴

نام، لقب، کنیه:

* حضرت جعفر بن محمد علیه السلام فرمود:

«خَلْف صالح از فرزندان من است و او مهدی (=

هدایت شده) است. نام او «م - ح - م - د» است. کنیه‌ی او

ابوالقاسم است. او در آخر الزمان خروج می‌کند.»^۵

در مورد این که نام امام زمان علیه السلام از جانب خداوند پیش‌گویی

شده است، مراجعه کنید به:

- کافی (عربی) ۱: ۲۸۶، ح ۱ تا ۷.

- بحار الأنوار (عربی) ۱۶: ۹۲ و ۹۶: ۱۸؛ ۳۱۴: ۳۶؛ ۱۹۵ و

۳۳۷: ۳۷؛ ۲، ح ۳: ۴۳؛ ۱۲۳۹: ۵۱؛ ۲: ۴۴؛ ۱۰۴: ۱۳۰؛ ح ۱۹.

- منتخب الأثر (عربی): ۱۸۲.

- منتهی الآمال (فارسی) ۲: ۷۵۷.

- یاد محبوب (فارسی) ۱: ۲۸ - ۳۰.

۲ و ۳. همان، ۱۶، ح ۲۱ و ۲۲.

۵. بحار الأنوار ۵۱: ۲۴، ح ۳۷.

۱. همان، ۱۵، ح ۱۵.

۴. همان، ۲۳، ح ۳۵.

و نیز درباره‌ی نام‌های حضرتش:

المَحَبَّةُ فِي مَا نَزَلَ... (عربی): ۳۲۲ - ۳۲۶.

- نام محبوب (فارسی).

- نجم ثاقب (فارسی)، باب دوم.

- امام مهدی عليه السلام از ولادت تا ظهور (فارسی): ۴۴ - ۵۷.

چهره و شمایل آن حضرت:

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود:

«او شبیه‌ترین مردم در آفرینش به من است.»^۱

نیز:

«چهره‌ی او چهره‌ی من و روش او روش من است.»^۲

نیز:

«مهدی از فرزندان من است. مانند ستاره‌ی

درخشان، رنگ او رنگ عربی و جسم او جسم اسرائیلی.»^۳

به جاست در ترسیم شمایل او ترجمه‌ی شیوایی را از کتاب

«خورشید مغرب»، ص ۲۸ بیاوریم:

چهره‌اش گندمگون. ابروانش هلالی و کشیده.

چشم‌هایش سیاه و درشت و جذّاب. شانهاش پهن.

دندان‌هایش بَرّاق و گشاده. بینی‌اش کشیده و زیبا. پیشانی‌اش

بلند و تابنده. استخوان‌بندی‌اش استوار و صخره‌سان. دستان

و انگشتانش درشت. گونه‌هایش کم‌گوشت و اندکی متمایل

به زردی (که از بیداری شب عارض شده [است]). بر گونه‌ی

۱. منتخب‌الأثر: ۱۸۲، ح ۲.

۲. همان: ۱۸۳، ح ۴.

۳. همان: ۱۸۵، ح ۱.

راستش خالی مشکین. عضلاتش پیچیده و محکم. موی سرش بر لاله‌ی گوش ریخته. اندامش متناسب و زیبا. هیأتش خوش‌منظر و رباینده. رخساره‌اش در هاله‌ای از شرم بزرگوارانه و شکوهمند غرق. قیافه‌اش از حشمت و شکوه رهبری سرشار. نگاهش دگرگون‌کننده. خروشش دریا سان و فریادش همه‌گیر.

درباره‌ی چهره و شمایل آسمانی حضرتش، رجوع کنید به:

- منتخب الأثر (عربی): ۱۸ - ۱۸۷.
- نجم ثاقب (فارسی)، باب سوم، فصل اوّل.
- إلزام النَّاصب (عربی) ۱: ۴۷۴ (فرع ۱۱).
- منتخب الأنوار المضيئة (عربی): ۱۹۶ - ۱۹۸.
- بشارة الإسلام (عربی): ۲۹۴.
- فوز اکبر (فارسی): ۱۵۲ - ۱۵۶.
- سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی (فارسی): ۱۸۷ - ۱۸۹.
- معجم أحاديث الإمام المهدی علیه السلام (عربی) ۴: ۱۵۴ - ۱۵۶ و ۳: ۲۳۵ - ۲۳۸.
- موسوعة أحاديث أمير المؤمنين علیه السلام (عربی) ۱: ۲۷ - ۳۴.
- عقد الدرر (عربی): ۳۳ - ۴۲.
- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور (فارسی): ۴۰۱ - ۴۰۷.
- روزگار رهایی (فارسی) ۱: ۱۲۱ - ۱۳۲.
- مهر محبوب (فارسی): ۴۹ - ۵۳.
- المهديُّ الموعود المنتظر (عربی) ۱: ۳۲۷ - ۴۲۹.
- غیبت نعمانی (عربی): ۲۱۲ - ۲۱۶.



سؤال : آیا روایت معتبری وجود دارد که در آن تمامی مشخصات امامان بزرگوار و به‌ویژه امام زمان علیه السلام آمده باشد؟

جواب : در پاسخ این پرسش به‌جا و درست، باید گفت: نه تنها یک حدیث بلکه روایات بسیار از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است که در آن نام و صفات و مشخصات امامان بزرگوار و در برخی موارد مشخصات عمومی یاران آنان نیز آمده است.

برای رعایت اختصار به کتاب نفیس «اصول کافی» بسنده می‌کنیم. این کتابی که در روزگار غیبت صغری یعنی در فاصله‌ی سال‌های ۲۶۰ - ۳۲۹ هجری قمری نوشته شده و از این رو به زمان محدثان و راویان از معصومان بسیار نزدیک است و احادیث آن از صحت و استحکام خاصی برخوردار است.^۱

در این نوشته بیست حدیث درباره‌ی دوازده امام و صفات آنان آمده است و ما به نقل یک حدیث معروف - که به حدیث لوح نام‌بردار است - اکتفا می‌کنیم:

۱. به کتاب «امامت محبوب» اثر نگارنده، بخش پایانی مراجعه شود.

ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

«روزی پدرم به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند:

مرا با تو کاری است؛ هر گاه خلوتی یابیم. جابر گفت: هر زمان اراده فرمایید، در خدمت‌ام. روزی در خلوت با او دیدار کرد و فرمود: جابر! درباره‌ی لوحی که در دست مادرم، حضرت فاطمه علیها السلام دیده‌ای برایم سخن بگو. فاطمه‌ی زهرا علیها السلام چه گفت و نوشته‌ی آن لوح چه بود؟ جابر گفت: خدا را گواه می‌گیرم که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد منزل حضرت فاطمه علیها السلام شدم و به او میلاد امام حسین علیه السلام را تبریک گفتم. در دست آن حضرت لوحی سبز دیدم زمردسان، دارای نوشته‌ای درخشان و سپید، چون رنگ خورشید. عرض کردم: پدر و مادرم فدای شما، ای دخت گرامی رسول خدا! این لوح چیست؟

فرمود: لوحی است که خداوند متعال آن را به پدرم هدیه کرده و در آن نام پدرم، شوهرم و دو فرزندم و از فرزندانم که اوصیایند آمده است. پدرم آن را به مؤذگانی به من داد.

جابر گفت: سپس مادرتان، حضرت صدیقه علیها السلام (ای باقرالعلوم) آن را به من دادند. من آن را قرائت کردم و از آن نسخه‌ای برداشتم. پدرم به او فرمود: جابر، آن را به من نشان ده. گفت: چشم. سپس پدرم با جابر به خانه‌ی او رفت. جابر نوشته‌ای از پوست آهو (یا کاغذ) آورد و به حضرت باقر علیه السلام نشان داد. آن حضرت فرمود: جابر! در نوشته‌ات بنگر تا من آن را بر تو بخوانم.

جابر در نوشته‌ی خود نگاه می‌کرد و پدرم آن را

قرائت می فرمود. حتی حرفی با هم تفاوت نداشتند. جابر گفت: خدا را گواه می گیرم که در لوح فاطمه علیها السلام این چنین دیدم:

این نیشته‌ای است از سوی خداوند ارجمند حکیم برای محمد، پیامبر، فروغ، سفیر، پرده‌دار و راه‌نما از سوی او. روح‌الامین از جانب پروردگار جهانیان بر او نازل شد. محمد! نام‌های مرا بزرگ شمار و سپاس‌گزار نیکی‌هایم باش و انکار آن‌ها مکن. منم «الله»- خداوندی که جز من نیست- شکننده‌ی جباران و چیره‌کننده‌ی ستم‌دیدگان و سزای‌دهنده‌ی روز رستاخیز.

همانا منم «الله»؛ خداوندی که جز من نیست. آن‌کس را که جز به لطف من امید دارد و یا از غیر عدل من می‌ترسد، سخت کیفر دهم؛ چنان‌که کسی را چون او شکنجه نکرده باشم.

ای محمد! تنها مرا بپرست و بر من تکیه کن. همانا پیامبری را بر نینگیختم و روزگار او را کامل نکردم و به پایان نرسانیدم جز آن‌که برایش وصی آوردم. تو را بر تمامی پیام‌آوران برتر نمودم و جای‌نشین تو را بر تمام اوصیا. با دو شیر بچه و دو فرزند دخترت، حسن و حسین، بر تو کرامت بخشیدم.

حسن را پس از پدرش سرچشمه‌ی دانش خود داشتم و حسین را خزانه‌دار و حی خود آوردم. او را با تاج شهادت رستگاری دادم و او برترین شهیدان باشد. کلمه‌ی تامه (حقایق بلند امامت و معارف) و همه‌ی دلایل رسای خود را با او و در نزد او نهادم. بر محور عترت او، ثواب و

عقاب دهم. نخستین عترت او علی سید عابدان و زیور
دوستان گذشته‌ی من است و زاده‌ی او همانند جد
ستوده‌اش، محمد نام دارد. شکافنده‌ی هسته‌ی دانش‌ها و
کانِ حکمت است. به‌زودی شگاکان در امر امامت جعفر
(صادق) هلاک خواهند شد. انکار او چون انکار من است.
این حکم پابرجای من است که گرامی می‌دارم جایگاه جعفر
و او را با پیروان و یاران و دوستانش مسرور می‌سازم. پس
از روزگار او موسی را فتنه‌ای تاریک در تاریک فراگیرد؛ چرا
که رشته‌ی پیمانم هرگز نگسلد و برهانم پنهان نگردد.
[امامت و ولایت] و اولیای من با جامی سرشار سیراب
می‌شوند. هر آن‌که کسی از آنان را نپذیرد احسان مرا انکار
کرده و هر کس آیه‌ای از کتابتم را دگرگون سازد بر من دروغ
بسته است.

در پایان روزگار بنده و محبوب و برگزیده‌ام موسی،
وای بر دروغ‌پردازان منکر علی ولی و یار من! او آن کس
است که سنگینی بار نبوت [در امامت] را بر دوش او
می‌گذارم و با فیروزمندی بر آنها او را بیازمایم. او را دیو
گردن‌فرازی [مأمون] بکشد و در شهری که بنده‌ی صالح
[ذوالقرنین] ساخته در کنار بدترین آفریده‌ام [هارون‌الرشدی]
به خاک سپرده شود. این سخن حتمی است که او را به
واسطه‌ی محمد فرزند و جای‌نشین و میراث‌دانش او نشاط
بخشم. پس او کانِ دانش و جایگاه اسرار من بر مردمان
است. کسی به او ایمان نیاورد مگر این‌که بهشت را منزلگه
او سازم و شفاعت او را در هفتاد کس از خاندانش بپذیرم؛
آنان‌که همگی سزاوار آتش دوزخ باشند و رستگاری را برای

او با پسرش علی به اوج رسانم؛ آن‌که ولی و یاور و گواه در
میان آفریدگان و امانت در وحی من باشد.

از نسل او خواننده‌ی به راه من و خزینه‌دار دانشم
حسن را بیافرینم و او را با پسرش م ح م د کامل کنم که
تمامی جهانیان را مهر باشد. او دارای کمال موسی و پرتو
عیسی و صبر ایوب است.

اولیای من در روزگار او (غیبت او) خوار شوند و
سرهای بریده‌ی آنان به سان سرهای ترک و دیلم [کفار و
مشرکان] به هدیه فرستاده شود. آنان کشته و سوزانده شوند
و همواره در ترس و هراس زیست کنند. زمین از خونشان
رنگین و صدای ناله و شیون در میان زنانشان بلند شود.

آنانند به حق اولیای من. هم بدیشان پرده‌های
فتنه‌ی تاریک در تاریک را کنار زنم و زمین لرزه‌ها و
سنگینی‌ها و زنجیرهای گران را برمی‌دارم. درودهای
پروردگارشان بر آنان باد و آنان هدایت یافتگان‌اند.»

عبدالرحمان بن سالم گوید: ابوبصیر می‌گوید: اگر در
عمر خویش حدیثی جز این نشنوی، تو را کفایت کند. پس
آن را حراست کن مگر از اهل آن.

خواستاران اصل متن عربی حدیث به کتاب اصول کافی
(عربی) ۱: ۵۲۶-۵۲۸ مراجعه فرمایند.

برای مطالعه‌ی احادیث حاوی مشخصات دوازده امام به کتب
ذیل مراجعه فرمایید:

- اصول کافی (عربی) ۱: ۵۲۵-۵۳۵.

- کفایة الأثر (عربی): ۱۰-۲۱۲.

- ترجمه‌ی اثبات الهداة (فارسی) ۲: ۲۴۸ - ۵۶۶.
 - ترجمه‌ی اثبات الهداة (فارسی) ۳: ۲ - ۲۴۳.
 - ترجمه‌ی اثبات الهداة (فارسی) ۳: از ۱۴۵ - ۲۵۱.
 - عوالم العلوم و...، ج ۱۵، بخش ۳. در این بخش احادیث، حاوی ذکر و نام امامان در یک مقدمه (شامل آیات تأویل شده درباره‌ی آنان) و ۳ باب (۱- احادیث قدسی، ۲- احادیث انبیا و کتب پیشینیان ۳- روایات رسول خدا ﷺ و امامان علیهم السلام) است.
 - إحقاق الحق ۱۳: ۱ - ۷۴.
 - عیون أخبار الرضا ۱: ۷۵ - ۱۳۲. دارای ۳۷ حدیث.
 - وافی ۱: باب ۳۰ و ۳۱، صص ۶۳ - ۷۶.
 - احتجاج ۱: ۶۷ - ۷۰.
 - روضة الواعظین ۱: ۸۸ - ۱۰۴.
 - الصراط المستقیم (عربی) ۲: ۱۰۰ - ۱۲۸ (متوفای
- (۵۸۷۷).



سؤال : تفاوت مقام امام زمان علیه السلام با سایر امامان علیهم السلام در چیست؟ نیز تفاوت مقام اصحاب او با مقام اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سایر امامان در چیست؟ این که در حدیث است حضرت مهدی علیه السلام طاووس اهل بهشت است چه معنی دارد؟

جواب : این که امام زمان علیه السلام به طاووس تشبیه شده اند، زیبایی و جذابیّت نشر دین اسلام به دست ایشان را نشان می دهد؛ زیرا طاووس - هنگامی که پرهایش را می گشاید - منظر بی بسیار زیبا دارد. او نیز - که عهده دار نشر دین در گستره ی زمین است - دورترین اقطار آن را با پرچم توحید زیبایی و صفا می بخشد و همانند طاووس - که محیط خود را زیبا می سازد - چشم ها را خیره و خردها را حیران می گرداند. البته این تفسیر، برداشت بسیار ناقصی است که به نظر ما می رسد و الا سخن امامان علیهم السلام - چون امام سخنان است - حامل ده ها تفسیر و معانی دیگر است.

این که مقام او چگونه است، روایات شیعه و سنی پنج تن را از

۱. رک. بحار الأنوار ۵۱: ۹۱؛ هم چنین عقْد الدُّرَر: ۱۵۰.

بقیه جدا کرده‌اند. در میان پنج تن، رأس مخروط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اند. پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام در یک سطح. پس از آن دو، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام قرار گرفته‌اند؛ اما در مورد حضرت مهدی علیه السلام احادیث می‌فرمایند: نهمین فرزند از فرزندان امام حسین علیه السلام است. در برخی از آن‌ها آمده است:

«أَفْضَلُهُمْ قَائِمُهُمْ»^۱

«قائم ایشان، برترینشان است.»

گرچه در بعضی احادیث، از سویی، نه تقریباً هم در فضل برابر معرفی شده‌اند.^۲

از آن‌جا که مسؤلیت تشکیل حکومت، با امام زمان علیه السلام است و هر اندازه انجام یک برنامه سنگین‌تر باشد، به قوت و کمال بیشتری احتیاج دارد، برای اجرای این برنامه‌ی جهانی، طول زمان غیبت فرصتی است که ویژگی‌های معنوی و روحی والاتری را فراهم می‌کند تا آن غایب پرده‌نشین با استغاثه و عبادت و نماز و زیارت و... به خدا بیشتر تقرب یابد و بالتبع توان به‌دوش کشیدن آن مسؤلیت خطیر را داشته باشد.

از این‌روست که امام عصر علیه السلام بر اثر عبادات و نیز تحمل و نظاره‌ی شداید و سختی‌ها نسبت به شیعیان خود و استغاثه‌هایی که به درگاه خدا دارند، مقام بلندی برای خود کسب کرده و آماده‌ی ظهور و تحقق آرمان‌های انبیا و اولیا می‌گردند.

۱. منتخب الأثر: ۹۵، ح ۳۳.

۲. همان: ۹۳، ح ۲۷.

امام زمان علیه السلام شخصیتی است که رسول گرامی صلی الله علیه و آله او را می ستاید و امیرالمؤمنین و فاطمه‌ی زهرا علیها السلام به وجود نازنینش تسلی خاطر می یابند و امام صادق علیه السلام آرزو و اشتیاق خدمتش را سر می دهد و در دوری و هجرانش اشک می ریزد و حضرت ثامن الائمه علیه السلام به احترام نام مبارکش، از جای برمی خیزد و ظهور و خروجش را از خدای مهربان می طلبد و هر یک از پیشوایان معصوم به نوعی در تکریم او اقدام می کنند.

ما نیز وظیفه داریم همواره دعای برایشان را بر سایر حاجات خود مقدم بداریم و برای سلامت و نزدیک شدن ظهورش دعا کنیم و در راه جلب رضایتش بکوشیم و دل ها را با یاد او مانوس و از محبتش مالا مال گردانیم و انسان ها را به سویش بکشانیم و برای جان فشانی در رکابش آماده شویم و وظایف خویش را بازشناسیم و همیشه به یادش باشیم و در دوری او چشمانمان به انتظارش اشک بیارد و ظهورش را از خداوند بخواهیم تا به اذن پروردگارش ظهور کند و مسؤولیت سنگین الهی و جهانی خویش را آسان تر تحقق بخشد. إن شاء الله.

در این باره، مراجعه فرمایید به:

- مکیال المکارم ۲: ۱۷۳ (فصل هشتم)

- غیبت نعمانی: ۲۴۰، ح ۳۴

- روزگار رهایی ۲: ۶۰۷، بخش چهاردهم.

- گفتارهایی پیرامون امام زمان علیه السلام، فصل هفتم.



سؤال : آیا امام عصر ارواحنفاذاه همسر دارند؟ فرزند دارند؟ آیا فرزندان ایشان می‌دانند که پدرشان، امام زمان است. همسرشان اطلاع دارند که شوهرشان ولی خداست؟ به طور کلی درباره‌ی خانواده‌ی حضرت و زندگی شخصی او چه اطلاعاتی در دست است؟

جواب : اگر اطلاعات دقیقی از زندگی شخصی حضرت مهدی علیه السلام داشتیم، غیبت معنا نداشت. معنای غیبت این است که اطلاعات دقیقی از زندگی آن مهر تابان نداریم.

این را می‌دانیم که امام زمان عجل الله تعالی فرجه، امام معصوم و اسوه‌ی عمل به اسلام است. او تجسم اسلام است و تمامی قوانین اسلام را در مملکت وجود خود پیاده می‌کند، آن‌گاه در جهان تحقق می‌بخشد. یکی از قوانین اسلام - که از سنت‌های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم است - ازدواج است. پس امام علیه السلام مسلماً ازدواج می‌کنند و اکنون ممکن است اولاد و اعیانی داشته باشند. لیکن در این موضوع، روایات، آدرس و خصوصیات نداده‌اند.

در برخی از تشریفات، آن حضرت را در جایگاه‌های خاصی دیده‌اند؛ با افرادی که پیرامون ایشان بوده‌اند. احتمال این که

آن حضرت در شهری، قریه‌ای، در یک جایی که مردم آن را نمی‌شناسند، زندگی کنند و اولادشان هم ایشان را بشناسند، به کلی منتفی نیست. احتمال هم دارد که ایشان جای معینی نداشته باشند. این نیز احتمال می‌رود خانواده و همسر و فرزند داشته باشند؛ امّا آنان از امامت ایشان خبر نداشته باشند.

مسأله‌ی دیگر این است: آیا خانواده و اولاد او، بر فرض وجود، همانند خود آن حضرت، طول عمر دارند؟ پاسخ این است: آنچه در روایات وارد است طول عمر خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه است؛ امّا درباره‌ی درازی عمر خانواده و اولاد آن حضرت چیزی وارد نشده است. درباره‌ی اولاد ایشان در برخی زیارات کلمه‌ای آمده است؛ مثلاً در زیارت روز جمعه:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ؛ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.»^۱

درباره‌ی این نکته، مراجعه کنید به:

— گفتارهایی پیرامون امام زمان علیه السلام: ۷۳.

۱. بحار الأنوار ۱۲: ۲۱۵.



سؤال : این عبارت از خواجه نصیرالدین طوسی نقل

شده است:

وَجُودُهُ لُطْفٌ وَ تَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخِرٌ وَ عَدَمُهُ مِنَّا.

وجود امام یک لطف است و تصرف (و حضور عینی) او (در جایگاه رهبری انسان‌ها) لطف دیگر. نبود او از ماست.

آیا تنها علت غیبت و نبود آن حضرت به خاطر گناه شیعیان و گناهان دوستان و نزدیکان آن حضرت است یا عوامل دیگری هم در آن اثر داشته است؟

جواب : در پرسشی دیگر از علت و حکمت سخن به میان آمد. تفاوت علت و حکمت را توضیح دادیم. گفتیم علت غیبت را نمی‌دانیم؛ ولی می‌دانیم که یکی از حکمت‌های آن امتحان مردم است. دیگر از عوامل زمینه‌ساز غیبت، گناهان مردم است. این به معنی انحصار عوامل نیست؛ چرا که بشر بدون اتکا به جهان وحی نمی‌تواند بر تمامی ابعاد احکام و وقایع دینی مسلط باشد. از آن سو، برای قرب ظهور و فرج تأکید بسیاری بر ترک گناه و اصلاح فرد و جامعه شده است. هر جا سخن از آرزوی ظهور هست، سخن از دعا

برای فرج و گشایش هست. سخن از صلاح و تقوی هست. ^۱ به شرط تقوی و زلالی جان، می‌توانیم با زبان‌های پاک و جان‌های زلال از خداوند متعال تقاضا کنیم که ظهور زودتر واقع بشود؛ *إن شاء الله*. این بدان معنی نیست که خوب شدن ما حتمیّت ظهور را علّت باشد. پاکی و صلاح زمینه‌ی ظهور است؛ نه علّت تامّه‌ی آن.

امامان علیهم‌السلام، هنگام شکوه‌ی شیعیان از درازی غیبت، به دعا برای فرج و رعایت تقوی فرمان داده و این سفارش در تمامی دوران‌های حیات امامان و پس از آن جاری بوده است. حتی کسانی که در غیبت کبری خدمت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌رسیده‌اند، چنین سفارشی را شنیده‌اند.

اگر شیعه به یقین بداند که مبادرت به گناه قلب مولایش را می‌آزارد و در طول غیبت آن سرور تأثیرگذار است، به یقین چنین شیوه‌ای پیش نمی‌گیرد و به عکس، می‌کوشد تا گام‌گذار وادی صلاح و اصلاح گردد.

در این زمینه، مراجعه کنید به:

– مکیال‌المکارم، بخش تکالیف عصر غیبت.

– خورشید مغرب بخش انتظار.

۱. غیبت نعمانی: ۲۰۰، ح ۱۷.



سؤال : آیا در احادیث اسلامی، مشخصات روزگار غیبت آمده است؟ اگر آمده، برخی از آنها را بیان کنید.

جواب : درباره‌ی دوران غیبت کبری احادیثی آمده است که می‌توان آنها را به چهار گروه تقسیم کرد:

گروه اول: روایاتی که از گسترش ستم و بیداد، فساد، شیوع شرک و گناه، آلودگی و بزه‌کاری، غربت اسلام و قرآن سخن گفته‌اند.

گروه دوم: احادیثی که در علایم ظهور و قرب آن علاماتی را بیان می‌کنند؛ مانند خروج سفیانی، صیحه‌ی آسمانی، شکاف زمین و...
گروه سوم: احادیثی که در اوصاف باوراستواران آن روزگار و مؤمنان آن دوره تأکید کرده‌اند.

گروه چهارم: روایاتی که وظیفه‌ی شیعه را در این ایام برشمرده‌اند.

در این جا، به عنوان نمونه احادیثی برای هر یک از چهار گروه بالا می‌آوریم:

گروه اول: امام حسن بن علی علیه السلام فرمود:

«آن چه چشم به راه آن‌اید رخ نخواهد داد مگر آن روزگار که از یک‌دیگر بیزاری جوید و روی هم آب دهان اندازید، یک‌دیگر را به کفر نسبت دهید و برخی از شما

برخی دیگر را لعن کنید.»

عرض کردم: در آن دوران هیچ خیری نباشد؟
فرمود: «تمام خیر در آن روزگار است؛ چرا که قائم
به پا خیزد و تمامی شرور را بردارد.»^۱

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«آن هنگام که زنانان ناپاک و جوانانان آلوده شوند و
شما امر به معروف و نهی از منکر نکنید، چگونه خواهید بود؟»
گفتند: ای رسول خدا، این چنین خواهد شد؟!
فرمود: «آری و بدتر از این! چگونه خواهید بود
هنگامی که به منکر امر و از معروف نهی کنید؟»

گفتند: ای رسول خدا، این چنین خواهد شد؟!
فرمود: «آری و بدتر از این! چگونه خواهید بود
آن گاه که معروف را منکر و منکر را معروف بشناسید؟!»

گروه دوم: محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

«در نزدیکی ظهور قائم، برای اهل ایمان نشانه‌هایی
از سوی خدا هست.»

عرض کردم: آن‌ها چیست، فدایتان کردم؟
فرمود: «خداوند فرموده است: ﴿و حتماً شما را...
(یعنی مؤمنان پیش از خروج قائم را) می‌آزماییم؛ آزمونی به
ترس، گرسنگی، کاستی در اموال و جان‌ها و میوه‌ها. مژده
ده صابران را.﴾ خداوند می‌فرماید: حتماً شما را به ترس از
پادشاهان بنی‌فلان در پایان حکومتشان می‌آزماییم و به
گرسنگی به خاطر بالابودن قیمت‌ها و به کاستی در اموال.

۱. منتخب‌الأثر: ۴۲۶، ح ۲.

این به خاطر فساد تجارت‌ها و کاستی سود است. هم‌چنین به نقص در جان‌ها- که مراد مرگ تند و سریع است- و کاستی میوه‌ها- که به خاطر کاستی محصول اول و بهتر است. در آن هنگام، بردباران را به تعجیل ظهور قائم عجله بشارت باد!...»^۱
نیز از امام صادق عجله است که:

«پنج علامت پیش از قیام قائم خواهد بود: خروج یمانی، سُفیانِی، ندای آسمانی، شکافتن زمین و کشته شدن نفس زکّیه.»^۲

گروه سوم: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای کاش برادرانم را دیدار می‌کردم!»
ابوبکر و عمر گفتند: مگر ما برادران شما نیستیم که به شما ایمان آوردیم و با شما مهاجرت کردیم؟
فرمود: «شما مسلمان شدید و مهاجرت کردید؛ امّا (باز هم می‌گویم:) ای کاش برادرانم را ملاقات می‌کردم!»
دوباره همان سؤال شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «شمایان هم‌نشینان من‌اید. برادرانم آنان‌اند که پس از شما بیایند و به من ایمان آورند و مرا دوست بدارند و یاری کنند و باور دارند؛ امّا مرا نبینند. پس ای کاش برادرانم را می‌دیدم!»^۳

گروه چهارم: حضرت امام صادق عجله فرمود:

«آن‌که با ایمان به امر (امامت) ما بمیرد به منزله‌ی کسی است که خیمه‌ی خود را در کنار قائم برپا کند؛ بلکه همانند کسی است که در حضور او شمشیر زند؛ بلکه به‌سان

۱. منتخب الأثر: ۴۴۰، ح ۴.

۲. همان: ۴۳۹، ح ۱.

۳. همان: ۵۱۵، ح ۱۳.

کسی است که همراه او به شهادت رسد؛ بلکه در جایگاه آن
است که با رسول الله ﷺ شهید گردد.^۱

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود:

«جزء دین امامان: پارسایی، عفت، صلاح و...

بردبارانه چشم به راه فرج بودن است.»^۲

از احادیث یادشده، سختی روزگار غیبت و وظیفه‌ی سنگین
شیعه در آن روزگار مشخص می‌شود.

آری، به ما آموخته‌اند که دعا کنیم:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تَعَرَّفْنِي حُجَّتَكَ

ضَلَلْتُ عَن دِينِي.»

برای آگاهی درباره‌ی دوران غیبت، پیش از ظهور، وظایف

منتظران، صفات مؤمنان در آن روزگار به کتب ذیل مراجعه شود:

- روزگار رهایی (فارسی) ۲: ۶۳۸-۸۳۰.

- منتخب الأثر (عربی): ۴۲۶-۴۴۶.

- المهدي (عربی) فصل ۷، صص ۱۹۴-۲۰۸.

- معجم أحاديث الإمام المهدي (عربی) ۱: ح ۴، ۱۱، ۱۷،

۲۱، ۲۲، ۲۴، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۹، ۶۱،

۶۶، ۹۸، ۱۴۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۷۵.

- موسوعة أحاديث أمير المؤمنين عليه السلام (عربی)، باب ۸،

صص ۲۷۳-۳۲۹.

- المهديُّ الموعود المنتظر (عربی) ۲: ۲۴۷.

۲. همان: ۴۹۸، ح ۱۰.

۱. همان: ۵۱۶، ح ۵.

سؤال : تفاوت حضور و غیبت امام را توضیح دهید.

جواب : پیش از بیان تفاوت، ضروری است بدانیم امام زمان ارواحنافداه در جوامع حضور دارند؛ اما ظهور ندارند و آشکار نیستند. پس بهتر است بگوییم تفاوت ظهور و غیبت امام علیه السلام در چیست؟
در بیان تفاوت دو پدیده بهتر است ابتدا تشارک و هم‌گونی آن دو را بشناسیم؛ سپس به وجوه تفاوت آن دو پردازیم. البته وجود تفاوت و تشارک از دو جهت قابل بررسی و تحقیق است: از بُعد وجود خود امام علیه السلام و از جهت مردمان آن دوران‌ها.
از جهت نخست، برخی شؤون امام در روزگار غیبت بدین قرار است:

۱- وساطت در افاضه‌ی فیض هستی از سوی مبدأ آفرینش به سوی جهانیان.

۲- هدایت و راه‌نمایی مخلوقات در باطن جهان و قافله‌سالاری آن‌ها و تکمیل نفوس انسانی در سیر عبودیت و بندگی و حراست آنان با تربیت غیر مستقیم.

۳- رسیدگی و فریادرسی به فریادخواهان و پناه‌دهی به بی‌پناهان و اغاثه‌ی استغاثه‌کنندگان بی‌واسطه یا به‌واسطه‌ی اولیای خاص.

۴- عبادت و بندگی و پای نهادن در درجات کمالات بی انتهای عبودیت برای خود امام علیه السلام، عمل به واجبات و مستحبات و ترک محرّمات و مکروهات و تبدیل مباحات به مستحبات با قصد و اندیشه‌ی عبودیت در مناجات.

از جهت دوم:

۱- تحقّق تمامی موارد یادشده در بالا به نحو کامل تر و فراگیرتر.

۲- مرجعیّت دینی و پاسخ‌دهی به مسایل اعتقادی، اخلاقی و کرداری عملی روزانه به جهانیان.

۳- اسوه قرار گرفتن و الگوشدن کامل در تمامی شؤون فردی و اجتماعی در ابعاد گوناگون.

۴- تشکیل حکومت عدل الهی و جهانی و تحقّق کامل آرمان انبیا و اولیا.

۵- تربیت و تعلیم مستقیم نفوس مستعدّه و رسانیدن آنان به کمالات بندگی خدا.

۶- نظارت بر دستگاه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و رهبری و راه‌نمایی آنها و سوق به سوی رعایت عدل کامل.

۷- حضور فعال در جوامع و دیدارهای مستقیم با کارگزاران، والیان، مدیران ایالات مختلف.

اما از جهت مردم:

مردم به شرط توجّه و معرفت از تمامی شؤون زمان غیبت، در غیبت و ابعاد گسترده‌ی روزگار ظهور بهره‌ی کامل می‌برند؛ جز این که

در زمان غیبت از بهره‌هایی محروم و دور می‌مانند:

- ۱- امام خود را می‌بینند؛ لیکن او را نمی‌شناسند. (یرونه و لا یعرفونه).^۱
- ۲- برای کسب معارف اعتقادی و اخلاقی و تکلیفی، نه به امام، بلکه به نایبان عامّ او در احکام (فقها) مراجعه می‌کنند.
- ۳- تسلیم حکومت‌های عادی بوده از حکومت عدل جهانی قرآنی او دورند.
- ۴- تحت تربیت مستقیم آن معلّم و اسوه‌ی کامل نیستند و پای سخنان دل‌نشین خدایی او نمی‌نشینند.
- ۵- به تقاضا و خواست خود با او دیدار نخواهند داشت.
- ۶- آفتاب وجود امام را از پشت ابرهای غیبت احساس می‌کنند. در این جا، مناسب است که برخی از وظایف مشترک مردم را در دوران غیبت و حضور بیان کنیم تا وظایف خاصّ آنان در دوران غیبت نیز روشن شود.^۲

۱- لزوم و وجوب شناخت و معرفت امام علیه السلام.

«مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مِثْلَهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ.»^۳

۲- پیروی و تفویض و تبعیّت از او. باب معرفت الإمام و الردّ إليه و فضل المسلمین.^۴

۱. منتخب‌الأثر: ۲۵۲، ح ۴، ۷، ۹.

۲. کافی ۲: ۲۰۸، ح ۱.

۳. همان ۱: ۳۷۶، ح ۱.

۴. کافی ۲: ۲۳۴.

۳- رجوع به امام برای حلّ اختلاف در عقاید، تفسیر قرآن و معنای باطن و تأویل آن.

۴- الگوسازی کامل امام در تمامی شؤون فردی و اجتماعی، عبادی و... که ضرورتاً معرفتی جامع الاطراف از آن حضرت را می‌طلبد.

۵- عرضه‌ی عقاید و افکار و اعمال بر امام و تنظیم و تصحیح آن با اعتقاد و نظر او از طریق ادعیه و زیارات مانند زیارت آل یس.

۶- دعا بر سلامتی و تأیید و ظهور و کمال بیشتر او.

۷- ابراز یاری و نصرت به او.

۸- آمادگی کامل و همیشگی برای اطاعت از او امر و

فرمان‌های او.

درباره‌ی شؤون گوناگون امام، مراجعه کنید به:

- اصول کافی (عربی) ۱: کتاب الحجّة، صص ۱۹۸ - ۲۰۲،

حدیث حضرت رضا علیه السلام.

- معرفت امام عصر علیه السلام (فارسی)، بخش اوّل و دوم.

- خورشید مغرب (فارسی)، فصل دوم.

- مجالس حضرت مهدی علیه السلام (فارسی)، مجلس ۱ - ۴.

- پیرامون معرفت امام (فارسی).

درباره‌ی مسایل ظهور، نگاه کنید به:

- عصر ظهور (فارسی): ۳۵۱ - ۳۷۵.

- به سوی دولت کریمه (فارسی).

- کمال هستی در عصر ظهور (فارسی).

- گزیده‌ی کفایة المهتدی (فارسی): ۲۹۵.

- در فجر ساحل (فارسی): ۲۹.

- عصر طلایی ظهور (فارسی): ۱۴۲۱.

در بیان وظایف مردم نسبت به امام، به کتب زیر مراجعه

فرماید:

- منتخب الأثر (عربی): ۵۱۱، ح ۱ و ۲ و ۵۱۳، ح ۱-۳ و

۵۱۴، ح ۴-۶ و ۵۱۵، ح ۸، ۹ و ۵۱۸، ح ۴ و ۵۰۱، ح ۱ و ۴۹۵، ح

۲-۵.

- کافی ۱، باب معرفة الإمام و الردّ إليه: ۱۸۰ و نیز ۲۰۸،

باب ما فرض الله... و باب‌های صص ۱۸۵ و ۲۷۶ و ۳۹۰.

- پیوند معنوی (فارسی).

- راز نیایش منتظران (فارسی).

- خورشید مغرب (فارسی)، فصل ۱۱ (تکلیف در عصر

غیبت) و فصل ۱۳ (انتظار).

- آفاق انتظار (فارسی).

سؤال : توقیعات چیست و صحت صدور آنها از سوی حضرت بقیة الله علیه السلام چگونه مشخص می شود؟

جواب : توقیع در لغت به معنای امضا کردن و مهر کردن نامه است. توقیع السلطان یعنی طغرای پادشاه.

در اصطلاح شیعی، نامه هایی است که مورد امضای امام می باشد که برخی کلمات خود آن امام است و برخی املائی آن حضرت و نوشته ی اشخاص مورد وثوق ایشان.

در دوران سخت دو غیبت صغری و کبری، ارتباط مستقیم با امام عصر علیه السلام امکان ندارد. برخی از یاران امام علیه السلام از طریق توقیعات پیام های حضرت را به مردم ابلاغ می کردند.

از باب نمونه^۱: شیخ مورد اطمینان ابو عمرو و عمری - که رحمت خدا بر او باد - گوید:

ابن ابی غانم قزوینی و گروهی از شیعیان درباره ی (جانشین) حضرت عسکری علیه السلام مشاجره و اختلاف کردند. ابن ابی غانم گفت: ابومحمّد (امام عسکری علیه السلام) از دنیا رفت و جانشینی ندارد. بعد در

۱. کلمة الامام المهدي: ۳۰۰.

همین باره نامه‌ای نوشتند و به ناحیه‌ی مقدّسه فرستادند و اختلاف خود را بازگو نمودند. جواب نامه‌ی آنها به خطّ آن حضرت - که درودخدا بر او و پدرانش باد - رسید:

به نام خداوند بخشاینده‌ی مهربان

«خداوند ما و شما را از فتنه‌ها محفوظ دارد و به ما و شما روح یقین موهبت فرماید و از فرجامی زشت و بد پناه دهد! همانا خبر شگ و شبهه‌ی گروهی از شما در دین به من رسید و از تردیدی که درباره‌ی اولیای امرشان به دل آنان راه پیدا کرده است خبردار شدیم. از این جهت به خاطر شما، نه به خاطر خودمان، اندوهگین گشتیم و درباره‌ی شما، نه درباره‌ی خودمان، بدحال شدیم؛ زیرا که خدا با ماست و با بودن او نیازی به دیگری نداریم و حق با ماست و از این که کسی از ما برگردد ترسی نداریم. ما ساخته‌شده‌های پروردگاران هستیم و آفرینش بعد از ما ساخته‌شده‌های ماست.»^۱

ملاحظه می‌کنیم که در این جا حضرت درباره‌ی حقانیت جانشینی و امامت خود تصریح کرده‌اند.

نمونه‌ی دیگر در قرن اخیر است که به سوی سیّد ابوالحسن اصفهانی توقیعی صادر شده توسط شیخ محمّد شریعت شوشتری که متن آن چنین است که^۲:

«قُلْ لَهُ: أُرْخِصْ نَفْسَكَ، وَ اجْعَلْ مَجْلِسَكَ فِي

۱. احتجاج، ابومنصور احمد بن ابی طالب طبرسی ۲، ۲۷۷ - ۲۷۹، چاپ

نجف، ۱۳۸۶ هـ. ۲. کلمة الامام المهدي: ۵۶۵.

الدَّهْلِيْنَ، وَ أَقْضِ حَوَائِجَ النَّاسِ، نَحْنُ نَنْصُرُكَ.»

«به او بگو: خودت را برای مردم ارزان کن (در دسترس همه قرار بده). محلّ نشستنت را دهلیز خانه انتخاب کن و حاجت‌های مردم را برآور؛ ما یاریات می‌کنیم.»

دلیل صحّت صدور توقیعات از سوی حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداء مورد اعتماد بودن شخصیت نایبان و راویان آنهاست که تمامی دانشوران و هم‌عصران به وثاقت آنان تصریح کرده‌اند.

راوی توقیع اوّل «ابوعمر و عثمان بن سعید عمّری» است. درباره‌ی او به کلمة‌الایمّام المهدی، ص ۱۳۹ و در مورد راوی دوم «سیّد ابوالحسن اصفهانی» به ص ۵۵۹ همین کتاب مراجعه شود.

دلیل دیگر صحّت انتساب این توقیعات به حضرت ولیّ عصر علیه السلام پیش‌گویی‌هایی است که در پاره‌ای از آنها آمده است. به عنوان نمونه، شیخ کلینی از قاسم بن علاء چنین آورده است: درباره‌ی حوائج و خواسته‌هایم، به حضرت بقیّة‌الله علیه السلام سه بار نامه نوشتم و نیز اظهار داشتم که من مردی سالمندم و فرزندی ندارم. آن حضرت جواب خواسته‌هایم را فرمودند؛ امّا درباره‌ی فرزند جوابی ندادند. برای بار چهارم به آن حضرت نوشتم و استدعا کردم که دعا کند تا خداوند فرزندی به من عطا فرماید. حضرتش پاسخ مراد داد و خواسته‌هایم را نوشت و جمله‌ی آن حضرت در این باره چنین بود:

«خداوند! به او پسری روزی فرما تا چشمش به او

روشن شود و همین جنین را که همسرش به او باردار است

پسر قرار ده.»

نامه‌ی آن حضرت رسید و نمی‌دانستم که همسرم باردار است. به خانه رفتم و از وی پرسیدم. توضیح داد که مشککش حل شده است. پس از مدتی پسری به دنیا آورد. این حدیث را حمیری نیز روایت کرده است.^۱

نمونه‌ی دیگر:

علی بن حسین بن بابویه با ابوالقاسم حسین بن روح ملاقات و از او سؤالاتی کرد. سپس نامه‌ای را برای حسین بن روح نوشت که توسط علی بن جعفر بن آشود برای او فرستاد و خواست که نامه‌اش را - که در آن اشتیاق خود را به داشتن فرزندی ابراز کرده بود - به محضر صاحب‌الأمر که در رودبراباد برساند. آن حضرت در جوابش نوشت:

«ما برای تو این مورد را از خداوند خواستیم و دعا کردیم. به زودی دو پسر نیکوکار و خوب روزی تو خواهد شد.»

چندی بعد، ابو جعفر و ابو عبدالله متولد گردیدند. ابو عبدالله حسین بن عبیدالله می‌گفت: از ابو جعفر (شیخ صدوق) شنیدم که می‌گفت: من به دعای حضرت صاحب‌الأمر علیه السلام متولد شده‌ام و به این افتخار و مباهات می‌نمود.^۲

نمونه‌ی سوم:

ابو غالب احمد بن محمد بن سلیمان زراری گفت: مدتی قبل

۱. بحار الأنوار ۵۱: ۳۰۳ - ۳۰۴.

۲. بحار الأنوار ۵۱: ۳۰۶ و ۳۰۷؛ به نقل از فهرست نجاشی.

نامه‌ای به آن حضرت نوشتم و درخواست کردم که قطعه ملک مرا (به هدیه) بپذیرد و آن موقع مقصودم تقرب و نزدیکی به خداوند عزیز و بزرگ نبود؛ بلکه مایل بودم با نوبختی‌ها آمیزش و رفت و آمد داشته باشم و در شؤون و مناصب دنیوی در ردیف آنان قرار گیرم. پس جوابم داده نشد. در این مطلب اصرار کردم. آن حضرت به من نوشت:

«اختر من تثق به فاكتب الضيعة باسمه فانك

تحتاج إليها.»

«کسی را که به او اطمینان داری برگزین و ملک را به

نام او ثبت کن؛ زیرا بدان محتاج خواهی شد.»

پس آن را به نام ابوالقاسم موسی بن حسن زجوجی

برادرزاده‌ی ابوجعفر - که خدا او را بیامرزد - ثبت نمودم؛ زیرا که مورد اطمینان من بود و میزان دیانت و دارایی او را می دانستم.

چندی نگذشت که بادیه‌نشینان مرا اسیر کردند و ملکی را که

داشتم غارت کردند و حدود هزار دینار از غلات و چارپایان و وسایلم را بردند. مدتی در اسارت ایشان بودم تا آن که خودم را به صد دینار و هزار و پانصد درهم خریدم و حدود پانصد درهم برای مزد مأموران و فرستادگان نیز از من گرفتند. آن گاه که از چنگ آنها خلاص شدم، به آن ملک نیازمند شدم و آن را فروختم.^۱

می بینیم که در تمام این موارد پیش‌گویی امام ارواح‌نفاذ

به وقوع پیوسته و صحت صدور توقیعات تأیید گردیده است.

۱. غیبت، محمد بن حسن طوسی، ص ۱۸۶، مکتبه نینوی تهران.

برای دیدن توقیعات، مراجعه کنید به:

- کلمة الإمام المهدي (فارسی): ۱۸۹-۴۴۷.
- کلمة الإمام المهدي (عربی): ۱۴۳-۲۵۸.
- بحار الأنوار (عربی) ۵۳: ۱۵۰-۱۹۸.
- کمال الدین (عربی) ۲: ۴۸۲-۵۲۳.
- غیبت شیخ طوسی (عربی): ۱۷۲-۱۹۹.
- ترجمه‌ی صحیفة المهدي (فارسی): ۳۲۷-۳۵۴.
- فرهنگ موعود: ۶۲-۶۳ و ازه‌ی توقیع.
- إلزام الناصب (عربی) ۱: ۴۳۵-۴۶۹.
- روزگار رهایی ۲: ۱۲۸۵-۱۲۸۶ (فهرست توقیعات).
- حیاة الإمام محمد المهدي: ۶۵-۹۰.
- المختار من کلمات الإمام المهدي عليه السلام.
- منتخب الأنوار المضيئة: ۱۱۸-۱۳۴.
- الصحیفة المهدیة: ۲۲۳-۲۵۷.



سؤال: آیا امکان دارد یکی از دیدارهای انجام گرفته
با امام زمان ارواحناده را با ذکر اسناد آن بیان دارید؟

جواب: اگرچه بر شماری دیدارهای رستگاران، در هیچ یک از
دو دوره ی غیبت صغری و کبری امکان ندارد؛ چرا که لازمه ی احصا
و شمارش آنها، به ویژه در روزگار غیبت کبری، احاطه ی کامل بر
جهانیان و برنامه های لطف امام زمان ارواحناده است و این دانش و
احاطه تنها در اختیار خود آن امام بزرگوار است؛ لیکن به مصداق
«آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید»

برخی از گفته های معتبر و مستند را در این باب فهرست می دهیم.
سوختگان دیدار یار و چشم به راهان عنایات همایونی او
مجموعه هایی را در درازای تاریخ گردآوری کرده اند که ما آنها را، به
ترتیب تاریخ اثر، یاد می کنیم. سپس یک دیدار مستند را می آوریم:
۱- اصول کافی، نوشته ی ثقة الاسلام کلینی (م ۳۲۹ هـ)، ج ۱،
صص ۵۱۴-۵۲۵ دارای ۳۱ حدیث.

۲- الإرشاد، شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ) چاپ مجموعه ی مصنفات،
ج ۱۱، صص ۳۵۱-۳۶۷، در باب دیدارها و معجزات امام زمان علیه السلام.
۳- کمال الدین، شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ)، صص ۴۳۴-۴۷۹.

۲۶ حدیث و داستان دیدار.

۴- غیبت، شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ)، صص ۱۵۲ - ۱۷۲، ذکر دیدارها و معجزات.

۵- علم الیقین، فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ هـ)، ج ۲، صص ۷۸۴ - ۷۸۸.

۶- وافی، فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ هـ)، ج ۱، ص ۲۰۱ حاوی احادیثی در دیدارکنندگان.

۷- إثبات الهداة، شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ هـ) ج ۷، صص ۲۷۰ - ۳۸۳ شامل ۱۷۰ حدیث در معجزات و دیدارها با امام عصر علیه السلام.

۸- حلیة الأبرار، سیّد هاشم بحرانی (م ۱۱۰۹ هـ) ج ۷، صص ۵۲۲ - ۵۴۸ در احادیثی که دیدار او را به طور ضمنی تأیید می‌کند در حالت ولادت و پس از آن، تا هنگام شهادت پدرش امام حسن عسکری علیه السلام.

۹- روزنه‌ای به خورشید (ترجمه‌ی تبصرة الولیّ)، سیّد هاشم بحرانی (م ۱۱۰۹ هـ)، مترجم: سیّد حسن افتخارزاده، شامل ۵۵ حکایت دیدار.

۱۰- گزیده‌ی کفایة المهتدی نوشته‌ی سیّد محمد میرلوحی اصفهانی (قرن ۱۱ هـ)، صص ۲۵۰ - ۲۵۵ شامل نام باریافتگان.

۱۱- بحار الأنوار، ملا محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ هـ)، ج ۵۲، صص ۱ - ۸۹.

۱۲- جنّة المأوی، میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ هـ) ضمیمه‌ی بحار الأنوار ۵۳: ۲۰۰ - ۲۳۶ دارای ۵۹ دیدار.

۱۳- نجم ثاقب، میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ هـ) باب هفتم
دارای صد داستان دیدار.

۱۴- منتخب الأثر، لطف الله صافی گلپایگانی (معاصر)، صص
۳۵۸- ۳۸۱ در دیدارهای دوران غیبت صغری و صص ۴۱۲- ۴۲۰
در ۱۳ داستان تشرّف در غیبت کبری.

۱۵- رعاية الإمام المهدي عليه السلام، علی کریمی جهرمی، (معاصر)
حاوی حدود ۳۰ داستان عنایت از جانب امام عصر روحی فداه نسبت
به مراجع و بزرگان دین.

کتاب‌های یادشده جز شماره‌های ۹ و ۱۵ عربی است.
اکنون تشرّفی را از کتاب ارزنده‌ی کمال الدین مرحوم صدوق
نقل می‌کنیم^۱:

احمد بن اسحاق بن سعد اشعری گوید: به حضور
ابو محمد حسن بن علی (امام یازدهم) عليه السلام مشرف شدم. در
اندیشه بودم که از او درباره‌ی جانشینش پرسش کنم. پیش از
آن که من سخنی بگویم، آن حضرت ابتدا کرد و فرمود:
«احمد بن اسحاق! همانا خداوند- تبارک و تعالی- از
آفرینش آدم تا کنون و تا برپایی رستاخیز، زمین را از حجّت
خود خالی نخواهد گذاشت؛ چرا که به خاطر حجّت خدا،
بلاها از زمین برداشته می‌شود؛ باران فرود می‌آید؛ برکت‌ها
از زمین بیرون می‌آیند.»

احمد بن اسحاق گوید: عرض کردم: ای فرزند رسول
خدا، پس امام و جای‌نشین پس از شما کیست؟ در این جا

۱. کمال الدین: ۳۸۴، باب ۳۸، ح ۱.

آن حضرت با شتاب به پا خاست و وارد اندرون شد. لحظاتی بعد بیرون آمد؛ در حالی که پسر بیچه‌ای سه‌ساله، مانند قرص شب چهارده، بر دوش داشت! فرمود:

«احمد بن اسحاق! اگر نه تو نزد خدای - عزوجل - و حجت‌های او جایگاه ویژه داشتی، فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم. او هم‌نام و هم‌کنیه‌ی رسول خدا ﷺ است؛ همان است که زمین را از عدل و داد پُر می‌کند؛ همان‌گونه که از ستم و بیداد پُر شده باشد.

ای احمد بن اسحاق! او در میان این امت همانند خضر و ذوالقرنین است. به خدا سوگند که او غیبت خواهد کرد. در آن غیبت، از امتحان و هلاکت بیرون نمی‌آیند مگر آنان که خداوند - عزوجل - بر ایمان به امامت استوارشان داشته و به دعا برای تعجیل فرج و ظهور، موفق گردانیده است.»

احمد بن اسحاق گوید: عرض کردم: مولایم! آیا علامتی هست که قلبم آرام گیرد؟
در این جا کودک به لهجی عربی فصیح به سخن آمده فرمود:

«منم بقیة الله در زمین خدا و انتقام‌گیرنده از دشمنان خدا. (ای احمد بن اسحاق) پس از دیدار، دیگر در پی اثر و علامت مباش!»

احمد بن اسحاق گوید: با شادی و سرور از خانه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام بیرون آمدم. صبح روز بعد دوباره به خانه‌ی آن حضرت برگشتم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، بسیار خوش حال شدم که بر من منت گزاردید. سنت

جانشین شما از خضر و ذوالقرنین چیست؟ فرمود: «درازی
پنهان زیستی ای احمد!»

گفتم: یعنی غیبت و پنهانی او به درازا می‌کشد؟
فرمود: «به پروردگارم سوگند، آری؛ تا بدان جا که
بیشتر معتقدان به امامت او از ایمان خود برمی‌گردند و بر
ایمان استوار نمی‌مانند مگر آن‌که خداوند بر ولایت ما از او
پیمان گرفته و ایمان را در قلب او نبشته و او را به روحی از
سوی خود تقویت فرموده است.»

ای احمد بن اسحاق! این است امر و سرّ و غیبی از
خداوند! آن را نگه دار و کتمان کن و از سپاس‌گزاران باش که
فردای قیامت در علّیین همراه ما خواهی بود.»

خواننده‌ی عزیز، این دیدار نکاتی را در بر دارد و از این روی
آن را برگزیدیم. خواستاران دیدارهای دیگر روزگار غیبت صغری و
کبری به کتب معرفی شده مراجعه فرمایند.

لازم به یادآوری است که شیخ صدوق یکی از بزرگ‌ترین و
موثق‌ترین محدّثان شیعه به‌شمار می‌رود و کتاب «من لایحضره
الفقیه» یکی از چهار کتاب اصلی معتبر شیعه است. او کتاب
کمال‌الدّین را به دستور خود امام زمان علیه السلام نوشته است و خود به
دعای آن حضرت متولّد شده است. (رک. مقدمه‌ی کمال‌الدّین)

سؤال : توقیعات درباره‌ی چه موضوعی صادر شده است و آیا برای انسان‌های دیگر قابل بهره‌برداری است؟

جواب : باید بدانیم توقیعات امام زمان علیه السلام نیز مانند سایر احادیث امامان بزرگوار حاوی مطالب گوناگون اعتقادی، مبدئی، معادی، اخلاقی، فقهی، تاریخی، علمی و پرسش درباره‌ی مدعیان نیابت و... است. بنابراین اگر چه در موارد خاص صدور یافته است برای تمامی شیعیان قابل استفاده است.

از باب نمونه: درباره‌ی توقیفی بودن اسما و صفات حق تعالی:

«تَعَالَى اللَّهُ وَجَلَّ عَمَّا يَصِفُونَ، سُبْحَانَهُ وَبِحَمْدِهِ.»^۱

«خداوند از آن چه که توصیف می‌کنند برتر و با

ستایش او را تنزیه می‌کنم.»

درباره‌ی لطف و توفیق او:

«وَ اللَّهُ يُلْهِمُكُمُ الرُّشْدَ، وَ يُلْطِفُ لَكُمْ فِي التَّوْفِيقِ

بِرَحْمَتِهِ.»^۲

«و خداوند راه رشد و هدایت را به شما نشان دهد و

به رحمت خود، موفقیت را به آسانی برایتان فراهم سازد.»

۲. همان: ۱۹۳.

۱. کلمة الإمام المهدي: ۲۶۴.

در این که سنت الاهی بر بقای حقّ و نابودی باطل است:

«حَفِظَ اللَّهُ الْحَقَّ عَلَىٰ أَهْلِهِ، وَ أَقَرَّهُ فِي مُسْتَقَرِّهِ.»^۱

«خداوند حق را بر اهلش نگه داشته و آن را در جایگاه

خود ثابت قرار داده است.»

در لزوم معرفت امام:

«و اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد-

در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، هم دل می‌شدند،

میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد.»^۲

در این که وجود امام مایه‌ی حفظ مردم است:

«ما شاهد و ناظر مناجات تو بودیم. خداوند با آن

وسیله‌ای که به سبب اولیای خویش به تو بخشیده است، تو

را حفظ فرماید.»^۳

درباره‌ی حتمی بودن ظهور:

«وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.»^۴

«خداوند نور خود را تمام خواهد کرد؛ اگر چه

مشرکان را خوش نیاید.»

درباره‌ی عنایات آن امام نسبت به شیعه:

«ولی در عین حال بر اخبار و احوال شما آگاه‌ایم و

هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست. از

خواری و بی‌کسی‌ای که دچارش شده‌اید باخبریم؛ از آن

زمان که بسیاری از شما به برخی کارهای ناشایست که

۲. همان: ۲۰۰.

۱. کلمة الإمام المهدي: ۲۹۸.

۴. همان: ۱۹۰.

۳. همان: ۱۹۶.

پیشینیان صالح شما از آن‌ها دوری می‌جستند- گرویدند و عهد و میثاق خدایی را آن‌چنان پشت سر انداختند که گویا به آن پیمان آگاه نیستند.»^۱

درباره‌ی توبه و استغفار:

«أَخْطَأْتُ بِرَدِّكَ بِرَّنَا، فَإِذَا اسْتَعْفَرْتَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
فَاللَّهُ يَغْفِرُ لَكَ.»^۲

«با ردّ احسان ما خطا کردی و اگر از خدا طلب
بخشایش کنی، خداوند تو را خواهد بخشود.»

در رفع حوایج مردم:

«قُلْ لَهُ: أُرْخِصْ نَفْسَكَ، وَ اجْعَلْ مَجْلِسَكَ فِي
الدَّهْلِيْزِ، وَ اقْضِ حَوَائِجَ النَّاسِ، نَحْنُ نَنْصُرُكَ.»^۳

«به او بگو: خودت را برای مردم ارزان کن (در
دسترس همه قرار بده). محل نشستن‌ات را دهلیزخانه انتخاب
کن و حاجت‌های مردم را برآور. ما یاری‌ات می‌کنیم.»

درباره‌ی نواب اربعه:

«وَ أَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْعَمْرِيُّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ
عَنْ أَبِيهِ مِنْ قَبْلُ، فَإِنَّهُ ثَقِيٌّ وَ كِتَابُهُ كِتَابِي.»^۴

«و اما محمد بن عثمان عمری، پس خداوند از او و
پیش از او از پدرش راضی باشد. او ثقه و مورد اطمینان من
و نوشته‌ی او نوشته‌ی من است.»

۱. کلمة الإمام المهدي: ۱۹۰.

۲. همان: ۳۷۶.

۳. همان: ۵۶۴.

۴. همان: ۲۸۸.

درباره‌ی نایب سوم:

«او را می‌شناسیم- خداوند همه‌ی خوبی و خشنودی را به او بشناساند و او را با توفیق سعادت‌مند سازد- از نامه‌ی او آگاه گشتیم و آنچه که او بر آن است مورد اطمینان ماست و در نزد ما منزلت و جایگاهی دارد که باعث خشنودی و سرور اوست. خداوند احسانش را درباره‌ی او افزون دارد که همانا او سرپرستی تواناست و سپاس خداوندی را که بی‌شریک است و درود و سلام فراوان خداوند بر رسولش حضرت محمد و خاندانش باد!»^۱

درباره‌ی نایب چهارم:

«ای علی بن محمد سمری، خداوند پاداش برادرانت را در مرگ تو بزرگ گرداند! تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. پس کارهایت را جمع و منظم کن و به هیچ کس وصیت مکن که بعد از تو جانشین گردد؛ چرا که غیبت تمام و کامل واقع شده است و ظهوری مگر بعد از اجازه‌ی خداوند متعال نیست و این اجازه بعد از مدتی دراز و تیرگی و سختی دل‌ها و پُرشدن زمین از ظلم و جور است.»^۲

می‌بینیم که بخش بسیاری از میراث گران‌قدر آن امام مهربان به صورت نامه و رساله آمده است.

برای دیدن فهرست تفصیلی توقیعات، به صفحه‌ی ۶۴۷ و ۶۵۸ کلمة‌الامام‌المهدی مراجعه کنید و نیز به کتب آورده‌شده در پایان پرسش ۱۴.

۱. غیبت، شیخ طوسی: ۲۲۷- ۲۲۸.

۲. کلمة‌الامام‌المهدی: ۲۸۴.



سؤال : در روایات مختلف، چه توقیعات خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و چه سایر معصومان علیهم السلام آمده است که حضرات ائمه برای شیعیان خود دعا و استغفار می‌کنند. اثر این دعا و استغفار در زندگی روزمره‌ی ما چگونه تجلی می‌کند؟ آیا اساساً آن دعاها اثری در این دنیا برای ما دارد یا تنها آثار معنوی آن را در آخرت خواهیم دید؟

جواب : دعا‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان و امام‌زمان علیهم السلام آثارِ عامّ و تام دارد و شامل دنیا و آخرت می‌شود^۱؛ چرا که دنیا و آخرت از نظر اسلام از یک‌دیگر جدا نیستند؛ اما باید دقت داشت که هیچ کار فیزیکی و متافیزیکی هرگز در جهان بی‌اثر نیست و به‌خصوص کوشش و فعالیت امام معصوم و انسان کامل. امام و حجّت خداوند حکیم - که خود نیز حکیم است - کار بی‌فایده انجام نمی‌دهد. تمامی فعالیت‌های آنان نتیجه‌بخش و مؤثر است و علاوه بر آن که در بندگی خود آنان تأثیر به‌سزا دارد، در دیگران نیز مؤثر تواند بود. این

۱. درباره‌ی دعای ائمه برای شیعه به: بحارالأنوار ۲۶: ۱۴۱، ح ۱۲ مراجعه

شود.

مسأله شواهد عینی بسیار دارد که در تاریخ زندگانی امامان مشاهده می‌کنیم. یکی از حقوقی که ائمه عموماً و امام عصر روحی فداه خصوصاً بر شیعه دارند، حقّ دعاست. آنان در ادعیه و مناجات‌های خود، دوست‌داران خویش را فراموش نمی‌کنند.

در روزهای سخت برای آنان دعا کرده مشکلات عظیم آنان را از سر راه برمی‌دارند. داستان سیدابن طاووس معروف است که در پلّه‌های سردابِ مطهرِ امام عصر روحی فداه در سامرا سحرگهان صدای دل‌نشین محبوبِ پرده‌نشین را می‌شنود که می‌فرمود:

«خداوندا! شیعیان ما را در عزّت و سلطنت و دولت
ما باقی و زنده بدار.»^۱

نیز آن حضرت در توقیعی فرمود:

«ما در پی نگه‌داری آنانیم و با خداوند راز و نیاز
می‌کنیم. دل‌های اولیای ما آرام و مطمئن باشد.»^۲

در این زمینه، به کتاب مهر محبوب صفحات ۳۰۶ و ۳۰۷
مراجعه فرمایید.

مسأله‌ی دیگر این‌که نه تنها دعای امامان درباره‌ی ما مؤثر و
مستجاب می‌شود بلکه از نظر تفکرات دینی و مدارک اسلامی، کسان
دیگری هم دعا می‌کنند و در حقّ افرادی مستجاب و مؤثر است.
به‌عنوان نمونه دعای مظلوم درباره‌ی حامی و ناصر او^۳، دعای پدر و

۱ و ۲. ترجمه‌ی مکیال‌المکارم ۱: ۱۱۹.

۳. کافی ۸: ۹، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام.

مادر درباره‌ی فرزندان و دعای فرزند صالح درباره‌ی والدین و دعای مؤمن برای مؤمن^۱. پیامبر و امامان، علاوه بر حقوق رهبری و امامت و نبوت، بر امت حقّ پدری دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَاهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ.»

«من و علی دو پدر این امت ایم.»

پس دعای آنان در حقّ ما- که فرزندان روحانی آنان ایم- مستجاب و مؤثر خواهد بود.

به علاوه، هر اندازه که تکامل معنوی و روحی انسان دعاکننده بالاتر باشد، تأثیر دعای او بیشتر است و دعای افراد در مستجاب شدن گوناگون است؛ آن که انسان والا است، دعایش برتر است و هم‌چنین هر اندازه که مقام بندگی و عبودیت کسی برتر و بالاتر باشد، دعای او به اجابت نزدیک تر است. پس دعای امام زمان علیه السلام - که کامل ترین انسان و حجّت روی زمین است؛ اگر درباره‌ی کسی دعا کند- هرگز بر نمی‌گردد. بسیاری از نعمت‌های ما در اثر دعای آن بزرگوار است.

بر این اساس، سزاوار چنان است که هر اندازه بتوانیم خود را برای شرایط دعای آن حضرت آماده کنیم؛ چرا که امکان استجاب آن بیشتر خواهد بود.

۱. کافی ۲: ۵۰۹، ح ۲.

سؤال : مردم در زمان غیبت چه بهره‌هایی از امام عصر علیه السلام می‌برند؟ فایده‌ی آن حضرت در آن دوره چیست؟

جواب : اصل این پرسش از یک نوع بینش محدود سرچشمه می‌گیرد. گویا فرض این است که امام علیه السلام و ذوات مقدّس برای مردم بهره و فایده داشته باشند. هرگز از خود نمی‌پرسیم: ما برای آن‌ها چه فایده‌ای داریم؟ در حالی که قابل توجه است بدانیم که او برای ماست یا ما برای او؟ (این نکته را در جای خود باید توضیح داد.)

به هر حال، این که امام غایب چه فوایدی برای ما دارد و یا ما چگونه می‌توانیم از دریای زلال وجود او پیمانۀ پُرکنیم، مطلبی است که در فواید وجود امام (چه غایب و چه ظاهر) باید جستجو کرد و سپس تفاوت‌های حضور و غیبت را برشمرد.

بیان فواید وجودی امام با شناخت ابعاد شخصیت او ارتباط مستقیم دارد. در بینش شیعی، امام حدّ اقل دارای ۴ شأن ممتاز است:

الف - ولایت تکوینی و بهره‌رسانی به موجودات به اذن الله.

ب - مرجعیت دینی.

ج - زمام‌داری سیاسی و حکومت.

د - پناه‌دهی و دادگری و دست‌گیری از مردم بیچاره و گرفتار.

در دوران حضور امامان علیهم‌السلام تمامی این شؤون، جز زمام‌داری سیاسی برای تعدادی امامان علیهم‌السلام آن‌هم در زمان اندک، تحقق داشته است و مردم از ابعاد گوناگون آن بزرگواران استفاده برده‌اند. هم مسایل اعتقادی و اخلاقی و فقهی مردم را رسیدگی کرده‌اند و هم بهره‌های معنوی و روحانی به آنان می‌رسانیدند و هم در مواقع حسّاس فریادرسی داشته‌اند. امام غایب علیه‌السلام تنها مرجعیّت دینی و حکومت ظاهری را عهده‌دار نیستند (هرچند در موارد حسّاس نیز برخی فقها و محدّثان را نیز دست‌گیری و یاری فرموده‌اند). ولایت تکوینی آن حضرت و دادخواهی‌اش همواره جریان داشته است. کتاب نجم ثاقب محدّث نوری شاهد گویایی است بر گفتار. به بخش دیدارهای آن مراجعه فرمایید. در این جا به عنوان نمونه به یکی از دست‌گیری‌های حضرت اشاره می‌کنیم:

شیخ علی رشتی، شاگرد شیخ انصاری و میرزای شیرازی-گوید:

وقتی از زیارت ابی عبدالله علیه‌السلام مراجعت کرده بودم و

از راه آب فرات به سمت نجف اشرف می‌رفتم، در کشتی کوچکی- که بین کربلا و طویرج بود- نشستم. اهل آن کشتی همه از اهل حِلّه بودند. راه حِلّه و نجف از طویرج جدا می‌شود. آن جمعیت مشغول لهو و لعب و مزاح شدند؛ جز یک نفر که با ایشان بود و در عمل ایشان داخل نبود. آثار متانت و وقار از او ظاهر بود. نه خنده می‌کرد و نه مزاح. آن جماعت مذهب او را نکوهش می‌کردند و عیب می‌گرفتند؛ با این حال در مآکل و مشرب شریک بودند! بسیار متعجب شدم و مجال سؤال نبود تا به جایی رسیدیم که به جهت کمی آب ما را از کشتی بیرون کردند.

در کنار نهر راه می‌رفتیم. اتفاق افتاد که با آن شخص
هم صحبت شدیم. از او پرسیدم: شما چرا از طریقه‌ی رفقای
خود کناره می‌گیرید و آن‌ها از آیین شما؟
گفت: ایشان خویشان من‌اند از اهل سنت و پدرم نیز
از ایشان بود. امّا مادرم از اهل ایمان بود. من نیز چون ایشان
بودم و به برکت حجّت صاحب‌الزمان شیعه شدم.
از کیفیت آن سؤال کردم. گفت: اس‌م یاقوت است و
شغلم روغن‌فروشی در کنار پل حِلّه. سالی برای خرید روغن
از حِلّه خارج شدم؛ به نواحی اطراف، نزد اعراب بادیه‌نشین.
چند منزلی دور شدم تا آن‌چه خواستم خریدم و با جماعتی
از اهل حِلّه برگشتم. در منزلی فرود آمدیم. من خوابیدم.
چون بیدار شدم، کسی را ندیدم. همه رفته بودند. راه ما در
صحرای بی‌آب و علفی بود که درندگان بسیار داشت و در
نزدیکی آن آبادی‌ای نبود مگر بعد از فرسنگ‌های بسیار.
برخاستم و بار را بر مرکب نهادم و در پی آن‌ها رفتم.
راه را گم کردم. متحیر ماندم. از درندگان و عطش روز
می‌ترسیدم. به خلفا و مشایخ استغاثه کردم و ایشان را در نزد
خدا شفیع کردم و تضرّع نمودم. فرجی ظاهر نشد. با خود
گفتم: من از مادر می‌شنیدم که می‌گفت: ما را امام زنده‌ای
است که گنیه‌اش ابوصالح است. گم‌شدگان را به راه می‌آورد
و درماندگان را به فریاد می‌رسد و ضعیفان را اعانت می‌کند.
با خدا عهد بستم که: به او استغاثه می‌کنم؛ اگر نجاتم
داد، به دین مادرم درمی‌آیم. پس به او استغاثه کردم. ناگاه
کسی را دیدم که با من راه می‌رود. بر سرش عمامه‌ی سبزی
به این رنگ بود (و به علف‌های سبز کنار نهر اشاره کرد).

آن‌گاه راه را به من نشان داد و امر کرد که به دین مادرم
درآیم و کلماتی فرمود که من (مؤلف کتاب) فراموش کردم
و فرمود: «به زودی به قریه‌ای می‌رسی که اهل آن‌جا همه
شیعه‌اند.» گفتم: سرورم! تا این قریه با من نمی‌آیید؟ فرمود:
«نه؛ زیرا که هزار تن در اطراف بلاد به من استغاثه کرده‌اند؛
باید ایشان را نجات دهم.» این حاصل کلام آن‌جناب بود که
در خاطر ماند. پس از نظرم غایب شد^۱...

در احادیث معصومین علیهم‌السلام، امام غایب و کیفیت بهره‌وری از
ایشان به خورشید پنهان در پس ابر تشبیه شده است.^۲
علامه‌ی مجلسی هم آن‌ها را در هشت فایده خلاصه کرده
است. برای دیدن تفصیل، مراجعه کنید به:

مهر محبوب: ۴۲ و امام مهدی علیه‌السلام از ولادت تا ظهور، صص
۲۸۴-۲۹۵.

در فواید وجود امام علیه‌السلام نگاه کنید به:

- گفتارهایی پیرامون امام زمان علیه‌السلام، فصل ۷: ۸۱.

- ترجمه‌ی مکیال‌المکارم ۱: بخش سوم، صص ۵۵ و ۱۱۹

و ۱۴۱ و ۱۹۸.

- خورشید مغرب: ۱۷۸ و ۱۸۵.

- امامت و مهدویت ۲، وابستگی جهان به امام زمان علیه‌السلام.

- نجم ثاقب: ۶۳۰.

۱. نجم ثاقب، باب هفتم، حکایت ۷۱؛ با اندکی تغییر در عبارات.

۲. بحار ۵۲: ۹۲ و ۹۳.

سؤال : آیا جمله‌ی «یا اباصالح المهدی! ادرکنی»-
که مردم در مددخواهی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه
می‌گویند- مأخذ حدیثی دارد؟ در کجا؟

جواب : کُنیه در میان عرب آن است که در ابتدای آن، برای
مردان أب (= پدر) و برای زنان، أم (= مادر) به کار می‌برند؛ مثلاً
أبو عبدالله، أم کلثوم^۱.

کُنیه را برای اشخاص به دو جهت نام‌گذاری می‌کنند:

۱- به لحاظ نام پسر. به امید آن‌که در آینده دارای فرزندی
باشد که مثلاً نام او را فضل بگذارند، از ابتدای میلاد یا پس از آن، به
فرد، کنیه‌ی ابوالفضل می‌نهند.

۲- به لحاظ دارا بودن یک کمال از کمالات؛ مثلاً به فردی
به لحاظ داشتن بندگی زیاد، ابو عبدالله یا برتری بسیار، ابوالفضل یا
خوبی و نیکی افزون، اباصالح می‌گویند.

۱. أب در عربی از اسامی سته (= نام‌های شش‌گانه) است که اعراب آن‌ها
(نقش در جمله) با حرف نشان داده می‌شود؛ نه با حرکت؛ در حالت رفع، أبو؛ در
حالت نصب، أبا؛ در حالت جر، أبی. نیز رک. پرسش ۵. (ویراستار)

أبو صالح از کُنیه‌های آن امام مهربان است و در میان عرب‌ها و بادیه‌نشین‌ها بیشتر شهرت دارد. آنان در توسّلات و استغاثه‌های خود، این نام را وسیله قرار می‌دهند.^۱ محدّث نوری می‌نویسد:

احمد بن محمد بن خالد برقی در کتاب مَحاسن از ابوبصیر آورده است که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه راه را گم کردی، ندا کن: یا صالح! یا أباصالح! أرشدنا إِلَى الطَّرِيقِ! رَحِمَكُمُ اللهُ.»^۲

جمله‌ی ادرکنی (= مرا دریاب) سخن استغاثه‌کننده و فریادکننده است. بنابراین، نام «اباصالح» در مورد امام مهدی علیه السلام ریشه‌ی روایی دارد.

نام‌ها و کُنیه‌ها و القاب امام زمان علیه السلام را در کتب زیر جستجو کنید:

- بحار الأنوار ۵۱: ۲۸، ح ۱-۹.

- منتهی الآمال ۲: ۷۵۷.

- نجم ثاقب، باب دوم، ص ۴۱.

- المهدی: ۱۲۳ (فصل ۵).

- نام محبوب.

۱. نجم ثاقب: ۴۵، نام پانزدهم.

۲. همان: ۵۷۲، باب نهم.



سؤال: آیا طول عمر حضرت مهدی علیه السلام طبیعی است
یا جنبه‌ی اعجاز دارد؟

جواب: در پاسخ این پرسش، توجه به چند نکته ضروری است:
۱- پدیده‌های طبیعی دو گونه‌اند:

الف: روی داده‌های طبیعی اکثری و عادی که بسیار اتفاق
می‌افتد؛ مانند باد و باران و طلوع خورشید و تغییر فصول و...
ب: روی داده‌های طبیعی اقلی و غیرعادی که کمتر پدیدار
می‌شود؛ مانند سقوط سنگ‌های آسمانی، خسوف و کسوف و رعد و
برق‌های تند و زلزله و...

این دو در تعداد روی داده‌ها با هم اختلاف دارند. مسأله‌ی طول
عمر حضرت مهدی علیه السلام از نوع پدیده‌های اقلی و غیرعادی است که
کمتر در میان انسان‌ها دیده می‌شود و با هیچ قانونی متضاد نیست.
۲- علوم مرتبط به حیات و طبیعت مانند بیولوژی، فیزیولوژی،
فیزیک و طب و... هیچ یک حدّ دقیقی برای عمر بشر مشخص نکرده‌اند؛
گرچه عمر عادی را در این روزگارها حدّ اکثر ۱۱۵-۱۲۰ دانسته‌اند.^۱

۱. رک. پژوهشی در پیرامون طول عمر، کهولت و پیش‌گیری از پیری: ۲۲۵.

دلیل بر این که علوم مرتبط به طبیعت عمری را دقیقاً تعیین نکرده‌اند مسایلی است که ذیلاً می‌آید:

الف: بشر در تلاش است که پدیده‌ی پیری را که به مرگ منجر می‌شود به تأخیر بیندازد:

امید به زندگی در بدو تولد، که در شروع قرن حاضر کمتر از ۲۰ سال بود، امروز در برخی از کشورهای جهان، مثل ژاپن، تا حدود ۷۶ سال برای آقایان و ۸۲ سال برای خانم‌ها رسیده است. جمعیت افراد مسن در جهان رو به افزایش است؛ به نحوی که تعداد افراد دارای سن بالاتر از ۶۵ سال فقط در آمریکا به بیش از ۳۳ میلیون نفر رسیده است و رشد افراد دارای سن بالاتر از ۸۵ در این کشور ۶ برابر رشد کلی جمعیت در آن کشور می‌باشد.^۱

... به نظر می‌رسد که در آینده بتوان - با استفاده از روش‌های ژنتیک و ژن‌درمانی در مورد جلوگیری از جهش‌ها و یا بی‌اثر نمودن عوامل محیطی که باعث به وجود آمدن جهش در این نوع ژن‌ها می‌شود - اقدامات مهمی در جهت پیش‌گیری از پیری در سطح سلول انجام داد.^۲

ب: معنای دقیق و تاریخی پیری مشخص نیست و در افراد گوناگون متفاوت است:

... هنوز یک تعریف روشن و کامل برای پیری وجود ندارد؛ چرا و با چه مکانیسمی پیر می‌شویم؟ این هم سؤالی است که جوابش روشن نگشته است. پیری‌شناسی

۱. همان: ۷.

۲. همان: ۹.

(gerontology) یعنی علمی که در باب فرآیند پیری تحقیق و بحث می‌نماید هنوز علمی است که مرحله‌ی جنینی خود را می‌گذرانند. علی‌رغم علاقه‌ای که بشر همواره برای درک علت پیری و مرگ در خود احساس می‌کرده است، تحقیق علمی در مورد آن بیش از چند دهه نیست که آغاز گشته و پشتوانه‌ی مالی لازم را یافته است. علی‌رغم این سابقه‌ی کوتاه، یافته‌های زیادی در مورد چگونگی این فرآیند همه‌گیر بشری به دست آمده و فرضیه‌هایی در مورد علت به وجود آمدن آن، پیشنهاد شده است.^۱

... دوره‌ی واقعی زندگی هر شخص منفرد (mean life span) با تعداد زیادی از عوامل مثل شیوه‌ی زندگی، رژیم غذایی و شرایط محیطی و نیز استعداد ژنتیکی معین شود و با تغییر بعضی از این عوامل می‌توان متعاقباً طول عمر فردی (یا میانگین) را افزایش داد؛ بدون این‌که حدّ اکثر طول عمر انسان (maximum life span) افزایش یابد.^۲

... با کشف علت بیماری‌های شایع پیری (مثل بیماری‌های قلبی - عروقی و سرطان) و راه‌های پیش‌گیری و درمان بهتر برای آن‌ها خواهیم توانست که میزان امید به زندگی را افزایش دهیم. با شناخت کمبودهای ژنتیکی و بیوشیمیایی - که باعث می‌شود بعضی افراد طول عمر بالقوه‌ی کمتری داشته باشند - خواهیم توانست با ملاحظه در آن‌ها، فاصله‌ی میان امید به زندگی و حدّ اکثر طول را کاهش دهیم و تعداد بیشتری از افراد جامعه را قادر به

۱. همان: ۲۷.

۲. همان: ۳۲ - ۳۳.

دست‌یابی به حدّ اکثر طول عمر نماییم.^۱

ج: رعایت تغذیه و بهداشت، متوسط عمر انسان را بالا برده است. ... ۵۰۰۰ سال قبل از سال ۱۹۰۰ میلادی، میزان امید به زندگی (life expectancy) ۲۶ سال بود و تا شروع قرن اخیر این میزان تنها به ۲۹ سال رسیده بود. بهتر شدن شرایط زندگی و مراقبت‌های پزشکی و کاهش مرگ و میر ناشی از بیماری‌های عفونی و بیماری‌های اطفال، باعث شد که میزان امید به زندگی افزایش یابد و امروزه در ژاپن که بیشترین میزان امید به زندگی را داراست به حدود ۸۱/۸ سال برای زن و ۷۵/۹ سال برای مرد رسیده است.^۲

نیز:

... در سال ۱۹۰۰ میلادی تنها ۴٪ جمعیت را افراد بالای ۶۵ سال تشکیل می‌دادند. در سال ۱۹۸۶ این نسبت به ۱۱/۶٪ رسید و در سال ۲۰۳۰ میلادی پیش‌بینی می‌شود که این میزان به ۲۰٪ کل جمعیت برسد؛ یعنی در آن زمان از هر ۵ آمریکایی یک نفر بیش از ۶۵ سال سن خواهد داشت.^۳

هم‌چنین:

... در سال‌های اخیر میزان مرگ و میر انسان در همه‌ی گروه‌های سنی کاهش یافته است؛ اما این کاهش مرگ و میر در افراد بالای ۸۵ سال بیش از سایر گروه‌های سنی بوده است.^۴

۲. همان: ۳۷.

۱. همان: ۳۳.

۴. همان: ۵۴.

۳. همان: ۳۸.

نیز:

... با این همه باید توجه داشت که حدّ متوسط عمر انسان - که در سال‌های اخیر به هفتاد سال رسیده است - در بیست سال پیش، سی و پنج سال بود. حدّ وسط عمر با پیشرفت علم و آگاهی مردم روزافزون است.^۱

... با کشفیات جدید، برخورداران از علم و فنّ غذاشناسی دست به اعجازی می‌زنند که در گذشته برای پیشینیان غیرقابل تصوّر می‌نمود. در این روزگار به کمک غذا و کاربرد آن می‌توان جنس و رنگ و چشم و مو و چهره و طول قد و رشد و سلامت و مقاومت و طول عمر جنین را در شکم مادر تعیین کرد و در حقیقت می‌توان جنین را در قالب خواست‌های خود تغییر داد و در آفرینش و گذران زندگی وی در آینده تغییراتی به وجود آورد.^۲

د: دانشمندان عوامل مؤثر در طول عمر را برشمرده‌اند:

تغذیه:

... جای خوشوقتی است که کارسازترین رمز کام‌یابی انسان در بهره‌مندی از عمر دراز و مقرون به سلامت همانند مسأله‌ی ژنتیک به گذشتگان وابسته نیست و انسان خود می‌تواند با بهره‌برداری... دقیق از امر تغذیه به این مزیت دست یابد؛ زیرا قدرت و فرصت تغذیه بهترین هدیه‌ای است که طبیعت به آدمیان ارزانی می‌دارد و وی را قادر می‌سازد که از ره‌گذر آگاهی به نوع، کمیت و کیفیت تغذیه، به سلامت کامل دست یابد و بر اثر آن از طول عمر برخوردار

۲. همان: ۱۶۷.

۱. راز دیرزیستن: ۸۶.

شود و معایب موروثی را تا حدود زیادی برطرف گرداند.^۱

و:

... دانشمند و محقق روسی، الکساندر آبوگومولتز ثابت کرده است که یک انسان ۶۵ تا ۷۰ ساله جوان است و دست‌کم در اواسط عمر طبیعی است. دانشمندان بر این عقیده‌اند که از نظر علمی، تمام موجودات زنده به‌طور طبیعی توانایی آن را دارند که هفت تا چهارده برابر طول مدت لازم از تولد تا بلوغ خود را در سلامت زندگی کنند و اگر به دقت بررسی گردد، تمام موجودات از این قانون برخوردار توانند بود. به‌طور طبیعی، عمر جانوران کمتر از هفت برابر عمر بلوغشان نیست و در مورد انسان [چنین است] که دوره‌ی بلوغ [وی] هم، به علت تبعیت از وضع اقلیمی، در نواحی مختلف فرق می‌کند و در بیشتر موارد، حدود بیست سالگی عمر بلوغ محسوب می‌شود.^۲

...ایمن‌ترین دوره از لحاظ امید به زندگی در حدود زمان بلوغ است که ریسک مرگ و میر ناشی از بیماری‌ها یک در دو هزار نفر در سال است که از نظر آماری، اگر این ریسک در همین حد حفظ می‌شد، امید به زندگی در زمان تولد حدود ۱۲۰۰ سال بود.^۳

ظرفیت فیزیولوژیکی:

باید دانست که ظرفیت فیزیولوژیکی هر انسان با دیگری متفاوت است و به‌طور ژنتیکی کنترل می‌شود. حتی

۲. همان: ۱۸۱.

۱. همان: ۱۶۵.

۳. پژوهشی علمی پیرامون طول عمر، کهولت و پیش‌گیری از پیری: ۱۱.

اگر سرعت پیری را در همه‌ی افراد یک‌سان بدانیم ... در کسی که ظرفیت اولیه بیشتر داشته باشد، کاهش پیش‌رونده‌ی ذخیره‌ی فیزیولوژیک دیرتر به حد بحرانی خود می‌رسد و بنابراین طول عمر بیشتر خواهد بود.^۱

... اولاً در جامعه انتشار ظرفیت‌های فیزیولوژیک اولیه (که توسط عوامل ژنتیکی تعیین می‌شود) بسیار متنوع است. به عبارت دیگر، توانایی و پتانسیل حیاتی افراد مختلف به دلایل ژنتیکی با هم متفاوت است.

ثانیاً شرایط محیطی و شیوه‌ی زندگی افراد ... در این توانایی اولیه، اثر مثبت یا منفی می‌تواند داشته باشد.^۲

تغذیه با عسل:

... مشاهده شده است که تغذیه با عسل سلطنتی در زنبوران عسل طول عمر را ۵۰ برابر می‌کند؛ بدین معنا که تفاوت طول عمر ملکه (۶ سال) با زنبوران کارگر (۳-۶ هفته) - که ژنتیک یک‌سانی دارند - تنها از این حقیقت سرچشمه می‌گیرد که زنبور ملکه از عسل سلطنتی تغذیه کرده است. این مشاهدات هم‌چنان مشوق بشر برای تلاش در جهت یافتن راه‌های افزایش طول عمر است.^۳

فعالیت فیزیکی:

مشاهده شده است که فعالیت فیزیکی در اوایل زندگی باعث افزایش طول عمر و امید به زندگی در جوندگان آزمایشگاهی می‌گردد.^۴

۲. همان: ۳۰.

۱. همان: ۲۹.

۴. همان: ۸۹.

۳. همان: ۳۳.

کاستی وزن:

سازمان بهداشت جهانی در مطالعاتی که در این مورد انجام داده است گزارش نموده که بیشترین طول عمر در کسانی دیده شده است که وزنشان کمتر از متوسط جمعیت تحت کنترل بوده است.^۱

ورزش:

... مطالعه‌ای روی ۲۰۰۰ شرکت‌کننده‌ی مسابقه‌ی اسکیت نورتلند (...) یک مسیر ۲۰۰۰ کیلومتری در سال ۱۹۵۶ انجام گرفته است. این افراد برای مدت ۳۳ سال پی‌گیری شدند و مشاهده شد که این افراد میزان امید به زندگی بیشتری نسبت به جمعیت عادی داشته‌اند. نتیجه گرفته شد که افراد قادر به انجام فعالیت طولانی و شدید، امید به زندگی بیشتری دارند.^۲

راه رفتن:

ورزش‌های مورد نظر در این مطالعه شامل راه رفتن، بالارفتن از پله و بازی‌های ورزشی بوده است.^۳

ه : اگر چه فناپذیری انسان دلیل ندارد، بشر بالفطره دنبال شناخت راه‌های فناپذیری است:

بشر... در جست‌وجوی راهی است که از آن طریق بتواند سیطره‌ی مرگ را بر انتهای زندگی خود پایان دهد؛ ولی آیا فناپذیری امکان‌پذیر است؟ جواب به این سؤال در حال حاضر امکان‌پذیر نیست.^۴

۱. همان: ۹۳. ۲ و ۳. همان: ۹۴.

۲. همان: ۹۳.

۳. همان: ۶۰.

و : افراد بسیاری دارای طول عمر بوده‌اند که در کتب الاهی، تاریخی و حدیثی از آن‌ها یاد شده است؛ مانند: حضرت آدم، شیث پسر آدم، انوش فرزند شیث، قینان پسر انوش، مهلل ئیل پسر قینان، یارد پسر مهلل ئیل، خنوخ پسر یارد و متوشالح پسر خنوخ، لَحَک پسر متوشالح و نوح پسر لَحَک که به ترتیب دارای عمر ۹۳۰، ۹۱۲، ۹۰۵، ۹۱۰، ۸۹۵، ۹۶۲، ۳۶۵، ۹۶۹، ۷۷۷، ۹۵۰ سال بوده‌اند.^۱

ز : در روزگار ما نیز بوده‌اند افرادی که دارای عمر طولانی غیر معمولی می‌باشند. در سال‌نامه‌ی پارس مربوط به سال ۱۳۱۱ شمسی آمده که هم‌اکنون مردی چینی به نام «لی چینک» دارای ۲۵۲ سال می‌باشد و ۲۳ زن در خانه‌ی او عمر خود را سپری کرده‌اند.^۲

نتیجه این‌که: امام زمان ارواحنفاذ با امکانات الاهی- که در دست اوست- و با مراقبت‌های ویژه و رعایت قوانین طبیعی و پیش‌گیری از پیری و حراست الاهی؛ دارای عمری طولانی است و چهره‌ای جوان دارد که البته طبیعی و اما غیرعادی به‌شمار می‌رود؛ ضمن آن‌که نه مخالف عقل است و نه متضاد با قوانین طبیعی.

گفتنی است که ذکر شواهد علمی برای رفع استبعاد از طول عمر آن حضرت است و تأکید بر این‌که دانشمندان حدی مشخص برای عمر انسان تعیین نکرده‌اند و الا در قاموس دین و باور مذهبی، مطلب

۱. تورات، سفر پیدایش، باب پنجم؛ نیز قرآن کریم: انبیاء (۲۱): ۴۵ و صافات (۳۷): ۱۴۵.

۲. سال‌نامه‌ی پارس، بخش دوم، صص ۱۰۰-۱۰۱.

فراتر از این است که مورد تردید شود؛ چرا که طول عمر آن بزرگوار چون میلاد، زندگی، ظهور و برنامه‌ی جهانی او و... همگی به اراده‌ی حتمی خداوند اداره می‌شود و کوچک‌ترین شکّی در آن راه ندارد.

در پایان پاسخ را با نقل حدیثی به پایان می‌بریم:

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

«فرزند من قائم پس از من است و او همان است که

با سیره و روش پیامبران - بر او و آنان درود خدا باد - خروج کند.

دارای عمر دراز و غیبت است. دل‌ها به خاطر درازی

پنهان‌زیستی او سخت می‌شود. بر ایمان به او استوار

نخواهد بود جز آن‌که خداوند در دل او ایمان قرار داده و او را

با روحی از سوی خود تأیید فرموده است.»^۱

در مورد طول عمر از نظر علوم طبیعی، مراجعه کنید به:

- پژوهشی علمی پیرامون طول عمر، کهولت و... (فارسی).

- راز دیرزیستن... (فارسی): صص ۸۶، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۸۱.

- خورشید مغرب (فارسی)، فصل دهم.

- طول عمر امام زمان علیه السلام از دیدگاه علوم و ادیان (فارسی).

- منتخب الأثر (عربی): ۲۷۴ و پاورقی تا ص ۲۸۳.

- المهدی (عربی): ۱۳۵.

- بحار الأنوار (عربی) ۵۱: ۲۲۵ به بعد، اخبار معمرین.

- پیری (فارسی).

- زنده‌ی روزگاران (فارسی).

۱. منتخب الأثر: ۲۷۴، ح ۱ از کمال‌الدین صدوق.

سؤال : کیفیت ظهور امام عصر علیه السلام چگونه خواهد

بود؟

جواب : روایاتی این گونه خبر می دهد: در حالی که آن امام معصوم در راه مکه، از شدت گرما خسته شده است، زیر درختی برای استراحت می نشیند. جبرئیل با نامه ای فرود می آید که مرکب آن هنوز خشک نشده است^۱. در آن نامه خداوند او را به خروج امر می کند. او به مکه می آید. در مکه ی معظّمه، بین رکن و مقام، نزدیک حجرالاسود و در خانه، تکیه می دهد و بانگ برمی دارد:

«أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ! بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

مُؤْمِنِينَ»^۲ و أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ.

بدین گونه مردمان را دعوت می کند. بعد از این که ۳۱۳ نفر یاران خاص او - چه آنان که اهل همان روزگارند و چه آنان که از روزگاران پیش رجعت کرده اند - همگی پیرامون او گرد می آیند، به مدینه می روند و از مدینه به کوفه سفر می کنند. در کوفه مستقر

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۲۳۱.

۲. منتخب الأثر: ۵۷۵، ح ۶ و ۵۸۰، ح ۲ و ۳، چاپ جدید.

می‌شوند و از آن‌جا جهان را اداره می‌کنند.

در روایاتی آمده است که دوره‌ی حکومت حضرت مهدی علیه السلام ۷ یا ۹ یا ۲۰ یا ۳۰ یا ۴۰ یا ۷۰ سال است. در مورد این ارقام و اعداد در پاسخ پرسش دیگری توضیح داده‌ایم که بنا به احتمال، معنای هفت سال یا نه سال یا نه سال دوره‌ی استقرار حکومت است و الا اگر هفت سال یا نه سال و یا حتی سی سال دوره‌ی حکومت باشد، قاعدتاً پس از آن همه چشم‌به‌راهی جهانیان و این‌که آن دوران، تحقق تمامی آمال و آرزوهاست، چنین مدّت کوتاهی روحیه‌ی عدالت‌خواهی انسان‌های شیفته را اشباع نمی‌کند. از آن جهت احتمال علامه‌ی مجلسی به جاست که خود امامان نخواسته‌اند مدّت دقیق حکومت وی را به روشنی بیان فرمایند و خداوند به حقایق امور آگاه است.^۱

در این زمینه، مراجعه کنید به:

- خورشید مغرب.

- روزگار رهایی، بخش دولت حق.

۱. منتخب‌الأثر: ۴۸۸ ذیل حدیث ۵، نقل کلام مجلسی.

سؤال : در نوشته‌های مربوط به امام زمان علیه السلام سخن از «رجعت» آمده است. معنای آن دقیقاً چیست؟ آیا سند محکمی از قرآن و احادیث برای آن وجود دارد؟

جواب : ۱- معنای لغوی رجعت «برگشت» و «عود» است و در اصطلاح دینی برگشت به دنیا و زندگی مجدد آن پس از مرگ؛ چنان‌که شخص رجعت کرده زنده می‌شود و مدتی دیگر به زندگی مادی و دنیوی خود ادامه می‌دهد و سپس با اجل خود می‌میرد.

۲- سند اصلی رجعت، قرآن کریم است؛ چرا که خداوند متعال در این کتاب آسمانی از رجعت عزیر یا ارمیای پیامبر، اصحاب کهف، گروهی از بنی اسرائیل سخن گفته است. درباره‌ی عزیر، در سوره‌ی بقره: ۲۶۰ و درباره‌ی اصحاب کهف، در سوره‌ی کهف: ۲۶ و درباره‌ی گروه بنی اسرائیل، سوره‌ی بقره: ۵۷ و درباره‌ی زنده‌شدن مردگان به دست عیسی مسیح علیه السلام، در سوره‌ی مائده: ۱۱۱ و درباره‌ی گروهی از اهل شام، در سوره‌ی بقره: ۲۴۴ سخن گفته است. در این جا تنها داستان گروهی از اهل شام را می‌آوریم. خداوند می‌فرماید:

﴿آیا نمی‌نگری آنان را که از ترس مرگ، از شهرهای خود خارج شدند؛ در حالی که هزاران نفر بودند؛ آن‌گاه خدا فرمود: بمیرید! [پس مردند] سپس آنان را زنده کرد؟﴾

... آنان اهالی یکی از شهرهای شام بودند... از ترس مرض طاعون، به شهری خالی - که ساکنان آن نیز از طاعون مرده بودند... - فرار کردند. در آنجا فرود آمدند و در همان ساعت همگی مردند. چندی گذشت تا بدن آنان به استخوان عاری از گوشت مبدل گردید. پس از مدتی یکی از پیامبران بنی اسرائیل به نام «حزقیل» بر آنان عبور کرد. با دیدن آن شهر گریه کرد و اشک ریخت و دعا کرد و از خدا خواست که: *الاهاء*، همان گونه که آنان را میراندی، در این لحظه زنده شان کن تا شهرهای تو را آباد کنند و بندگانی به وجود آورند که عبادت تو را به جای آورند. در این جا خداوند به او دستور داد تا اسم اعظم را بخواند. او اسم اعظم خدا را خواند. آنان همگی زنده شدند؛ در حالی که به هم نظر کرده تسبیح و تکبیر و تهلیل خدا می گفتند. در این جا حزقیل گفت: «أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...»^۱

۳- در آیات متعددی، قرآن کریم درباره‌ی وقوع رجعت در حکومت امام زمان علیه السلام آمده است. از جمله:

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾^۲

﴿و (ای پیامبر! یاد آور) روزی را که از هر امتی گروهی را محشور کنیم؛ از آنان که آیات ما را تکذیب می کردند. پس آنان بازداشته خواهند شد.﴾

۱. تفسیر الاصفی ۱: ۱۱۵ ذیل آیه‌ی ۲۴۴ سوره‌ی بقره.

۲. نمل (۲۷): ۸۴.

در تفسیر آیه حدیثی را از تفسیر کنزالدقایق نقل می‌کنیم: ^۱
 حمّاد گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «مردم در این آیه
 که: ﴿از هر امتی، گروهی را بر خواهیم انگیزت﴾ چه
 می‌گویند؟ گفتم: می‌گویند درباره‌ی قیامت است. فرمود:
 «چنین نیست؛ بلکه آیه درباره‌ی رجعت است. مگر
 خداوند در قیامت تنها گروهی از هر امت را برمی‌انگیزد و
 بقیه‌ی مردم را رها می‌کند؟ (نه چنین نیست). آیه‌ای که به
 قیامت اشاره دارد چنین است: ﴿و آنان را برمی‌انگیزیم و
 کسی از آنان را فرونگذاریم﴾ ^۲

۴- احادیث فراوان ^۳ درباره‌ی رجعت وارد شده است؛ از
 جمله: امام صادق علیه السلام فرمود:

«اول کسی که به دنبال شکافته شدن زمین به دنیا
 رجعت می‌کند حضرت حسین بن علی علیه السلام است. رجعت
 مربوط به تمام مردم نیست؛ بلکه مؤمنان خالص و مشرکان
 محض به دنیا رجعت خواهند داشت.» ^۴

نتیجه این‌که بشارت و وعده به رجعت آینده و در حکومت
 امام زمان علیه السلام در اقوام و امت‌های پیشین نیز نمونه و نظیر دارد.
 برای دیدن کتاب‌شناسی، به پایان سؤال ۲۴ مراجعه فرمایید.

۱. کنزالدقایق ۷: ۳۷۷؛ نیز البرهان ۴: ۲۲۸ (ح ۸۰۴۴).

۲. کشف (۱۸): ۴۷.

۳. الأنوار اللمعة سید عبدالله شبیر: ۱۹۲ و بحار الأنوار ۵۳: ۱۲۲ علامه

مدعی حدود ۲۰۰ حدیث صحیح شده است.

۴. بحار الأنوار ۵۲: ۳۹، ح ۱.

سؤال : در دولت امام زمان علیه السلام چه کسانی رجعت خواهند کرد؟ آیا به اختیار خود رجعت کنندگان است یا تنها به اراده‌ی خداوند است و آیا رجعت زمان معینی دارد؟

جواب : مسلماً رجعت افراد زمان مشخص دارد و به اراده‌ی خداوند است. در دعای عهد، منتظران امام عصر علیه السلام می‌خواهند که اگر مرگ میان ظهور و آنان فاصله شد، خداوند آنان را از قبر بیرون آورد تا شمشیر به دست و کفن به تن، ندای مولایشان را لبیک گویند. چه بسا خداوند این درخواست را برای برخی افراد ذی صلاح اجابت فرماید و آنان به این جهان بازگردند. درباره‌ی این که چه کسانی رجعت خواهند کرد به نقل چند حدیث بسنده می‌کنیم:

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

«اول کسی که به دنیا رجعت می‌کند امام حسین علیه السلام است. رجعت مربوط به عموم نیست؛ بلکه مؤمنان خالص و مشرکان محض به دنیا رجعت خواهند کرد.»^۱

۲- امام باقر علیه السلام فرمود:

«همانا پیامبر صلی الله علیه و آله به زودی رجعت خواهند فرمود.»

۲. همان: ح ۲.

۱. بحار الأنوار ۵۳: ۳۹، ح ۱.

۳- امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی ۸۳ سوره ی نحل: ﴿روزی که از هر امتی گروهی را محشور می کنیم﴾ فرمود:

«کسی از مؤمنان کشته نمی شود مگر این که رجعت می کند تا به اجل بمیرد و کسی از مؤمنان نیست که به مرگ طبیعی مرده باشد مگر این که رجعت می کند تا کشته شود.»^۱

۴- امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی ۸۱ سوره ی آل عمران: ﴿و هنگامی که خداوند از پیامبران پیمان گرفت...﴾ فرمود:

«آنان به رسول خدا ایمان آورده امیر مؤمنان علیه السلام را یاری خواهند کرد.» راوی گوید: گفتم: آیا امیر المؤمنین علیه السلام را یاری خواهند فرمود؟ فرمود: «آری، سوگند به خداوند از آدم ابوالبشر تا... همگی! خداوند هیچ نبی و رسولی را برنینگخته است مگر این که همگی به دنیا برخوانند گشت و در رکاب علی بن ابی طالب علیه السلام خواهند جنگید.»^۲

۵- مفضل بن عمر گوید:

در خدمت امام صادق علیه السلام سخن از قائم علیه السلام شد و از یاران ما که در حال انتظار ظهور او بمیرند. آن حضرت فرمود: «هنگامی که [قائم ما] به پا خیزد، بر سر قبر مؤمن به او گفته می شود: فلانی! صاحب تو ظهور کرد. اگر می خواهی، به او بپیوند و اگر می خواهی در کرامت پروردگارت بمانی، بمان.»^۳

برای دیدن کتاب شناسی، به پایان سؤال ۲۴ مراجعه فرمایید.

۲. همان، ح ۹.

۱. همان، ح ۳.

۳. غیبت طوسی: ۲۷۶.

سؤال : علّت و حکمت رجعت چیست؟

جواب : پیش از جست‌وجوی حکمت و یا علّت رجعت، نکته‌ای مهم قابل دقت است و آن این‌که در هیچ‌یک از احکام و قوانین الاهی، دست‌یابی به تمام ابعاد و حکمت آن برای بشر عادی امکان ندارد؛ مگر سخنی از خداوند حکیم یا یکی از اولیا و انبیا و اوصیا وارد شده باشد. با این‌همه، دقت و مرور بر احادیث فراوان رجعت^۱، ما را به نکاتی چند رهنمون می‌شود و البته دانش ژرف آن را باید از خزانه‌ی علوم امامان بهره برد.

نکته‌ی ۱- رجعت تحقق‌بخش قسمتی از آرمان انبیا و امامان بزرگوار است که در حیات اولیّه‌ی خود به آن نرسیدند و آن، حضور در جامعه‌ای است که در آن نشر توحید در گستره‌ی زمین و صلاح و عدل جهانی است. در این بخش به احادیث ۱، ۲، ۳ و ۳۹ کتاب «الرجعة» نوشته‌ی میرزا محمد مؤمن استرآبادی (قرن یازدهم هجری) مراجعه شود.

نکته‌ی ۲- افراد بشر و امت‌های گذشته به‌ویژه مؤمنان به

۱. رک. پاورقی ص ۱۱۶.

آرزوی دیرینه و فطری خود، جامعه‌ی عدل، صلاح و تقوی و دانش
نرسیده‌اند. نگاه کنید به احادیث ۶، ۷، ۸ همان کتاب.

نکته‌ی ۳- چشم‌به‌راهان ظهور و حکومت مولایشان حضرت
مهدی عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف هم‌چنان در انتظار زیستند و با حالت
چشم‌به‌راهی، از این جهان دیده فروبستند و در دفتر محبت و مهر
دعای عهد چنین زمزمه کردند که:

«اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ

عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأُخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي...»

«خدایا، اگر میان من و او مرگ، آن سرنوشت حتمی

بندگان، فاصله شد، مرا از قبر بیرون آر...»

مؤمنان، با همه‌ی اخلاص در دعا، به خواست خود نرسیدند.

نکته‌ی ۴- اتمام حجّت و محاکمه‌ی کافران و منافقان و
ستمگران به انبیا و به‌ویژه به امامان اهل بیت رسول خدا ﷺ. به
احادیث ۲۱، ۳۸، ۴۱ «الرَّجْعَةُ» مراجعه شود.

نکته‌ی ۵- اثبات و ارائه‌ی قدرت الاهی در زنده کردن مردگان
برای برخی پیامبران گرامی و امت‌ها. به آیات ۱۱۰ سوره‌ی کهف
درباره‌ی زنده شدن مردگان به دست عیسی مسیح عليه السلام و ۲۱ و ۲۵
سوره‌ی کهف درباره‌ی زنده شدن اصحاب کهف مراجعه فرمایید.

نکته‌ی ۵- برپایی بخشی از حشر اکبر و قیامت کبری در حدّ
محدود دنیوی و رسیدن برخی افراد به سزای اعمال گذشته‌ی خود؛
چه مؤمنان خالص و چه کافران محض.

خواستاران تفصیل درباره‌ی سه پرسش فوق در زمینه‌ی

آیات و روایات رجعت، مراجعه فرمایند به:

- الأنوار اللامعة (عربی) از ص ۱۸۸ تا ۱۹۷ ذیل جمله‌ی
«و مصدقٌ برجعتکم».

- بحار الأنوار (عربی) ۵۳: ۳۹-۱۴۴.

- رجعت از دیدگاه عقل، قرآن، حدیث (فارسی).

- الرجعة (عربی). این نویسنده ۱۱ حدیث در
رجعت آورده است.

- رجعت یا دولت کریمه‌ی خاندان وحی.

- رجعت علامه محمدباقر مجلسی (فارسی) که در آن ۱۴
حدیث نقل کرده است.

- رجعت از نظر شیعه.

- رجعت، سید ابوالحسن قزوینی رفیعی (فارسی) در
اثبات عقلی رجعت و پاسخ به شبهات آن.

- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة (عربی).

- کتب تفسیر مانند تفسیر صافی، الاصفی، کنزالدقایق،

شریف لاهیجی، مجمع البیان، نورالثقلین، تبیان و... ذیل آیات زیر:

بقره (۲): ۵۵-۵۶، ۲۴۳، ۲۵۹

مائده (۵): ۱۰

کهف (۱۸): ۲۵

نحل (۱۶): ۳۸، ۳۹، ۸۳

غافر (۴۰): ۱۱ و ۵۱

إسراء (۱۷): ۶.

سؤال : این که شمشیر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام همراه امام عصر علیه السلام است، چه معنی و نکته‌ای را در بر دارد؟

جواب : شمشیر خاصّ امیرمؤمنان علیه السلام جزء مواریت ارزشمند امامان علیهم السلام است که اینک نزد امام زمان روحی فداء حفاظت می‌شود. جز آن، قرآن دست‌نوشته امیرالمؤمنین علیه السلام و عصای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و انگشتر امامان علیهم السلام و مواریت انبیای گذشته، همه و همه در نزد آن بزرگوار نگه‌داری می‌شود. ضمن این که وراثت حضرتش از انبیا و اولیای گذشته از دو جهت مادّی و معنوی است. او هم وارث دارایی‌های مادّی و هم علوم و قدرت‌های معنوی اولیای خداست. میراث مادّی انبیا هر کدام آیتی از آیات خداوند است که به واسطه‌ی آنها، آن امام پرده‌نشین قدرت‌نمایی می‌کند و معجزات تمامی انبیا و امامان را اظهار و ابراز می‌دارد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«هنگامی که قائم علیه السلام ظهور کند، همراه با پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و انگشتر سلیمان علیه السلام و سنگ و عصای موسی علیه السلام ظهور می‌کند.»^۱

۱. منتخب‌الأثر: ۳۱۲، ح ۱.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«هیچ معجزه‌ای بر انبیا و اولیا و اوصیا نیست مگر
این‌که مانند آن را خداوند به دست قائم ما ظاهر می‌فرماید
تا حجّت بر دشمنان تمام شود.»^۱

در این باره، مراجعه کنید به:

- بحار الأنوار ۵۱: ۲۴۳.

- اثبات الهداة ۷: ۲۷۰.

- خورشید مغرب: ۳۴۲.

- منتخب الأثر: ۳۱۲.

- روزگار رهایی ۱: ۴۵۴-۴۵۸.

۱. همان: ۳۱۳، ح ۳.

سؤال : در جنگ‌های صدر اسلام، نیروهای غیبی به امداد مسلمانان می‌آمدند و قرآن کریم نیز از آن حکایت می‌کند. آیا در دوره‌ی قیام حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام نیز چنین خواهد بود؟

جواب : در مورد حضرت بقیة الله علیه‌السلام روایاتی است که خداوند اراده‌ی حتم دارد که حکومت او را در تمام گستره‌ی زمین برپا سازد. از این رو، او «منصور بالرعب و مؤید بالنصر» است (یعنی، با رُعبی که در دل دشمنان می‌افتد، یاری می‌گردد). خداوند نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه یاری ویژه‌ای دارد؛ بیش از آنچه در حکومت‌های دیگر اولیا به وقوع پیوسته است.
در قرآن می‌خوانیم:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۱
﴿او خدایی است که پیامبر خود را برای هدایت و همراه دین حق فرستاد تا بر همه‌ی ادیان پیروزی‌اش دهد؛ اگر چه کافران را خوش نیاید.﴾

۱. فتح (۴۸): ۲۸.

احادیث وارده در ذیل این آیهی کریمه تأویل آن را در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام می‌داند.^۱

البته برنامه‌ای به وسعت حکومت حضرت حجّت علیه السلام - که جهانی است - جز با یاری و نصرت خاص و ویژه‌ی پروردگار، امکان ندارد و آیات دیگر و احادیث بسیار بر آن شاهد گویاست.

بنا به آیهی پنجم سوره‌ی قصص نیز برپایی حکومت جهانی آن امام همام تجلی تحقق اراده‌ی قطعی خدای متعال است که به مصداق: ﴿وَوُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ...﴾ صورت خواهد گرفت.
 إن شاء الله.

در این باره به کتب زیر مراجعه کنید:

- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور: ۵۸۱ - ۵۹۶.
- امام مهدی علیه السلام امید ملت‌ها: ۱۰۷ - ۱۱۳.
- کمال هستی در عصر ظهور.
- رهایی بخش.
- در فجر ساحل: ۳۹.
- خورشید مغرب، فصل آخر.
- روزگار رهایی ۱: ۵۹۱.
- گفتارهایی پیرامون امام زمان، فصل‌های ۱، ۲، ۳.

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۱۹۱؛ المحجّة: ۲۲۶؛ منتخب الأثر: ۲۹۰، ح ۱ - ۳.

سؤال: ره‌آوردهای حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور چیست؟ به اختصار درباره‌ی آن سرفصل‌ها توضیح دهید.

جواب: آنچه از ره‌آوردهای حضرت در قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام آمده است به دو بخش زیربنا و روبنا تقسیم می‌شود و به حکم این که همواره زیربنای اعتقادی و عملی در اصلاح جامعه کارساز است، موعود قرآن نیز بر زیربناها تکیه می‌کند و پایه‌های اصلی حکومت خود را بر دوش انسان‌های والا و برتر می‌گذارد. اعتقادات این انسان‌های والا از اهمیّت خاصی برخوردار است. آنان- که افرادی خداپرست و بندگانی صالح و پرهیزگاران‌اند- ریشه‌ی اصلی حکومت خود را بر همان ارزش حقیقی و فطری گذاشته با تربیت کامل اسلامی و قرآنی کار خود را آغاز می‌کنند.
قرآن کریم درباره‌ی آنان سخنان بسیار دارد؛ از جمله:

﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^۱

﴿إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۲

۱. نور (۲۴): ۵۵: ﴿تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نمی‌گیرند﴾.

۲. انبیاء (۲۱): ۱۰۵: ﴿همانا وارث زمین بندگان درست‌کردار من خواهند

شد﴾.

﴿ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴾^۱

دقت در این آیات و نظایر آنها این نکته را به دست می دهد که از ره آوردهای مهم آن حضرت توحید خالص، ترک شرک و بت پرستی، صلاح و تقوی و بندگی در دربار پروردگار جهانیان و ارتقای سطح بینش و معرفت خواهد بود. البته عدالت در سطح فردی و اجتماعی نیز نتیجه‌ی منطقی و طبیعی توحید و تقواست.

احادیث و روایات نیز توحید آن روزگار را جهان شمول، رسالت حضرت خاتم الانبیاء ﷺ را مورد اعتقاد همگان و حکومت آن حضرت را بر تمامی گستره‌ی زمین می داند.

چون حلقات گوناگون جوامع در ایجاد عدل و صلاح به هم پیوسته است، تمامی جزئیات سیستم و نظام اسلامی - قرآنی، به توحید و عدالت و تقوی مرتبط می شود. به بیان دیگر ریشه و زیربنای عدل جهان شمول، اقتصاد به سامان، سیاست درست، اجتماع سالم، انسان‌های تربیت یافته، دانش فراوان، زندگی آرام و... را اعتقاد صحیح و توحید تشکیل می دهد.

احادیث زیر گویای حقایقی ژرف در این باره است:

۱- حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«در هنگامه‌ی رستاخیز قائم علیه السلام، زمینی نمی ماند مگر این که ندای (جان فزای) لا إله إلا الله و محمد رسول الله در آن شنیده می شود.»^۲

۱. قصص (۲۸): ۸۳: ﴿و حتماً عاقبت کار از آن پرهیزگاران خواهد بود﴾.

۲. تفسیر عیاشی ۱: ۱۸۳.

۲- مولا امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«... ریا، زنا، می‌گساری، ربا از جامعه رخت می‌بندد
و مردم بر بندگی و شرع و دیانت و نماز در جماعات، روی
می‌آورند و کینه‌توزی نسبت به اهل البیت نمی‌ماند.»^۱

۳- امام باقر علیه السلام فرمود:

«آیهی ﴿آنان که اگر در زمین جای گیرند، نماز برپا
می‌دارند و زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر
کنند و عاقبت کارها از آن خداست﴾^۲ مربوط به آل محمد علیهم السلام
است که خداوند آنان را پادشاهی مشرق و مغرب‌های زمین
می‌دهد و دین، چیره می‌گردد. خداوند به وسیلهی آنان
بدعت‌ها را می‌برد... و اثری از ستم نمی‌ماند...»^۳

۴- امام کاظم علیه السلام فرمود:

«جز موحد و خداپرست نمی‌ماند.»^۴

۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«او گنج‌ها را استخراج، مال را تقسیم و اسلام را
مستقر می‌کند.»^۵

۶- هم‌چنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«... اهل آسمان و زمین و پرندگان و حیوانات
وحشی و ماهی‌های دریاها به خاطر ظهور او شاد می‌شوند.
آب در دولت او فزونی می‌یابد؛ نهرها جاری می‌شود...»^۶

۱. المهدی، صدر: ۲۳۹.

۲. حج (۲۲): ۴۱.

۳. منتخب‌الأثر: ۴۷۰، ح ۱.

۴. همان: ۴۷۱، ح ۱.

۵. همان: ۴۷۲، ح ۲.

۶. همان: ۴۷۲، ح ۳.

۷- نیز پیامبر گرامی ﷺ فرمود:

«... مهدی در پایان (روزگار) امت من خروج می‌کند.

خداوند او را از باران سیراب می‌کند. زمین گیاهان خود را

بیرون می‌دهد. او مال را درست می‌بخشد. مرکبها فزونی

می‌یابند. امت بزرگی می‌یابد...»^۱

آری، اینها تحقق دعای زیارت آل یس است که:

«و اعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهٖ بِلَادَكَ وَ اُخِي بِهٖ عِبَادَكَ.»

«خداوندا، به دست او شهرهای خود را آباد و

بندگان را حیات بخش.»

در زمینه‌ی ره‌آوردها، مراجعه کنید به:

- المهدی (عربی): ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۴۰.

- عقد الدرر (عربی): ۱۴۱، ۱۷۳.

- بحار الأنوار (عربی) ۵۲: ۲۷۹، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۹۲.

- عصر ظهور (فارسی): ۳۵۱ و ۳۷۱.

- روزگار رهایی (فارسی) ۲: ۵۹۱، دولت حق.

- تاریخ مابعدالظهور (عربی)، فصل ۷، صص ۷۷۱-۸۰۳.

- معجم أحادیث الإمام المهدی (عربی) ۵: ۵۰، ۵۹، ۶۲،

۶۳، ۹۱، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۱،

۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۱ و...

- کمال هستی در عصر ظهور (فارسی).

- عصر زندگی (فارسی).

۱. همان: ۴۷۳، ح ۱.

سؤال : مفهوم انتظار چیست و آثار آن کدام است؟
 آیا انتظار، به مفهوم دقیق خود، بخشی از وظایف منتظران
 است؟ اثرش در تخفیف مشکلات دوران غیبت چیست؟

جواب : معنای انتظار چشم‌به‌راهی است. چشم‌به‌راهی دقت و
 حساسیت نسبت به منتظر را می‌طلبد. چشم‌به‌راهی از قلب تپنده‌ای
 خبر می‌دهد که هر چه را در راه رسیدن به محبوب منتظر بد ببیند
 تحمل می‌کند. از انتظار، باور، تلاش، سرعت و شتاب به سوی منتظر
 استفاده می‌شود. منتظر تعهد به اجرای وظایف را از دل خود
 می‌آموزد؛ زیرا که این انتظار و تعهد در دل او ریشه کرده است.

- می‌توان گفت که فرد منتظر ویژگی‌های زیرین را داراست:
- ۱- پای‌بندی به توحید خالص و تلاش برای زدودن شرک
 - ۲- طرف‌داری از عدالت محض و تمرین برای گسترش عدالت
 - ۳- زیستن بی‌آلایش و ساده و بی‌تجمل‌گرایی
 - ۴- کوشش در مسیر آبادانی زمین و زمان و انسان
- از این رو، وظایف چشم‌به‌راهان چنین خواهد بود:
- ۱- معرفت منتظر (جامعه‌ی آینده و حاکم اسلامی آن)
 - ۲- محبت و دوستی او

- ۳- تبعیت و پیروی از او
 - ۴- تمرین برقراری آن جامعه در دل و خانه و اجتماع
 - ۵- تقرب به امام علیه السلام و آمادگی برای آن جامعه
 - ۶- دعا برای سلامتی و ظهور او و استغاثه به سوی او
- نتیجه‌ی چنین چشم‌به‌راهی نیز این است:
- ۱- آرامش و تسکین روحی و فکری فرد و جامعه
 - ۲- ساختن بخشی از جامعه و مدینه‌ی برتر
 - ۳- آفریدن شادی برای منتظر
 - ۴- ارتباط شدید با او

- در زمینه‌ی حقیقت انتظار و وظیفه‌ی منتظر رجوع کنید به:
- منتخب الأثر (عربی): ۴۹۲، فصل حرمت انکار قائم علیه السلام و
 - ۴۹۳، فصل فضیلت انتظار و ۵۰۹، فصل در برخی تکالیف شیعه نسبت به او و ۵۱۳، فصل در فضیلت ایمان به او در روزگار غیبت.
 - مهر محبوب (فارسی): ۲۵۸-۲۶۷.
 - مکیال المکارم (فارسی) ۲: ۱۶۵-۵۸۳.
 - روزگار رهایی (فارسی) ۱: ۳۴۹.
 - خورشید مغرب (فارسی): فصل ۱۳، صص ۲۵۷-۲۸۷.
 - مجالس حضرت مهدی علیه السلام (فارسی)، مجلس ۱۰ و ۱۱.
 - آفاق انتظار (فارسی).
 - راز نیایش منتظران (فارسی)، مقصد ۱ تا ۳.
 - در انتظار امام (فارسی).
 - در فجر ساحل (فارسی): ۴۹.

سؤال : امکان زیارت امام زمان علیه السلام در چه مکان‌ها
یا زمان‌هایی بیش‌تر است؟ آیا ما وظیفه داریم برای دیدار
آن حضرت اقدام و کوشش کنیم یا خیر؟

جواب : شیعه همانند پیشوایان شیخیّه مدّعی نیست که امام
عصر علیه السلام در جابلقا و جابلسا زندگی می‌کنند. بلکه معتقد است که
روی همین زمین زندگی می‌کنند. بنابراین، امکان دیدار و رؤیت
وجود دارد؛ امّا این‌که کسی ادّعا کند فردا یا هفته‌ی دیگر، با او قرار
دیدار دارم، یا هر زمان که بخواهم می‌توانم به دیدار ایشان نایل
شوم... چنین نیست.

بزرگان و افراد بسیاری در دوران غیبت خدمت امام عصر علیه السلام
رسیده‌اند که در آثار نقل شده است؛ از جمله در کتاب غیبت طوسی،
صص ۲۵۳ - ۲۸۰، إثبات الهداة، بحار الأنوار، ج ۵۲، صص ۱ - ۹۰ و
ج ۵۳، ص ۲۰۰ تا آخر (جَنَّةُ الْمَأْوَى)، نجم ثاقب، باب ۷. تنها در
کتاب اخیر ۱۰۰ حکایت مستند را آورده که در بیشتر آن‌ها مرحوم
نوری خود به سلسله سند متصل شده است و بعضی را بدون واسطه و
از بعضی دیگر با واسطه‌ی موثّق، نقل می‌کند.

کتاب‌هایی مانند منتخب الأثر، رعاية الإمام المهدي علیه السلام،

تجلیات امام عصر عجل الله تعالی فرجه داستان‌های موثق دیگری را نیز نوشته‌اند. بنابراین، امکان دیدار آن حضرت به کلی منتفی نیست؛ به خصوص که آن امام همام فرموده‌اند که ما از شیعه مراقبت می‌کنیم.^۱ بر این نکته تأکید می‌کنیم که تمامی این عنایات به اختیار خود آن حضرت و به اشاره‌ی اوست نه باریافتگان. کسانی هم که از پیش و به لطف خود او وعده‌ی دیدار داشته‌اند، هرگز پیش از دیدار (مگر در مواردی اندک، آن هم برای رساندن ابلاغی) اظهار نکرده‌اند. تا آنجایی که ما اطلاع داریم، تلاش برای دیدار آن حضرت در دوران غیبت، به‌عنوان یک امر واجب یا مستحب مطرح نشده است؛ زیرا بشر عادی این امکان را ندارد و تنها خود آن بزرگوار است که گاهی بر سپیدبختی تجلی فرموده سایه‌ی رستگاری عظیم بر سر او می‌اندازد. بنابراین، تلاش و کوشش برای دیدار حضوری او همانند زیارت ائمه‌ی دیگر و رسول خدا ﷺ از مستحبات شمرده نشده است تا افراد مقدمات عادی و معمولی آن سفر روحانی را فراهم سازند.

آری، مقدمات قلبی و روحانی آن - که معرفت مقام امام است و رعایت تقوی و حریم شرع - در دست ماست؛ آن هم نه به شرط توقع و طلب‌کاری بلکه به امیدواری و سپس دعا و مسألت از خدا که:

«اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ.»

«خداوند! آن طلعت سروآسا و چهره‌ی نیکو را به من بنمایان.»

۱. احتجاج طبرسی ۲: ۴۹۷، توفیق به شیخ مفید.

آنچه مستحب است خواندن زیارت حضرت مهدی علیه السلام در سرداب مطهر و زیارات دیگر از دور است.^۱ از دعای یادشده در بالا این نکته‌ی دقیق به دست می‌آید که ما زمینه‌ی دل و جان را آماده می‌کنیم و سپس از خداوند مسألت می‌داریم که او را به ما نشان دهد. تذکر این نکته لازم است که ادعای ملاقات با امام عصر علیه السلام در زمان‌هایی و نیز در این عصر، برای برخی ریاکار، اسباب کسب آبرو نزد مردمان ساده‌لوح و رونق زندگی دنیا شده است. چه بسا کسانی که ادعای دیدار می‌کنند؛ اما برهانی بر اثبات آن وجود ندارد.

حقیر به رؤیاهای نقل شده - اگرچه به اصل رؤیای صادق اعتقاد دارم؛ لیکن چون بسیاری از آنها قابل تحقیق نیست - اعتماد نمی‌کنم. به محتوای یک خواب هرگز نمی‌شود اعتماد کرد؛ مگر نسبت به اشخاص مورد وثوق و مؤمن یا با قرائن بسیار قطعی. لذا ملاقات‌کنندگان باید از افراد صحیح‌العقیده و مورد اعتماد باشند و انسان یقین کند که نقل آن را وسیله‌ی دنیاداری نکرده‌اند. اگر هم بازگوکننده از فرد موثقی نقل می‌کند، باید با سلسله سند معتبر باشد. این بنده افراد ساده‌اندیشی را دیده‌ام که اگر عنایتی به آنها شده بر دیدار آن حضرت حمل کرده‌اند. از سویی، با اساتید بزرگواری نیز برخورد داشته‌ام که از این مقوله سخنی به میان نیاورده‌اند؛ به ویژه یکی از ایشان که حدود هشتاد و چند سال عمر خویش را در

۱. رک. کلمة الإمام المهدی علیه السلام، بخش ۳ - ۶؛ بحار الأنوار ۱۰۲: ۱۸۱-۱۲۶

و ربيع الأنام في أدعية خير الأنام: ۳۵۵ - ۳۹۶ که زیارات مختلفی را نقل کرده‌اند.

خدمت‌گزاری به آستان آن حضرت و ترویج نام او صرف کرد و آتش محبت امام عصر علیه السلام را در دل من مشتعل ساخت. سی و چهار سال با او در حضر و سفر بودم و در صدها جلسه‌ی درس از او بهره برده‌ام و هرگز جمله‌ای که حاکی از ادّعی دیداری باشد، نشنیده‌ام. تنها روش او رحمة الله علیه و این‌گونه مرّبان تشویق به خدمت‌گزاری و تلاش در کسب معرفت نسبت به آن حضرت و نشر عقاید آن محبوب دل‌ها بود. این نشان می‌دهد که اگر کسی هم سعادت دیدار حضرت را داشته باشد، به این آسانی و ارزانی آن را خرج نمی‌کند؛ مگر این‌که نقل و نشر آن سبب هدایت مردم شود نه رونق بازار دنیای او. نتیجه این‌که وظیفه‌ی دینی ما انجام کارهایی است که با عرض اخلاص به امام عصر علیه السلام زمینه‌ی لطف خدا را در دیدار او فراهم آوریم.

این کم‌ترین، به همه توصیه می‌کنم در این روزگار غیبت و فتنه‌ی در عقاید و اخلاص، با کردارهای شایسته و بایسته، عنایات و نظر مهر آن رؤوف را جلب کنند. اخلاق، اعتقادات، روحیات، فقه، دین و شیوه‌ی زندگی آن امام را، نخست در عمل و آن‌گاه در گفتار، ترویج کنند که این‌گونه تلاش‌ها، زمینه‌ساز توجّه و عنایات ویژه‌ی او به ماست تا مگر دست محبت بر سر ما بگذارد و عقل و دین بیفزاید.

در اوایل طلبگی حدود سال‌های ۴۱ و ۴۲ شمسی هفده ساله بودم که در قم با اهل دلی برخورد کردم. سیّد بود و سنّ و سالش از من بیش‌تر. تازه طلبه شده و از ابرار و اخیار بود. به توصیه‌ی دوستی، به این سیّد بزرگوار صرف و نحو می‌آموختم. او از نظر روحیات و اخلاق و معنویت فوق‌العاده بود. هر بار که به خانه‌اش می‌رفتم، حال

معنوی عجیبی پیدا می‌کردم. نکته‌ها می‌آموختم. هر جمله‌اش درس بود. روزی به او گفتم: انسان چه کند که خدمت امام عصر برسد؟ گفت: کاری کن که ایشان سراغ تو بیایند؛ زیرا امکاناتشان بیش‌تر است! باری، در روزگار غیبت، وظیفه این است که تلاش کنیم بر تعداد دوستان آن حضرت بیفزاییم؛ از حریم ولایت او دفاع و امامت و غیبت و حیات و حضورش را اثبات کنیم؛ اخلاق، محبت، افکار، شخصیت و تأثیرات او را حتی در زندگی روزانه به مردم بشناسانیم و با او ارتباط روحی و معنوی داشته باشیم. این‌ها موجب می‌شود تا آن مهربان سایه‌ی لطف بر ما بیفکند؛ چه چهره بنماید چه ننماید. یادمان نرود که اگر تلاش کردیم ولی به دیدارش نائل نشدیم، دلیل کم‌لطفی او نیست؛ چرا که نمی‌دانیم اراده‌ی خداوند و صلاح ما در چیست. باید بدانیم که هر چه را صلاح ماست او اراده خواهد کرد. با این همه، آرزوی هر عاشقی، دیدار و وصال یار محبوب است. همه هست آرزویم که ببینم از تو رویی

چه شود تو را که من هم برسم به آرزویی؟!

در این باره، نگاه کنید به:

- نجم ثاقب، باب ۹: ۵۶۹ و باب ۱۰: ۵۷۷.

- مکیال المکارم ۲: بخش ۸.

- روزگار رهایی ۱: ۴۰۱.

- پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی.

- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور: ۳۲۵ - ۳۷۴.

- الفبای محبت امام عصر علیه السلام.



سؤال : وظیفه‌ی شیعیان در دوران غیبت امام
زمان علیه السلام چیست؟

جواب : در زمینه‌ی غیبت امام عصر علیه السلام مهم‌ترین پرسش همین
است؛ چرا که در آیین اسلام، احکام و عقاید جنبه‌ی علمی و
کاربردی دارد و اسلام هرگز طرف‌دار مسایل نظری و تئوریک محض
نیست. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«الْإِيمَانُ عَمَلٌ كُلُّهُ»^۱

«همه‌ی ایمان رفتار است.»

بنابراین، می‌توان گفت که: وظیفه‌ی شیعه در زمان غیبت به
عمل برمی‌گردد و شیعه باید در دوران سخت امتحان و فتنه‌ی غیبت
کوشش و فعالیت کند و با مراقبت‌ها، اولاً: خود را از خطرات برهاند و
ثانیاً: تا سر حد امکان در اصلاح امور نقش داشته باشد.

در این راستا، امامان علیهم السلام ۳ دستور اساسی داده‌اند:

- ۱- انتظار و چشم‌به‌راه‌بودن برای ظهور و گشایش کار جهان.
- ۲- مراقبت بر اعمال و تکالیف خاص.
- ۳- خواندن برخی از ادعیه و اذکار.

۱. کافی ۲: ۳۹، بخشی از حدیث ۷.

در مورد تکلیف اوّل، انتظار فرج را بسیار ستوده‌اند؛ تا آن جا که تأکید شده است:

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ.»^۱
«برترین عبادت‌ها انتظار فرج است.»

یا فرموده‌اند:

«آن که چشم به راه ظهور و گشایش است، شهیدی را مانند که در راه خدا به خون خود آغشته شده است.»^۲

در مورد تکلیف دوم، به باور خدا، پذیرش رسالت رسول، اقرار به احکام الاهی، گردن نهادن ولایت امامان معصوم، بیزاری از دشمنان آنان، پارسایی، کوشش در راه عبادت و... سفارش کرده‌اند.^۳

از باب نمونه، در روایت امام باقر علیه السلام آمده است که:

«عبادت خدا فرع بر شناخت اوست.»

راوی می‌پرسد: معرفه الله چیست؟ حضرت فرمود:

«باور کردن خدا و رسول او و ولایت علی علیه السلام و پیروی از او و از امامان هدایت و بیزاری از دشمنان آنان، خداوند این چنین شناخته می‌شود.»

در مورد سوم نیز، دعاهایی از جمله: **اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِكَ...**، **سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ...**، **اللَّهُمَّ كُنْ لِسَوْلِيِّكَ...** و... توصیه شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مؤمنان زمان غیبت را برادران خود خوانده و آنان را بسیار ستوده است.

۲. همان، ح ۷.

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۲۵.

۳. همان: ۱۴۰، ح ۵۱.

- وظایف ما در روزگار غیبت، معرفت‌الله و معرفت‌الرسول و معرفت‌امام و عمل به دستورات آنان و اعتلای نام حضرت مهدی علیه‌السلام و نشر عقاید و افکار او و رعایت جنبه‌های تقوی و صلاح است.
- درباره‌ی وظایف منتظر در عصر غیبت، به کتب زیر مراجعه شود:
- ۱- ترجمه‌ی مکیال‌المکارم ۲: ۱۶۵ به بعد (بخش ۸).
 - ۲- روزگار‌رهایی ۱: ۳۴۹.
 - ۳- مهر محبوب: ۲۵۸.
 - ۴- خورشید مغرب، فصل ۱۳: ۲۵۷.
 - ۵- در فجر ساحل: ۴۹.
 - ۶- آفاق انتظار.
 - ۷- نگاهی به مسأله‌ی انتظار.
 - ۸- معرفت‌امام عصر علیه‌السلام: ۲۷۲...
 - ۹- امامت و مهدویت، ج ۲، بخش انتظار عامل مقاومت.
 - ۱۰- انتظار بذر انقلاب: ۸۳.
 - ۱۱- منتخب‌الأثر: ۴۹۳ و ۵۰۱.
 - ۱۲- پیمان محبوب (شرح دعای عهد).
- می‌توان بسیاری از این وظایف را در دو زمینه‌ی اصلی اعتقادی و عملی به شرح زیر فهرست کرد:
- ۱- اعتقاد به لزوم حجّت علیه‌السلام.
 - ۲- شناخت امام عصر علیه‌السلام و تلاش در افزودن آن و خواندن دعای معرفت (اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ).

۳- تجدید پیمان بر توحید و نبوت و ولایت و عرضه‌ی عقاید
بر او (زیارت آل یس).

۴- پیروی و اطاعت دقیق از آن حضرت.

۵- چشم‌به‌راهی ظهور و فرج و خواندن دعای فرج در قنوت.

۶- داشتن حالت مراقبه در حفظ حریم الاهی و اولیای او.

۸- استمداد و استغاثه از او در شداید و خواندن دعای الاهی

عَظْمُ الْبَلَاءِ.

۹- همت و دعا برای ثبات قدم و خواندن دعای عهد در

سپیده‌دمان.

۱۰- ایجاد محبت قلبی و ابراز محبت واقعی نسبت به او:

الف: عرض ادب با تقدیم سلام و خواندن زیارت

جمعه و دیگر زیارات آن حضرت علیه السلام.

ب: برخاستن در شنیدن و گفتن لقب مخصوص

(قائم علیه السلام) و درخواست ظهور و فرج حضرت از خداوند.

ج: مقدم داشتن او در دعاها.

ه: خواندن آیه‌الکرسی پس از هر نماز و صدقه دادن

برای سلامت او.

د: هدیه‌ی نماز و اعمال مستحب (مثل خواندن قرآن،

حج، عمره، زیارت ائمه و...) به او.

و این همه را می‌توان در واژه‌ی «ترصد» خلاصه نمود؛ چرا که

مفهوم این لغت آمادگی همه‌جانبه‌ای است که انسان منتظر باید

همواره در خویش حفظ کند تا به محض ضرورت عمل و اقدام نماید.

فهرست مطالب

پیش‌گفتار ۵

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

امامت و مهدویت

۱۷ - ۲۲

- سؤال ۱: برای آگاهی از مسایل اعتقادی، به‌ویژه امامت و مهدویت، به چه منابعی می‌توان مراجعه کرد؟ منابع نقلی تا چه حد قابل اعتماد است؟ ۱۷
- سؤال ۲: چرا امامان علیهم‌السلام دوازده تن‌اند و بیش‌تر نیستند؟ ۲۸

بشارات کتب آسمانی

۳۰ - ۳۵

- سؤال ۳: آیا آیه‌ی ۵ از سوره‌ی قصص در داستان بنی‌اسرائیل و فرعون نیامده؟ پس چرا می‌گویند در باره‌ی حضرت ولّی عصر علیه‌السلام است؟ ۳۰
- سؤال ۴: آیا در احادیث اسلامی و کتب غیرشیعه سخنی از مهدی موعود وجود دارد و آیا او شخصی معین و فرد خاصی است یا مهدی نام‌نوع قیام‌کننده و مصلح جهانی است؟ ۳۳

اصالت مهدویت

۴۳ - ۳۶

- سؤال ۵: در احادیث شیعه، مهدی موعود به عنوان شخص معین است. درباره‌ی او چه ویژگی‌ها و علاماتی گفته شده است؟ ۳۶
- سؤال ۶: با مشخص بودن کامل شخص مهدی موعود، چگونه است که برخی منسوبان و بعضی مدعیان مهدویت پدیدار شده‌اند؟ ۳۹

شناخت حضرت مهدی علیه السلام

۵۸ - ۴۴

- سؤال ۷: آیا امام زمان علیه السلام هم مانند سایر مردم دارای نام و فامیلی است و آیا چهره و مشخصات ظاهری او در جایی ترسیم شده است؟ ۴۴
- سؤال ۸: آیا روایت معتبری وجود دارد که در آن تمامی مشخصات امامان بزرگوار و به‌ویژه امام زمان علیه السلام آمده باشد؟ ۵۰
- سؤال ۹: تفاوت مقام امام زمان علیه السلام و اصحاب ایشان با مقام سایر امامان علیهم السلام و اصحابشان در چیست؟ حدیث حضرت مهدی علیه السلام طاووس اهل بهشت است چه معنی‌ای دارد؟ ۵۶

غیبت

۷۷ - ۵۹

- سؤال ۱۰: آیا امام عصر علیه السلام همسر و فرزند دارند؟ به‌طور کلی درباره‌ی خانواده‌ی حضرت و زندگی شخصی او چه اطلاعاتی در دست است؟ ... ۵۹
- سؤال ۱۱: طبق گفته‌ی خواجه نصیرالدین طوسی آیا تنها علت غیبت

آن حضرت، گناه شیعیان، دوستان و نزدیکان ایشان است یا عوامل دیگری هم در آن اثر داشته است؟ ۶۱

سؤال ۱۲: آیا در احادیث اسلامی، مشخصات روزگار غیبت آمده است؟ اگر آمده، برخی از آنها را بیان کنید..... ۶۳

سؤال ۱۳: تفاوت حضور و غیبت امام را توضیح دهید. ۶۷

سؤال ۱۴: توقیعات چیست و صحت صدور آنها از سوی حضرت بقیة الله علیه السلام چگونه مشخص می شود؟ ۷۲

دیدارها و تشرفات در دوران غیبت

۷۸ - ۸۲

سؤال ۱۵: آیا امکان دارد یکی از دیدارهای انجام گرفته با امام زمان ارواحنا فداه را با ذکر اسناد آن بیان دارید؟ ۷۸

برخی از آثار وجودی امام زمان علیه السلام

۸۳ - ۹۵

سؤال ۱۶: توقیعات درباره‌ی چه موضوعی صادر شده است و آیا برای انسان‌های دیگر قابل بهره‌برداری است؟ ۸۳

سؤال ۱۷: دعا و استغفار ائمه علیهم السلام برای شیعیان خود آیا اثری در این دنیا برای ما دارد یا تنها آثار معنوی آن را در آخرت خواهیم دید؟ ۸۷

سؤال ۱۸: مردم در زمان غیبت چه بهره‌هایی از امام عصر علیه السلام می‌برند؟ ۹۰

سؤال ۱۹: آیا جمله‌ی «یا ابا صالح المهدی! ادرکني» - که مردم در مددخواهی از امام زمان علیه السلام می‌گویند - مأخذ حدیثی دارد؟ در کجا؟ ... ۹۴

طول عمر

۹۶ - ۱۰۵

سؤال ۲۰: آیا طول عمر حضرت مهدی علیه السلام طبیعی است یا جنبه‌ی اعجاز دارد؟ ۹۶

شرایط ظهور

۱۰۶ - ۱۱۰

سؤال ۲۱: کیفیت ظهور امام عصر علیه السلام چگونه خواهد بود؟ ۱۰۶
سؤال ۲۲: معنای دقیق «رجعت» چیست؟ آیا سند محکمی از قرآن و احادیث برای آن وجود دارد؟ ۱۰۸

کارنامه‌ی ظهور و قیام

۱۱۱ - ۱۲۳

سؤال ۲۳: در دولت امام زمان علیه السلام چه کسانی رجعت می‌کنند؟ این رجعت به اختیار آنان است یا به اراده‌ی خداوند و آیا زمان معینی دارد؟ ... ۱۱۱
سؤال ۲۴: علت و حکمت رجعت چیست؟ ۱۱۳
سؤال ۲۵: این‌که شمشیر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام همراه امام عصر علیه السلام است، چه معنی و نکته‌ای را در بر دارد؟ ۱۱۶
سؤال ۲۶: در جنگ‌های صدر اسلام، نیروهای غیبی به امداد مسلمانان می‌آمدند، آیا در دوره‌ی قیام امام عصر علیه السلام نیز چنین خواهد بود؟ ... ۱۱۸
سؤال ۲۷: ره‌آوردهای حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور چیست؟ به اختصار درباره‌ی آن سرفصل‌ها توضیح دهید. ۱۲۰

وظایف منتظران

۱۲۴ - ۱۲۵

- سؤال ۲۸: مفهوم انتظار چیست و آثار آن کدام است؟ آیا انتظار، به مفهوم دقیق خود، بخشی از وظایف منتظران است؟ اثرش در تخفیف مشکلات دوران غیبت چیست؟ ۱۲۴
- سؤال ۲۹: امکان زیارت امام زمان علیه السلام در چه مکان‌ها یا زمان‌هایی بیشتر است؟ آیا ما وظیفه داریم برای دیدار ایشان کوشش کنیم یا خیر؟ ... ۱۲۶
- سؤال ۳۰: وظیفه شیعیان در دوران غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟ ... ۱۳۲

YAAD-E-MAHBOOB

(Remembering the Beloved)

Questions and answers on the subject of the last Divine
Reformer, Imam Mahdi - Lord of Time - (PBUH)

3rd Vol.

Author

Sayyed Hosain Hosainie

Editor

Sayyed A. Razavie

Afaqh Publishing Company

Tehran, 2001

All rights reserved